



اطلاعیه برگزاری کنگره دوازدهم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

ستان و یاران سازمان!

به اطلاع شما دوستان و یاران سازمان می‌رسانیم که کنگره دوازدهم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اردیبهشت ماه سال آینده برگزار خواهد شد.

در کنگره دوازدهم تدوین، تدقیق و تکمیل اسناد پایه‌ای سازمان از جمله تدوین مسائل دیدگاهی سازمان و تدقیق و تکمیل سند اساسنامه که در کنگره قبلی به تصویب رسیده است، در دستور کار کنگره دوازدهم قرار دارد. در فاصله بین دو کنگره سازمان، جنبش سبز پا به حیات گذاشته، سپهر سیاسی کشور را تحت تأثیر قرار داده و جریان حاکم را به چالش طلبیده است. کنگره نگاه به این جنبش اعتراضی و راه‌های تلاوم و تقویت آن، بررسی آرایش نیروهای سیاسی، شکاف‌های درون بلوک قدرت، بحران اقتصادی، تحریم‌های بین‌المللی را در بحث و گفتگوهای خود قرار خواهد و سیاست‌های سازمان پیرامون این موضوعات را تدوین و راستاهای فعالیت سازمان تا کنگره سیزدهم را مشخص خواهد کرد.

کنگره عملکرد ارگان‌های منتخب خود را مورد بررسی قرار داده و ارگان‌های مرکزی را برای اداره سازمان تا کنگره آتی انتخاب خواهد کرد.

با آرزوهای نیک

18 - 1389 27

دبیرخانه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

تأثیر تحریم‌ها بر زندگی مردم

تحریم‌های سازمان ملل به کارگردانی ایالات متحده آمریکا هر روز ابعاد گسترده تری به خود می‌گیرد. زیر فشار آمریکا و به درخواست این کشور از سایر کشورها، دامنه تحریم‌ها از مصوبات شورای امنیت فراتر رفته است. اتحادیه اروپا و ژاپن به پیروی از ایالات متحده تحریم‌های تکمیلی را به مواردی که شورای امنیت تصویب کرده اضافه نموده اند. آمریکا کشورهایی را که به مصوبات کنگره آمریکا و دولت این کشور بی توجهی می‌نمایند، مشمول مجازات‌های اقتصادی می‌نماید. عرصه برای جمهوری اسلامی و دوستان مردم و عموماً ضعیف این کشور روز به روز تنگ تر می‌شود. امکان مانور از حکومت ایران سلب می‌شود، روندی که سران حکومت را مستأصل کرده است. برخلاف ادعاها و لاف زنی‌های دولت احمدی نژاد مبنی بر بی تأثیر بودن تحریم‌ها، واقعیت‌های جامعه حاکی از تأثیرات مخرب آن در تمامی ابعاد سیاسی و اجتماعی کشورمان است.

هم اینک تحریم‌ها مثل موربانه به جان اقتصاد کشورمان افتاده است و آثار ویرانگر آن روزبروز خود را بیشتر نشان می‌دهند. با نگاهی سطحی به ابعاد تحریم‌های اقتصادی ایران، آثار بحران ناشی از آن را در صنایع، بیکاری‌های گسترده و گرانی‌ها مشاهده خواهیم کرد و به سادگی در خواهیم یافت که سران و مقامات حکومت اسلامی، از یک طرف ابعاد مخرب این تحریم‌ها را از جامعه مخفی نگاه می‌دارند و مستقیم و غیرمستقیم برای مذاکره با آمریکا التماس می‌کنند، و از طرفی دیگر و از سر استیصال دست به تحریکاتی نظیر نمایش نظامی، استقرار نیروی در جنوب کشور و اعلام خبر تحریک آمیز تولید اورانیوم با غلظت 20 عملاً افکار عمومی را در سطح جهان علیه ایران تحریک می‌کنند.

2

اطلاعیه کانون نویسندگان ایران

درباره بازداشت رییس

!

دکتر فریبرز رییس دانا، اقتصاددان، نویسنده، مترجم و عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران نیمه 27 آذر با یورش شخصی به منزلش دستگیر شده است.

در کشوری که به‌تازگی "نماینده" اش در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل اعلام کرده است ایران آزادترین کشور جهان است، اقتصاددانی را ظاهراً به اتهام اظهارنظر درباره "طرح تعدیل اقتصادی و حذف یارانه" کمتر از دو ساعت پس از مصاحبه بازداشت می‌کنند، تنی چند از روزنامه‌نگاران را از محل کار خود می‌ربایند، و کیلی را به اتهام دفاع از متهمان سیاسی به بند می‌کشند و مرگ تدریجی او از گرسنگی را با بی‌اعتنایی نظاره می‌کنند، کارگری را که جرمی جز دفاع از حقوق صنفی و سندیکایی ندارد ماه‌ها در زندان نگاه می‌...

کانون نویسندگان ایران، که به حکم منشور خود آزادی بیان را حق بی و چرای هر شهروند ایرانی، بی هیچ حصر و استثناء، می‌داند خواهان آزادی بی قید و شرط فریبرز رییس زندانیان سیاسی و عقیدتی دیگر است.

کانون نویسندگان ایران

1389 30

در این شماره :

| | |
|---------|--|
| 4 | آخرین ماه پاییز، یادآور جنایتی هولناک |
| صفحه 8 | جمهوری اسلامی و معضلات اجتماعی |
| 9 | 16 |
| 14 | 21 |
| 15 | در دفاع از سوسیالیسم (25) هدفمند کردن یارانه |
| 16 | از میان رویدادهای ایران و جهان |
| صفحه 21 | |

سرمایه‌داری در سراشیب سقوط، نگاهی تحلیلی به بحران در کشورهای سرمایه

متدولوژی تحلیل و بررسی علمی حکم می‌کند که در حین بحث و بررسی پیرامون بحران سرمایه داری، پیش از همه، باید این مسئله مورد توجه قرار گیرد که بحران سرمایه داری، جنبه ساختاری داشته و بر این اساس، در تحلیل و بررسی آن باید به شیوه‌های برخورد ساختاری تکیه کرد.

6

نظریه پایان ایدئولوژی ()

اما واقعیت علم و ایدئولوژی و رابطه آنها با یکدیگر چیست؟

انسان در جریان تکامل تاریخی خود، در جریان ایجاد و رشد بخشیدن به فرهنگ و تمدن، برای رسیدن به هدف هائی معین، هم در طبیعت مداخله و آنرا در جهت خواسته‌های خود تغییر داده است و هم جامعه و سازمان اجتماعی خود را ...

10



Kar-dakhel@yahoo.com
Kar.dakhel@gamil.com

در زمینه انرژی

به گزارش خبرگزاری ها تاکنون حداقل 10 کنسرن نفتی جهان، از جمله کنسرن های توتال فرانسه، ریلانس هند، ویتول، کلینگور، ترفیگورا، شل، بریتیش پترولیوم، پتروناس مالزی و لوک اویل روسیه صدور بنزین به ایران را قطع کرده . ایران اگر در گذشته می توانست از چین، ژاپن، هند، وژوئلا، کره بنزین خریداری کند، امروز از بازارهای بسیار معدودی قادر به تامین بنزین مورد نیازش می باشد. بیشتر این کشورها از جمله هندوستان، دیگر از فروش بنزین به ایران خودداری می کنند، و ترکیه، امارات، عربستان و چین کشورهایی هستند که بخش عمده بنزین مورد نیاز ایران را تامین می کنند.

اقتصادی این کشورها با آمریکا، موجب کاهش صدور بنزین به ایران گشته و در آینده نزدیک شاید قطع کامل آن را موجب شود. در حال حاضر ترکیه مهم ترین تامین کننده بنزین ایران به شمار می آید، اما این کشور قادر نیست نیازهای بنزین ایران را تامین کند و انتظار می رود ترکیه نیز با فشار آمریکا و اتحادیه اروپا فروش بنزین به ایران را قطع کند. احتمالی که شواهد آن مشاهده گردیده، بطوریکه فروش بنزین ترکیه در ماه ژوئیه نسبت به ماه قبل آن 73 درصد کاهش یافته، یعنی از 93 میلیون دلار در ماه ژوئن به حدود 26 میلیون دلار در ماه ژوئیه رسیده است. کاهش شدید فروش بنزین ترکیه، هم زمان با اعمال تحریم آمریکا و اتحادیه اروپا اتفاق می افتد.

تحریم ها که شامل تجهیزات صنایع نفتی نیز می باشد، موجب گردیده نه تنها از میزان تولید نفت خام بشدت کاسته شود، بلکه در زمینه تولید فرآورده های نفتی از جمله تولید بنزین نیز با مشکلاتی مواجه شویم. حکومت اسلامی که به دلیل فرسودگی و ظرفیت پائین پالایشگاه های داخلی 40 درصد بنزین مورد نیاز کشور را وارد می کرد، با اعمال تحریم ها و نفروختن بنزین به جمهوری اسلامی، حکومت مجبور به تغییر خط تولید صنایع پتروشیمی برای تامین بنزین مورد نیاز کشور شده است. افزودن بیش از اندازه و خارج از استاندارد بنزین به بنزین موجب آلودگی شدید هوا گردیده که، به گفته ی کارشناسان تنها در تهران روزانه دهها نفر از این عارضه کشته می شوند. البته باید در نظر داشت که پیش از این هم درصد بنزین مصرفی در بنزین از استانداردهای جهانی بیشتر بود.

تحقیقاتی به زیر یک درصد برسد، در حالی که هم اینک به 10 درصد افزایش یافته است. افزایش قیمت سوخت و کاهش و حذف سهمیه بنزین ارزان قیمت راهکاری است که برای کاهش مصرف بنزین و کاهش وابستگی کشور به بنزین وارداتی توسط حکومت بکار . اما مهمترین مشکل در زمینه انرژی، کاهش صادرات نفت خام ایران است.

منشاء این موضوع در دو حیطه، کاهش توان استخراج و کاهش فروش و از دست دادن کاهش توان استخراج و تولید نفت خام نیز به عدم سرمایه گذاری های جدید و نبود ماشین آلات و تکنولوژی مورد نیاز برای افزایش توان تولید برمی گردد. تحریم صنایع نفتی مهم ترین دلیل این امر محسوب می شود. با فشار آمریکا اکثر مشتریان ایران ترجیح می دهند بجای درگیری با آمریکا، گزینه های دیگری را برای تامین نفت خام مورد نیاز خود دست و پا کنند. چین که نیاز شدیدی به انرژی دارد و لازم است در این حوزه از امنیت کامل . با این همه آنها در همکاری با آمریکا در تحریم ایران، بین 30 40

واردات نفت خام خود از ایران را کاهش داده . تامین نیازهای نفتی چین از عراق و عربستان سعودی موجب کاهش واردات نفت خام چین از ایران شده است.

در زمینه گاز، ایران با داشتن ذخایر عظیم گازی دومین کشور در جهان از این منظر محسوب می گردد. اما تحریم ها موجب گردیده سرمایه گذاری روی صنعت گاز ایران . شرکت توتال فرانسه از امضای طرح تولید گاز طبیعی مایع (ال ان جی) با ایران . قبلاً نیز در اقدامی مشابه شرکت انگلیسی- هلندی رویال دچ شل هلند از همکاری با ایران امتناع نموده بود. اکثر شرکت های انرژی در سطح بین المللی سیاست مذاکرات طولانی و ائتلاف وقت را برای مشارکت در پروژه های نفتی و گازی ایران در پیش گرفته بودند، و اکنون هم در حال ترک تدریجی ایران هستند.

کاهش تولید و کاهش فروش نفت و گاز ایران، به پائین آمدن درآمد کشور انجامیده. بموازات آن از فروش بنزین به ایران نیز کاسته شده است. افزایش هزینه کالاهای وارداتی، تحریم مالی و بانکی، تحریم کالاهای دو منظوره همراه با بحران اقتصادی، بحران کارائی و بحران مشروعیت حکومت، همگی دست بدست هم داده و تحریم ها را که این بار بصورت جهانی انجام می شوند، را به تحریم های فلج کننده تبدیل نموده اند.

در زمینه بانکی

چند ماه پس از تحریم های شورای امنیت و تحریم های مضاعف آمریکا، اروپا و هم پیمانانش، نشانه های مهمی از آثار تحریم و فلج کنندگی آن، مشاهده می گردد. سیستم

تأثیر تحریم ها در ابعاد سیاسی

تحریم ها و روند تشدید آن تمامی ابعاد سیاسی و اقتصادی جامعه ایران را تحت تأثیر قرارداده، تأثیرات منفی این فرآیند نه تنها حکومت بلکه اساساً مردم را زیر فشار برده است. تأثیرات مخرب سیاسی تحریم ها را می توان در ابعاد داخلی و خارجی به وضوح مشاهده نمود.

در ابعاد داخلی حکومت اسلامی به لحاظ سیاسی با بحران مشروعیت مواجه است، انتخابات دست کاری شده سال گذشته و موج گسترده اعتراضات مردمی در شهرهای بزرگ، مقبولیت نظام را در بیم مردم از بیم برده و دست حکومتیان را در مذاکره با طرف های خارجی بسته است. حکومت تنها با میلیتاریسم و سرکوب و کشتار مخالفین و تهدید و زندانی کردن فعالین کارگری، زنان، دانشجویان، روزنامه نگاران و معترضین، سرپا است. وضعیتی که زیاد دوام نخواهد داشت و بسیار شکننده می نماید. زیرا عمق ناراضیاتی ها و دامنه اعتراضات در جامعه بخد بحرانی رسیده و همچون آتش زیر خاکستر با وزیدن اندک نسیمی شعله ور خواهد شد.

سرکوب های شدید و گسترده هر چند توانست تا حدودی مردم را مرعوب کند، اما این به معنی محکم شدن پایه های حکومت در جامعه نبود. برعکس، حکومت روزبروز منفرتر و منزوی تر می شود. بطوریکه کوچک ترین مسئله موجب کشمکش و درگیری در بین جناح های حکومتی می گردد. حتی این درگیری ها به دایره خودی ها در جناح اصول گرایان نیز کشیده شده.

حاضر درگیری دولت با مجلس و دولت با قوه قضائیه به شکلی عریان در جریان است. کوچکی چون موضوع همایش ایرانیان خارج از کشور به سوژه بزرگی برای درگیری جناح های حکومتی تبدیل می شود. درگیری های بین شریعتمداری نماینده رهبر در روزنامه کیهان با مشائی معاون رییس جمهوری، رییس ستاد مشترک ارتش با مشائی، رییس قوه قضائیه با احمدی نژاد، اخراج توهین آمیز متقی وزیر امور خارجه نظام، همه و همه نشان از موج گسترده و رو به افزایش درگیری ها در درون جناح حاکم دارد. عامل اصلی این اختلافات نیز فاکتور مبارزات مردمی، کاهش پایگاه اجتماعی حکومت و بحرانهای فزاینده اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیکی است که با تشدید تحریم ها شدت گرفته است.

در ابعاد خارجی نیز، با تشدید تحریم های اقتصادی و سیاسی ایران، دامنه انزوای سیاسی حکومت اسلامی در سطح بین المللی روز به روز گسترده تر می شود. آمریکا تلاش می کند حتی کشورهای آسیایی را نیز قانع کند که به صف تحریم کنندگان ایران بپیوندند.

های اقتصادی و سیاسی، سایر کشورها را برای پیوستن به جگج کشورهای تحریم کننده، تحت . برزیل و ترکیه تنها کشورهای اعضای 15 شورای امنیت بودند که به قطعنامه تحریم ها علیه ایران رای منفی دادند. اما حمایت این کشورها نیز شکننده است. بطوریکه برزیل اعلام نمود به تحریم های شورای امنیت می پیوندد. این دو کشور که تا دیروز در کنار حکومت اسلامی بودند و به تشدید تحریم ها انتقاد داشتند، امروز خود به صف تحریم کنندگان پیوسته اند. آنها در واقع به دنبال منافع اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک خوشان هستند. وزیر امور خارجه برزیل ضمن اعلام امضای قطعنامه شورای امنیت علیه ایران توسط رئیس جمهور این کشور، در این باره گفته است: "برزیل به طور سنتی به تمامی مصوبات شورای امنیت پایبند بوده و آنها را به اجراء می "

تأثیر تحریم ها در ابعاد اقتصادی

تحریم اقتصادی، در حقیقت استفاده از زور برای وادار کردن طرف مقابل به پیروی از خواست خود می باشد. و در واقع جنگی غیر نظامی است. همانطور که گفته شد دولت آمریکا به تحریم وضع شده توسط شورای امنیت بسنده ننموده و دولت ها و شرکت های اقتصادی را به قطع روابط خود با تهران تحریک و تشویق می نماید. خود این دولت هم ضمن اعمال کامل تحریم های شورای امنیت، تحریم های بیشتری را علیه حکومت اسلامی وضع نموده و افزایش آنها را در دست بررسی دارد. در حمایت از آمریکا اتحادیه اروپا نیز تحریم های مضاعفی را بکار گرفته و دولت ژاپن نیز اعلام نموده که تحریم های خاصی را علیه حکومت ایران در نظر گرفته است.

پی آمد تحریم های وضع شده توسط شورای امنیت و تحریم های مضاعف کشورهای غربی را در تمامی جوانب اقتصادی می توان احساس نمود. برخلاف آقای احمدی نژاد که اخیراً در ترکیه : "تحریم نمندی؟ تحریم هاردادی؟" صحبت های مردم امروز بیشتر حول دو موضوع تحریم ها و حذف یارانه ها است. ! تحریم به باد دادن زندگی مردم و کاستن از رزق و روزی آنها است. تحریم در خانه ها و در سر سفره مردم است. می خواهید تحریم را ببینید، سری به کارخانه ها، به بانک ها، به پروژه های نفتی، به مزارع بی محصول، به طرح های عمرانی تعطیل شده و ... بزنید و یا نگاهی به جیب خالی وسفره بی نان و قاتق کارگران و زحمتکشان بیاندازید.

بعنوان نمونه چند مورد از تأثیرات اقتصادی تحریم ها را در زمینه انرژی، بانکی، صنعتی و زندگی زحمتکشان ارزیابی می کنیم.

زحمتکشان و اقشار پایینی جامعه از این صدمات بمراتب بیشتر از سایر اقشار بالادستی و وابستگان حاکمیت خواهد بود. تاثیر آن را می توان در تعطیلی کارخانه ها و اخراج گسترده کارگران، تشدید گرانی و بیکاری، افت معیشت و زندگی کارگران و مردم محروم دید. با کاهش صادرات و پایین آمدن میزان تولید نفت، یقیناً درآمدهای دولت نیز کاهش خواهد یافت. کسری بودجه و کاهش سهم هزینه های عمرانی، آموزشی و بهداشتی در بودجه کشور نخستین پی آمد تحریم هاست. هم اینک نیز شاهد روند نزولی درآمدهای دولت هستیم. کاهش بودجه بخاطر سهم بالای اقتصاد دولتی و نیمه دولتی در اقتصاد کشور، تأثیری سریع و مستقیم بر روی سایر

از نتایج بیکاری و محرومیت ها همواره گسترش بیماری و آسیب های اجتماعی به ویژه در میان زحمتکشان و تهیدستان بوده است. اگر تحریم های وضع شده برای مدت درازی ادامه یابد، اوضاع بمراتب از این هم بدتر خواهد شد. و شاید تراژدی عراق در شکلی دیگر در کشور ما نیز تکرار . خانواده های کارگران از آسیب پذیرترین لایه های اجتماع در برابر شرایط جدید فرزندان آنان بمراتب بیشتر از دیگران در معرض آسیب های اجتماعی، مانند اعتیاد و بزهکاری قرار دارند.

از پی آمدهای تحریم ها و کسری بودجه، که زندگی زحمتکشان را متأثر خواهد نمود، می توان به گرانی و بیکاری اشاره نمود.

گرانی

تاثیر بلاواسطه تحریم ها را در تشدید گرانی و تورم شاهد هستیم. با نگاهی مختصر به ابعاد تحریم های اقتصادی ایران و بحران صنایع و بیکاری های گسترده ناشی از آن، می توان تورم و گرانی مایحتاج ضروری مردم را که با اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها - که یکی از دلایل مهم اجرای آن کسری بودجه بوده است - بشکلی مضاعف تشدید گردیده، احساس نمود. اثر ناشی از تورم به طور جدی گریبان تقریباً همه ی بیکاران و اکثر کارگران، کارکنان خدماتی عادی و عمومی و شاغلین امور آموزشی و بهداشتی را خواهد گرفت. بطوریکه تا چند سال امکان ترمیم حقوق و مزایای آنان متناسب با افزایش تورم ممکن نخواهد بود.

کارشناسان اقتصادی ارزیابی می کنند که اگر تحریم ها موجب:

1- افزایش نرخ تورم به میزان 3

2- کاهش سرمایه 5

3- بالا رفتن شاخص نرخ بیکاری حتی در حد 5/0

4- ناعدالانه تر شدن باز هم بیشتر توزیع درآمد در سطح جامعه

5- فساد مالی و اداری

6- افزایش میزان آسیب

7- افزایش سخت گیری ها و برخوردهای تند علیه تشکل ها، آزادی اندیشه و بیان و حق اعتراض توسط حکومت شود.

در صورت وقوع چند مورد از چنین مواردی، که دور از انتظار هم نیست، وضع طبقه کارگر ایران از آنچه هست بدتر گشته و به وخامت می گراید. امری که واکنش های کارگری و اجتماعی موفق و ناموفق را بدنبال خواهد داشت. ی کارگر ایران در ناهمگونی و پراکندگی زیادی به سر می برد، و شناخت و آگاهی طبقاتی تنها شامل بخش محدودی از کارگران صنعتی در صنایع نسبتاً بزرگ می شود، در چنین شرایطی و در فقدان و ضعف تشکل های توانمند کارگری، احتمال موفقیت کمتر است.

بیکاری

تاثیر آنی تحریم ها را می توان در بحران صنایع و اخراج و بیکاری گسترده کارگران . هم اینک تعداد بیکاران در کشور از مرز 4/65 میلیون گذشته است. از این تعداد بیکار تنها بخش محدودی موفق به دریافت حقوق و مزایای دوره های بیکاری، آن هم برای مدت زمانی محدود و نه برای کل دوران بیکاری، شده اند. با گسترش بحران صنایع و توقف صادرات کشور تعداد بیکاران به ارقامی بمراتب بالاتر از این ارقام خواهد رسید. چرا که با تشدید تحریم ها و تورم ناشی از آن شمار دیگری از بنگاه های اقتصادی تعطیل و فشار بیشتری متوجه کارگران می شود و نهایتاً دستمزد واقعی کارگران کاهش می یابد.

ارزی و بانکی مالی کشور تنش های حادی را شاهد است. آثار تب و لرز تحریم ها در سیستم اقتصادی منعکس گردیده و بحران در بازار طلا، در بازار ارز و افزایش چک های برگشتی، تماماً نشان دهنده شرایط و بیماری حاد اقتصاد کشور است. بیراهه ای که رژیم پیش گرفته و ماجراجویی های پایان ناپذیرش عواقب و عوارضی بمراتب دردناکتر و مصیب بارتر از جنگ ایران

با اعمال تحریم ها حکومت اسلامی بزعم خود می کوشد، از طریق 4 هزار شرکت ایرانی مستقر در دبی، از بازار سیاه، نیازهای خود را تأمین نماید. آمریکا شیخ نشین های امارات متحده عربی را برای توقف این ترفند رژیم تحت فشار گذاشته است. بر همین اساس دولت این کشور طی بخشنامه ای به همه بانک ها، صرافیها و شرکتهای سرمایه خواسته است که مبادلات مالی خود را با 41 شخصیت حقیقی و حقوقی ایرانی متوقف کنند. این افراد و شرکتهای، بر اساس قطعنامه شماره 1929 شورای امنیت سازمان ملل متحد، مشمول تحریم های بین المللی شده . در همین راستا مسئولان خدمات مالی شیخ نشین دبی، اعلام نموده : " دارائی های بانک بین المللی پرشیا، در چارچوب تحریم های اتحادیه اروپا توقیف شده است. براساس تصمیم اتحادیه اروپا، اموال اشخاص حقیقی و حقوقی ای که با برنامه هسته ای ایران مرتبط هستند باید توقیف شود." دلیل توقیف اموال این بانک که در سال 2005 در مرکز مالی بین المللی دبی تأسیس شده بود، همکاری با بانک ملت اعلام گردیده و مقامات آمریکائی بانک ملت را متهم کرده اند که با برنامه هسته ای ایران همکاری دارد. امارات متحده عربی در شرایطی به این کار مبادرت ورزیده که مبادلات بازرگانی این کشور با ایران سالانه 10 15 میلیارد دلار آمریکائی تخمین زده می شود.

تحریم های بانکی اقتصاد ایران را فلج ساخته، بطوریکه حکومت اسلامی به دلارهای حاصل از فروش نفت و صادرات نفتی و غیر نفتی دسترسی ندارد. انتقال آن به بانک های ایرانی عملاً غیر مقدور و انتقال ارز از داخل کشور هم برای ثبت سفارش کالاهای خریداری شده غیر ممکن گردیده است. دولت برای اداره امور و چرخاندن اقتصاد مملکت دست به دامان صرافیها شده، تا از طریق آنها نقل و انتقالاتی در حد چند ده و حداکثر چند صد هزار دلار برای حل بعضی از مشکلاتش داشته باشد. مشکلی که اخیراً در انتقال ارزهای ایران از بانک های هندی به ایران رخ داده و یا عدم امکان پرداخت اقساط کشتی های ایرانی توقیف شده، به کمپانی هایی سازنده کشتی ها، نمونه های کوچکی است از تأثیر تحریم ها بر اقتصاد و بخش مالی آن. که روز به روز شاهد افزایش چنین مشکلاتی هم خواهیم بود.

- در زمینه صنعتی

بحران در عرصه صنعتی هم به مرحله حادی رسیده است. از طرفی کمپانی های بزرگ از داد و ستد با ایران و شرکت هایی که مقصد کالاهای خریداری شده توسط آنها ایران است، خودداری می نمایند. از طرفی دیگر برای مواردی هم که خریدی انجام می گیرد امکان انتقال پول از طریق بانک ها وجود ندارد.

در راستای تحریم های مضاعف بطور مثال شرکت تویوتا چند ماه قبل اعلام نمود که روابط تجاری با حکومت اسلامی را قطع کرده و صادرات اتومبیل به ایران را به حالت تعلیق در . این شرکت در بیانیه ای گفته با در نظر گرفتن فضای بین المللی از اوایل ماه ژوئن صادرات اتومبیل به ایران را متوقف کرده است.

تحریم های فنی و صنعتی، تنها به صنایع اتومبیل سازی محدود نمی شوند، مهم تر از همه صنایع نفتی است که از این معضل دچار مشکل و بحران شده اند. سطح تولید نفت خام ایران و برای از دست ندان بازارهای سنتی، نیازمند خرید ماشین آلات جدید و قطعات یدکی فراوانی است، که در صورت ادامه این روند دچار مشکلی حاد خواهد شد. نزولی تولید کشورمان بیشتر از این شدت خواهد گرفت.

به جزء مشکل واردات ماشین آلات و قطعات یدکی مورد نیاز صنایع کشور از خارج، تحریم ها تولید صنایع داخلی را هم مختل ساخته اند. اکثر کارخانه های کشور یا تعطیل شده اند و یا با کمتر از ظرفیت کامل در حال کار کردن هستند. امری کاملاً غیر اقتصادی و غیر منطقی که علیرغم فشارها و تشویق های دولت برای ادامه کار، کارخانه ها و بنگاه های تولیدی، نمی تواند ادامه داشته و ختم به خیر شود.

تأثیر تحریم ها بر زندگی کارگران و زحمتکشان

مسلماً همه مردم از تبعات ناشی از تحریم ها صدمه خواهند دید. ولی سهم کارگران و

از مبارزه کارگران برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری حمایت کنیم

علامه ی سه تشکل کارگری

در مورد زندانی شدن رئیس هیات مدیره ی سندیکای هفت تپه

ما اجرای حکم زندان برای رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه را محکوم می کنیم و خواهان لغو احکام صادره برای همه فعالین کارگری و آزادی همه کارگران زندانی می باشیم.

با امید به گسترش صلح و عدالت در همه جهان

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه / سندیکای کارگران نیشکر هفت / هیئت موسس بازگشایی سندیکای فلز کار و مکانیک

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

ازاعتصاب و خواسته های زندانیان سیاسی پشتیبانی می کنیم

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران ضمن پشتیبانی از خواست زندانیان اعتصابی، از همه نهادها و تشکل های دموکراتیک و مدافعان حقوق بشر، از کلیه جریانات و احزاب سیاسی مدافع آزادی دعوت می کند در صفی متحد مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را تشدید کند. زندانیان سیاسی همواره در طول سی سال حکومت جمهوری اسلامی در معرض شکنجه، توهین، تحقیر و انواع فشارهای روحی قرار داشته اند. این مبارزان در شرایط سخت زندان و در زیر تیغ سرکوب، دلیرانه به میدان آمده اند و با توسل به اعتصاب غذا، از جان شان مایه گذاشته و به امید عقب نشاندن دیو استبداد، فشار را بر خود دو چندان کرده اند. بر همه آزادیخواهان است که با تشدید مبارزه علیه خودکامگان حاکم و برای دفاع از خواست زندانیان اعتصابی از دامنه فشار بر آنان بکاهند. بی تردید آنان در این مبارزه تنها نیستند، پشتیبانی همه آزادیخواهان و آزاد اندیشان را با خود داشته و خواهند داشت.

فراکسیون کمونیستی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیرامون نشست مشترک نه حزب و سازمان سیاسی و "اعلامیه جهانی حقوق

"بمنابه کار پایه مشترک آنها

باید ادعاهای وحدت طلبانه را از حرف به عمل تبدیل کرد و به امر مهم اتحاد نائل شد.

این جنبش به رهبران و مبارزینی نیازمند است که شجاعانه در جبهه ای واحد جهت دستیابی به وحدت نظری و عملی تلاش نموده و با برنامه ای مشترک برای سرنگونی رژیم اسلامی و کسب قدرت سیاسی و برقراری آزادی و عدالت اجتماعی بپاخنند.

بنابر همه آنچه تاکنون گفته شد، یگانه راه سعادت و بهروزی مردم ایران، سرنگونی رژیم اسلامی و برقراری دموکراسی، آزادی و عدالت اجتماعی بدست مردم ایران می باشد، اولین گام برای رسیدن به این مرحله تاریخی، پرداختن به امر وحدت بطور نظری و عملی توسط تشکلهای سیاسی و اجتماعی می باشد.

ما بعنوان عضوی از جنبش کمونیستی مردم ایران اعتقاد داریم که، امر وحدت می تواند به دو شکل صورت پذیرد و با اتحاد است که می توانیم بر حاکمیت استبدادی جمهوری اسلامی در کشور خویش نقطه پایان بگذاریم.

- 1 - اتحاد سازمانهای کمونیستی، سوسیالیستی و همه نیروهای مدافع منافع کارگران و زحمتکشان تحت نام، جبهه متحد چپ ایران.
- 2 - اتحاد جبهه متحد چپ با دیگر نیروهای ملی دمکرات، و سوسیال دمکرات تحت نام، جبهه متحد دمکراتیک ایران.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

- - پیروزی، بمناسبت 16

درحالیکه جنبش دانشجویی تنها در پیوند با سایر جنبشهای اجتماعی بویژه جنبش کارگری میتواند به اهداف و آرمانهای خود برسد و شاهد پیروزی را درآغوش بگیرد. بنا براین، دراین دوران حساس برای پیش برد مبارزه نظری و عملی علیه نظام ارتجاعی و سرکوبگر حاکم میباید به ایجاد و تحکیم رابطه با طبقه کارگر و توده های محروم وزحمتکش جامعه همت گماشت و درآمیزی با مبارزات و مطالبات پایه ای جنبش کارگری و سایر جنبش های اجتماعی علیه ستم و استثمار و زور و سرکوب نظام حاکم را ازالویت های مهم برنامه مبارزاتی خودبه درعین حال ضمن پرهیز ازافتادن دردام ترفند های ارتجاع و مشاطله گران نظم اقتصادی و اجتماعی و سیاسی حاکم، بعنوان پاره ای از تن جنبش انقلابی میباید با حفظ ویژه گیهای خاص خود تمام توان خویش را درراستای ارتقای سطح آگاهی، سازمانیابی و پیوند جنبشهای اجتماعی علیه نظام حاکم بکارگیرد. جنبش دانشجویی میباید با پرهیز از هرگونه اقدامات انحرافی، شعار پایه ای وکهنسال جنبش دانشجویی یعنی شعار اتحاد - وپیروزی را در فعالیتهای نظری و مبارزات عملی خود مد نظر قرارداده و با تلفیق فعالیت علنی و مخفی سطح کمی و کیفی نقش خود درمبارزات جاری توده های کارو زحمت را ارتقا دهد.

هیئت اجرائی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

11

تجدید عهدی دگر بار با شهدائی که جان بر سر آرمان آزادی و سوسیالیسم نهادند سال پیش، در 11 1363، اولین دبیر اول سازمان ما، پس از تحمل شکنجه های قرون وسطائی، با لبانی بسته، با دلی پر از اسرار سازمانی، با قلبی بزرگ و پرمهر که برای کارگران و زحمتکشان و توده های مردم می تپید، توسط دژخیمان جمهوری اسلامی به جوخه های مرگ علی رضا شکوهی، در حالی پا در راه بی بازگشت گذاشت که نیک می دانست، برای رسیدن به جامعه ای آزاد، دمکراتیک و سوسیالیستی، برای ایجاد جامعه ای انسانی که حرمت و شأن انسان رعایت شود و برابر حقوقی زنان با مردان تامین گردد، از استثمار و بهره کشی خبری نباشد، و جنسیت، ملیت، نژاد، رنگ، مذهب و فرهنگ، عنصر تبعیض و نابرابری تلقی نگردد، باید فداکارانه جنگید.

سازمان ما، در سالروز شهدای سازمان، یک بار دیگر در برابر از خود گذشتگی آن عزیزان دلاور و شهید، تمامی شهدای راه آزادی و سوسیالیسم و همه آن هائی برای حفظ حرمت انسانی جنگیده و جان باخته اند، سر تعظیم فرود می آورد و بر پیمان خود برای ادامه راهشان تا پای جان تاکید می کنیم.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

سامان دادن به یارانه

"جراحی بزرگ"

پرداخت یارانه برخلاف نظر نئولیبرال ها نه تنها یک امر منکر نیست بلکه یکی از تضمین پیشرفت و توسعه پایدار به حساب می آید. یارانه یکی از ابزارهای مهم حمایتی دولت است که برای توزیع ثروت در سطح جامعه، کاهش فاصله طبقاتی، حمایت از آسیب پذیر جامعه، مصرف کنندگان، تولید کنندگان، صادرکنندگان و از فن معین به کار گرفته می . تنها طرفداران نئولیبرالیسم اند که بر حذف کامل هرنوع یارانه تاکید

حذف یارانه ها در کشور ما با توجه به فقر گسترده و شکاف طبقاتی عمیق، اقدامی به

اما افزایش قیمت حامل یارانه

هدمند کردن آن امری است ضرور. پیشبرد این امر با توجه به نقش یارانه ها در اقتصاد کشور و زندگی طبقات متوسط و پائین جامعه، مسئله فوق العاده مهم و حساسی است. این واقعیت است که وضعیت یارانه ها نابسامان و بسیار ناعادلانه و ناکارآمد است.

"جراحی نیست. بسامان کردن یارانه مند به وضعیت اقتصادی کشور و تدوین و اجرای برنامه توسعه است.

حزب توده ایران

"هدفمند کردن یارانه"

اقتصاد نئولیبرالی، و مدافعان "شرمگین"

این به واقع آموزنده است که برخی حامیان دروغین "چپ رادیکال" و توجیه گر بی پرده رژیم به همراه هواداران "سوسیالیسم دموکراتیک" مورد تائید بی بی سی با سران جبهه "هدفمند کردن یارانه ها"

قابل توجه است که بسیاری از طرفداران دو آتشه اقتصاد نئولیبرالی این روزها چهره انگیز و مضحکی پیدا کرده اند. زیرا دولت احمدی نژاد و سپاه پاسدار آن مصرانه اجرای قسمت های اصلی الگوی اقتصادی شده اند که تا به حال آنان تبلیغ می کرده اند. برنامه های تعدیل اقتصادی رفسنجانی و ادامه آن در دوره خاتمی را تائید کرده، ولی آن را نا کامل می دانند. این هواداران نئولیبرالیسم اقتصادی حالا می بینند که قانون مقدس " بازار آزاد" (بی نظارت)، و کوچک سازی نقش بخش دولتی و کاهش آن به حد ایجاد بازار کار انعطاف پذیر، به صورت جدی در سر لوحه برنامه های اقتصادی دولت کودتا قرار



کانون نویسندگان ایران

بیانیه کانون نویسندگان ایران

آن شب که شهر را از تابوت بیرون کشیدند
جمعی ما را ستاره‌ها نشان کردند

های زنجیره‌ئی

جریانی برای حذف فیزیکی دگراندیشان و آزادی

!

دوازدهمین سالگرد قتل تبهکارانه یادان عرصه‌ی اندیشه و بیان، محمد مختاری و محمدجعفر پوینده، فرا می‌تنها هنوز آمران و عاملان واقعی این جنایات هولناک را معرفی نکرده‌اند بلکه کماکان سکوت تنها پاسخ به خانواده‌های قربانیان و مردم ایران است. اکنون همگان می‌دانند که قتل‌های سیاسی سال 77 های زنجیره‌ئی جریانی برای حذف فیزیکی دگراندیشان و آزادی . این جنایت با قتل دهم‌نشانه سیاسی داریوش فروهر و پروانه اسکندری آغاز شد و با ربودن و خفه کردن دو یار سربلند کانون نویسندگان ایران، محمد مختاری و محمدجعفر پوینده، به اوج رسید و برای جانان آدمکش چیزی جز نفرت و خشم مردم ایران و جهانیان در پی نداشت. که از آغاز انتظار می‌رفت این قتل‌ها سراسر ایران را به لرزه درآورد، پرده از بسیاری از مرگ‌های مشکوک دیگر نگاران و نویسندگان و مورخان و فعالان اجتماعی و سیاسی را به بازنگری در تاریخ قتل‌ها و سرکوب ی پیش از آن واداشت، و دانش‌جویان و فرهیختگان را به خواهی طلبید. هنگامی که پرده اندکی کنار رفت آشکار شد که عاملان خون چندان دور از ریختن خون ده خواه دیگر هم یادان احمد میرعلایی، غفار حسینی، حمید حاجی‌زاده، پیروز دوانی، مجید شریف و... هراسی به دل راه . اما طی سال‌هایی که از این جنایت می‌تنها ابتدایی‌ترین خواسته انسانی نادیده گرفته شد، بلکه با سرکوب و دستگیری و حبس و سانسور فضایی سربی بر جامعه حاکم کردند و گوی سبقت را از خودکامگان قرون‌وسطایی ربودند. اکنون اعمال زور و سرکوب شیوه‌ی رایج در چهارگوشه‌ی کشور است. یورش به خانه دستگیری ستیز و محکومیت‌های طولانی ابعادی وسیع می‌یابد. بسیاری از منتقدان اجتماعی بدون ارایی‌ی کوچک‌ترین مدرکی در زندان‌ها به سر می‌برند و کار به جایی رسیده است که وکلای مدافع حقوق زندانیان سیاسی نیز دستگیر و زندانی می‌ولی افزون بر آن چه گذشت، پدیده های زنجیره‌ئی حدیث دیگری نیز دارد که از ی نیرومندتر آزادی‌خواهان برای ریشه‌کنی آن حکایت می‌کند. می‌شد طنابی که سرکوب‌گران آدمکش به گردن مختاری و پوینده انداختند به دست و پای خودشان پیچیده است و چندی نمی‌گذرد که آمران و عاملان این قتل‌ها به سزای عمل ننگین خود می‌چنین نشد. از یک سو، سعید امامی را از میان بردند، و با صدور قرار موقوفی تعقیب و بدین ی اقراریر او از پرونده، رابطه‌ی بالا و پایین در امریت و اجرای این قتل‌ها یک . سپس پرونده را از طول و عرض و ارتفاع مثله کردند و سرانجام مشتی عوامل اجرایی خرده‌پا را به محاکمه‌ای کشیدند که جریان دادرسی آن ماهرانه از پیش تعیین شده بود. و سرانجام ناصر زرافشان، یکی از وکلای خانواده‌های قربانیان، محاکمه و به " " دفاع از موکلان خود به پنج سال زندان محکوم شد. اما، از سوی دیگر - این همان حدیثی است که باید بازگفته شود و مورد تأکید قرار گیرد- در فضای فروکش سریع اعتراض و التهاب مردم و بر بستر جبن و ناتوانی به طلبانی که نخست برای جراحی این " ی سرطانی" عزم جزم کرده بودند اما در نهایت عقب نشستند، آمران و های زنجیره‌ئی طنابی را که موقتاً به دست و پایشان پیچیده بود باز کردند و کار تدارک توطئه خواهان شدند، که کشتار سال گذشته جوانان در کهریزک از آن جمله است. ی ماشین قتل‌های زنجیره‌ئی و تکرار ی کشتار آزادی‌خواهان این حقیقت را یادآوری می‌کند که بهای آزادی در این سرزمین چنان سنگین است و زدودن ننگ آزادی‌گشی از جامعه نیرومندتر مردم آزادی‌خواه را می .

کانون نویسندگان ایران، ضمن گرامی‌داشت یاد محمد مختاری و محمدجعفر پوینده و اعتراض به محرومیت خود از برگزاری مراسم بزرگ‌داشت برای این دو عزیز، هم خواهان معرفی و محاکمه های زنجیره‌ئی، ی زندانیان سیاسی، و حذف سانسور از تمامی زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی و تأمین آزادی اندیشه و بیان برای همگان است.

کانون نویسندگان ایران

1389 11

حزب کمونیست ایران

16 (1389)

بخش سوسیالیست و چپ جنبش دانشجویی نه با بخود مشغولی و پرداختن بخود بلکه با پرداختن به این وظایف اساسی و تلاش برای رفع موانعی که سر ره این جنبش قرار دارد است، که می‌تواند جایگاه واقعی خود را در رهبری جنبش دانشجویی پیدا کنند و به صفوف خود انسجام . در راستای همین اهداف و پاسخ به این نیاز واقعی است که اتحاد عمل و همکاری گرایش‌های مختلف سوسیالیستی و چپ و رادیکال در دانشگاه‌ها، ضرورت و میرمیت پیدا می‌کند. به امید اینکه در 16 آذر روز دانشجو شاهد تعطیلی یکپارچه و هماهنگ کلاسهای دانشگاهی و برگزاری مراسم های با شکوه روز دانشجو در دانشگاه‌های سراسر کشور باشیم، این روز تاریخی را گرامی می‌داریم.

سازمان فداییان (اقلیت)

اعتصاب کارگران لاستیک بارز

سه هزار و پانصد کارگر کارخانه لاستیک بارز کرمان در ادامه

11 دی ماه، مجدداً برای تحقق مطالبات خود دست از کار کشیدند.

در شرایطی که برنامه آزادسازی قیمت‌ها و حذف سوبسیدها توسط دولت سرمایه‌داران در همین چند روز گذشته منجر به افزایش سریع قیمت کالاها و خدمات مورد نیاز روزمره کارگران شده است و دستمزدها باید فوراً افزایش یابند، سرمایه‌داران می‌کوشند از آن نیز حربه‌ای علیه کارگران بسازند و با ادعای افزایش هزینه‌های تولید، در برابر کارگران و مطالبات آنها بایستند و آنها را به سوی فقری کمرشکن

سازمان فدائیان (اقلیت) با توجه به رشد افسارگسیخته بهای کالاها و خدمات در چند روز اخیر که چشم‌اندازی بر توقف آن نیست، خواهان افزایش سریع و فوری دستمزد عموم کارگران ایران حداقل به یک میلیون تومان است که بتواند جبران‌کننده حداقل هزینه‌های یک خانوار چهار نفره کارگری باشد.

هسته اقلیت

شانزده آذر، روز دانشجو گرامی باد!

پراکندگی و غلبه لیبرالیسم و اصلاح طلبی که از جمله به دلیل دیکتاتوری و سرکوب عریان است مدتی توانست توهمات اصلاح رژیم را دامن بزند. امروز که اصلاح طلبان چه در قدرت و چه در اپوزیسیون خود را آموخته‌اند و در معرض قضاوت قرار داده‌اند، توهم اصلاح رژیم فرو می‌ریزد و یقیناً با موجی از اصلاح طلبی در قامت سرنگونی خواهی روبرو خواهیم بود، اینجا سرنگونی سرنگونی سلطنت در قیام 57 . آنچه در قیام

57 اینبار باید بتوان سرنگونی و انقلاب را با هم تلفیق نمود یعنی برای

عروج استبدادی دیگر باید سرنگونی انقلابی را تدارک دید . تدارک چنین تحولی ایجاب میکند از همین امروز شرط‌های پیروزی را رعایت، ایجاد و تبلیغ کنیم.

دانشجویان هوادار جنبش مسلمانان مبارز

بیانیه‌ی در مورد شانزده آذر

ما دانشجویان هوادار جنبش مسلمانان مبارز، درود می‌فرستیم به تمامی دوستان دربندان و استقامت و پایداری شان را می‌ستائیم و ضمن گرامی‌داشت شانزدهم آذر و محکوم نمودن فضای فشار و تهدید برآمده از دولت کودتا بر دانشگاه‌ها، به حاکمیت هشدار می‌دهیم که دست از این اعمال برداشته و به فضای علمی دانشگاه‌ها احترام بگذارد و اعتقاد داریم تنها راه برون رفت حاکمیت از فضای به وجود آمده و بازگشت آرامش به جامعه اجرای این موارد است:

- 1- آزادی تنها دانشجویی دربند حادثه کوی 78 و تمامی دانشجویان و اساتید و آزادی خواهان
- 2- بازگرداندن دانشجویان و اساتید آزاداندیش اخراج شده به دانشگاه‌ها
- 3- به رسمیت شناختن فعالیت گروه‌های مختلف دانشجویی و حفظ امنیت آنان
- 4- انتخاب روسای دانشگاه‌ها توسط هیئت علمی هر دانشگاه
- 5- برچیده شدن نهادهای شبه نظامی از تمامی دانشگاه‌ها
- 6- معرفی آمرین و عاملین حمله به کوی، در سالهای 78 و 88 و قاتلین دانشجویان و مردم در

* درج این اطلاعیه نه به مفهوم چپ بودن شکل مورد نظر، بلکه صرفاً بخاطر اطلاع‌رسانی در مورد تشکیلی سیاسی است که ظاهراً تصمیم گرفته فعالیت‌های خود را علنی کند.

سرمایه‌داری در سرایش سقوط

نگاهی تحلیلی به بحران در کشورهای سرمایه

متدولوژی تحلیل و بررسی علمی حکم می‌کند که در حین بحث و بررسی پیرامون بحران سرمایه‌داری، پیش از همه، باید این مسئله مورد توجه قرار گیرد که بحران سرمایه‌داری، جنبه ساختاری داشته و بر این اساس، در تحلیل و بررسی آن باید به شیوه‌های برخورد ساختاری تکیه کرد. به کلام دیگر، باید تمام عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظری، زیست محیطی و فرهنگی، بطور کلی تمام عرصه‌های بحران زده و همچنین روابط متقابل و هم پیوندی تنگاتنگ آنها، در ارتباط با هم مورد توجه قرار گیرد و طبعاً با چنین نگرشی، می‌توان به علل و عمق همه بحرانها پی برد. با شناخت تضاد آشتی ناپذیر بین نیروهای مولده پیش رونده و مناسبات بی چشم انداز شیوه تولید سرمایه‌داری، می‌توان ماهیت واقعی بحران سرمایه‌داری را اینگونه برخورد دیالکتیکی و مارکسیستی می‌تواند ماهیت برخورد غیرعلمی متخصصان بورژوازی را که تنها صورت ظاهری بحران را می‌بینند و آن را فقط به عرصه‌های بانکداری و بازار مسکن محدود می‌سازند، افشاء نماید. البته این گفته به معنی نفی این واقعیت نیست که بحران کنونی سرمایه‌داری، در پی اعلام ورشکستگی بانکهای آمریکائی "فنی می" "فردی مک" " و برخی شرکتهای بیمه و بسیاری دیگر خودنمایی کرد و شوک اقتصادی شدیدی به بازارهای آمریکا و جهان وارد آورد. در پی این اعلام ورشکستگی ها، بازار مسکن بخصوص در آمریکا به رکود شدید دچار گردید و علت آنها در این امر نهفته بود که، در نتیجه تفوق تقریباً سه برابری بخش مالی سرمایه‌داری بر بخش اقتصادی آن و انباشت پول های بی پشتوانه در دست بانکها و مؤسسات مالی، مردم را که به دریافت وام با شرایط نسبتاً سهل تر ترغیب نموده بودند، در اثر افزایش بیکاری، گرانی و تورم، وام گیرندگان توان بازپرداخت این واقعیت را هم نمی‌توان از نظر دور داشت که انباشت پول های بی پشتوانه در دست بانکها و دیگر مؤسسات مالی و تبدیل به احسن آنها، سبب اصلی پرداخت این وام ها بود نه چیزی دیگر.

اوج گیری بحران مالی - اقتصادی سامانه ارتجاعی سرمایه‌داری نه غیرمنتظره بود و نه غیرقابل پیش بینی. این سیستم اقتصادی - اجتماعی که با اقتصاد برنامه ریزی شده و تشکیل بازار ملی در تضاد کامل قرار دارد، بدلیل اتکاء بر استثمار و تاراج گری و کاربست فرمول " - کالا - " که طبیعتاً یک نظام بحران زاست، در روند تکاملی خود نیز با حذف مقوله کالا از آن، توسعه بازارهای بورس و بانکداری - قمارخانه ها و اهرم های غصب عدوانی سرمایه‌داری - و چاپ و انتشار بیحساب و کتاب پول و آوار کردن تورم ناشی از آن بر سر ارزهای ملی کشورهای توسعه نیافته و رو به رشد، باز گذاشتن دست دلالان و سوداگران بازار بی " " ، تکیه به بازار مبتنی بر فرمول غیرانسانی " " سلطه بر بنیان های اقتصادی و مالی جهان، شرایط و زمینه های مساعدتری برای وقوع بحران دائمی و گسترده فراهم آورد.

درک این مسئله که بحران ادواری کنونی، یعنی بحران مالی - اقتصادی جاری آخرین حلقه و حلقه کشنده از زنجیره طولیل بحران های دائمی بر گردن سرمایه‌داری است، پیش نیاز یک تحلیل و بررسی سیستماتیک می باشد. بحران جاری کنونی که رفته - رفته ابعاد بسیار وسیعی بخود گرفته و بمرحله کاملاً حادی از بحران عمومی سرمایه‌داری رسیده، دقیقاً همه جوانب نظم کنونی را احاطه کرده است. اسرار این بحران در رشد بیسابقه نیروهای مولده و فراروئی آنها به مرحله کیفیتاً جدیدی نهفته است که دیگر با شیوه ها و مناسبات تولیدی کلاسیک سرمایه‌داری هم خوانی ندارند. بنظر می رسد دوره کنونی، دوره ای بسیار پیچیده، بیش از حد متضاد و کاملاً ناهمگون با شیوه تولیدی فعلی است که در اشکال اتوماتیزاسیون تولید، ثمربخشی هر چه بیشتر کار و تکنولوژی، بکارگیری کامپیوتر و ابزارهای اطلاع رسانی جدید و تبدیل دانش به نیروی مولده اجتماعی تظاهر نموده است. روشن است که جایگزینی این ابزارهای تولیدی نوین با ابزارها و ماشین سنتی تولید، به تغییر بنیادی همه عرصه های زندگی اجتماعی منجر خواهد گردید. بنابر این، بحران کنونی را باید از این دیدگاه مورد بررسی و تحلیل

بدون تحلیل دیالکتیکی و شناخت عینی ریشه های بحران، مشکل بتوان به حل مشکلات حد اقتصادی و اجتماعی ناشی از روابط و مناسبات تولیدی سرمایه‌داری در مقیاس جهانی نائل گردید. همچنانکه تلاش های تا کنونی از قبیل تزریق بی حد و حصر پول از خزانه های دولتی به بانکها و مؤسسات مالی، کاهش دستمزدها و حقوق بازنشستگی سالمندان، کاهش حمایت دولتی از بخش های تحصیل، بهداشت و درمان و دیگر خدمات اجتماعی، برای تأمین منافع صاحبان سرمایه های کلان و درمان و تسکین دردهای اجزاء مختلف سیستم بحران زده هیچ نتیجه مثبتی ببار نیاورده اند، انجام برخی تغییرات در نما و نقش ظاهری سیستم موجود در آینده ، یعنی، بدون حل تضاد اصلی اجتماعی، تضاد بین ماهیت اجتماعی تولید و شکل مالکیت خصوصی تصاحب ثمره کار و بدون لغو قوانین بنیادی اقتصاد سرمایه‌داری، همه تلاش ها برای کنترل بحران سرمایه‌داری، بحرانی که تمام جوانب زندگی اجتماعی را در خود فرو برده، کاملاً غیرممکن است. بدون تغییر انقلابی و رادیکال سیستم اقتصادی و سیاسی جهان، نمی‌توان به حل بحران رو به تعمیق و گسترش نائل شد.

سال گذشته، گسترش نارضایتی و اعتصابات توده ای، طنین شعار " " بدهید!" در اعتراضات به سیاست مالی دولت های امپریالیستی، بخصوص در انگلیس، فرانسه، آلمان، ایتالیا، اسپانیا، یونان، ایرلند و دیگر کشورهای اروپائی هم ثابت کردند که همه تلاش ها و " نامعقول دولتهای امپریالیستی نه تنها هیچ کمکی به حل بحران نکردند، حتی موجب تشدید تضادهای طبقاتی، تشدید بی اعتمادی عمومی مردم به نظام سرمایه‌داری و اوج گیری امواج هلاکت بار و غیرقابل کنترل بحران های همه جانبه نیز گردیده اند. روند حوادث نشان می دهد که دامنه بحران مالی - اقتصادی سامانه سرمایه‌داری روز بروز گسترده تر می شود، عمق می یابد و بتدریج همه جوانب زندگی اجتماعی را فرا می گیرد. طبیعی است که بار سنگین آن قبل از همه، بر دوش طبقه کارگر و دیگر اقشار و طبقات محروم و ستمدیده جامعه می افتد. انسانهای کار و زحمت، کار و وسایل معاش خود را از دست می دهند. بیکاری، فقر، تنگدستی و نبود حداقل چشم انداز روشن برای فردای نزدیک، نگرانی بحق و اضطراب عمومی را دامن زده

لازم به تأکید است ، بحران ساختاری کنونی سرمایه‌داری بمثابة آخرین حلقه کشنده از زنجیر بحران های ادواری این نظام که به ظاهر 15 2008 میلادی تاریخ آغاز آن اعلام گردیده، در واقع از دهه 1980 میلادی شروع و در پی شکست کشورهای سوسیالیستی بخصوص اتحاد جماهیر شوروی در جنگ " " بازارهای بکر و منابع مواد خام کشورهای سوسیالیستی از سوی امپریالیسم جهانی بمدت کمتر از بیست سال تسکین یافته بود، دوباره در شکل بحران مالی شدت گرفت. آغاز این بحران ظاهراً با شکست بازارهای بورس، ورشکستگی بانکهای بزرگ و انفجار " " در بازار مسکن همراه بود. و همه اینها اتفاقاً بهانه های مناسبی بودند برای مدافعان سرمایه‌داری. زیرا، آنها می‌توانند سوءاستفاده بانکداران، زیاده طلبی واسطه ها و سوداگران و وقوع اشتباهات در سیاست پرداخت وام های مسکن را بجای عامل اصلی بحران معرفی نمایند. اگر چه سوءاستفاده بانکداران و زیاده طلبی واسطه ها نیز نقش خود را بر اساس همان قانون سرمایه‌داری کسب سود به هر قیمتی، ایفا کردند، اما با این همه، تولید بسیار انبوه کالا و فراروئی فوق العاده عظیم نیروهای مولده به سطح کیفیتاً نوین رشد، منشاء و دلیل اصلی اوج گیری بحران شمرده می شوند. اشاره به این واقعیت کافی است که در سال 2008 میزان تولید اتوموبیل در جهان در حدود بیست میلیون دستگاه و تولید آلومینیوم یک میلیون تن افزایش داشت و اضافه تولید در بخش صنایع فولاد به صدها میلیون تن برآورد می شود.

از دیگر طرف، طبیعی است که بحران مالی به ورشکستگی دولت های بورژوازی و شکست کامل نظام مالی سرمایه‌داری منجر می شود. واضح است که بدهی دولتی ایالات متحده آمریکا بمرز چهارده تریلیون دلار نزدیک شده است و دولت حاکم، بمثابة ارگان طبقاتی بورژوازی مجبور است سود مورد نظر سرمایه داران را، حتی به بهای کسری عظیم بودجه دولتی تأمین نماید. لازم به تأکید است که هر چند بحران عمومی ساختاری سرمایه‌داری، دولتهای بورژوازی را بخاطر حفظ نظام، تأمین ثبات و تحکیم موقعیت سیاسی - اجتماعی آن به محدود کردن هزینه های دولتی مجبور می سازد ولی، حل معضلات عمق یابنده و بستن تدریجی تمام منفضهای زندگی اجتماعی عامه مردم نیز، خواه ناخواه باعث تشدید بحران خواهد گردید. این در حالی است که دولتهای بورژوازی توان حل مشکلات اجتماعی را از دست داده و تنها قادر به تأمین ضروری ترین هزینه ها می باشند. و لذا، تضاد اصلی سرمایه‌داری در شکل تضاد بین

با یاد ساعدی

"نویسنده ی توده های زحمتکش"

غلامحسین ساعدی نویسنده ی شهیر ایران و خالق دهها اثر ادبی، در 14 1314 تبریز متولد شد. سال های کودکی و نوجوانی او همراه بود با آغاز و شکست جنبش فرقه دمکرات آذربایجان. ساعدی نوشتن را از دوران نوجوانی ابتدا به صورت گزارش و تفسیر آغاز کرد و با نشریات فریاد، صعود و جوانان آذربایجان که از طرف نیروهای بازمانده فرقه بطور مخفی چاپ می شد، همکاری نمود. در همین ارتباط بود که برای نخستین بار دستگیر و روانه هیجده ساله بود که کودتای 28 32 . واقعه ای که خط بطلان بر امیدهای بسیاری از هم نسلان او کشید.

1334 وارد دانشکده پزشکی می شود و در اواخر سال های دانشکده فعالیت های ادبی و هنری خود را دوباره پی می گیرد. فعالیت های قلمی او با اعزام به تهران برای 1338 اوج می گیرد. به گمان بسیاری از جمله خود ساعدی، دهه چهل دوره ای خاصی در تاریخ ادبیات معاصر ایران به شمار می آید.

عنوان نمایشنامه نویسی چیره دست شهرت یافت. با نگارش داستان های زیبایی چون " " " آرامش در حضور دیگران" جایگاه خود را به عنوان یکی از خلاق ترین داستان نویسان معاصر ایران هم تثبیت می کند. آثار او دستمایه ای برای ساخت برخی از بهترین و ماندگارترین فیلم های سینمای ایران گردید. از جمله ی آنها می توان فیلم های " " " ی داریوش مهرجویی 1348 " آرامش در حضور دیگران" ساخته ی ناصر تقوایی 1349 " دایره مینا" ساخته ی داریوش مهرجویی 1353 .

ساعدی پس از پایان تحصیلات دانشگاهی در رشته روان شناسی در تهران ماندگار می شود و مطبی در خیابان دلگشای تهران نو دایر می کند که در همان محل به مداوای تهی دستانی می . مطب ساعدی پاتوق اکثر روشنفکران آزادی خواه و عدالت طلب و نویسندگان آن دوره بود. کسانی چون صمدبهرنگی، بهروزدهقانی، رضابراهنی، شاملو و

همین ارتباط و دزپی آن رفت و آمدها، بار دیگر در دهه 50 ساعدی را دستگیر می کنند. وقتی از زندان بیرون آمد ادامه ی کارهایش را پی گرفت اما سنگینی فضا راحس می کرد. به خوبی می شد احساس نمود که سانسور شدیدتر گردیده، تعقیب و مراقبت ها افزایش یافته، دستگیری ها بیشتر شده بود.

در پی آغاز جنبش سیاهکل رژیم با هراسی غریب همه را در مظان اتهام قرار می داد. بار دیگر ساعدی را 53 دستگیر می - کنند و توسط ساواک تحت شکنجه قرار می گیرد. فعالیت سازمان یافته ی

دانشجویان و اعتراض آنها برای توقف شکنجه و خواست آزادی او رژیم شاه را رسوا می سازد. ساعدی پس از آزادی علیرغم با محدودیت هایی که برایش ایجاد شده بود، بار دیگر با عزمی خلل ناپذیر فعالیت های ادبی، هنری، اجتماعی و سیاسی را ادامه می دهد. کارهای جدیدی را در عرصه ی داستان نویسی، نمایشنامه، ژمان، طنز، لال بازی، فیلمنامه نویسی، روزنامه نگاری عرضه می دارد. همچنین غلام حسین ساعدی به همراه رضا براهنی، جلال آل احمد و احمد شاملو یکی از بنیانگذاران کانون نویسندگان ایران در سال 1347 . کانونی که وی یکی از سازمان دهندگان و برگزارکنندگان شب های شعر انستیتو گوته در مهر ماه سال 1356 . آن ده شب در واقع تریبونی

برای اعتراض مدنی و آشکار کانون نویسندگان و روشنفکران علیه رژیم شاه بود.

ساعدی در پی سرکوب ها و اعدام های جمهوری اسلامی در سال 60 ایران به فرانسه شد. در تبعید نیز از نوشتن باز نایستاد. داستان هایش را در نشریه ی آرش، کتاب جمعه ویژه هنر و ادبیات، منتشر می کرد. 1361 بار دیگر از پایان کانون نویسندگان ایران، این بار در تبعید شد.

ساعدی در اواخر عمر پر بار خویش و در سال 1364 با بیماری دستگاه گوارش، بریده از همه، در خانه ای تک و تنها، با مرگ دست به گریبان بود. پریشانی و اضطراب، درد جسم و رنج تبعید امانش را بریده بود. بطوریکه تا اینکه در روزهای آخر عمر از خود می پرسد: "کار اصلی من چیست؟ نویسندگی است؟ نه، کار اصلی من مبارزه با مرگ است. من ژورنالیست و مقاله نویس نیستم. کار اصلی من شروع شده است. درگیری سیاسی تا به حال نگذاشته است که به این کار بپردازم. کار اصلی من مبارزه با مرگ است و حاصل این مبارزه چندین داستان و نمایشنامه است که موفق به نوشتن آنها شده ام."

1364 پس از یک خون ریزی داخلی در بیمارستان سنت آنتوان پاریس در گذشت و روز هشتم آذر در گورستان پرلاشز به خاک سپرده می شود.

نام و یادش جاودان باد

افزایش نیازهای همه طبقه بورژوازی و فقدان امکانات دولتی برای تأمین و تحقق آنها در شرایط سرمایه داری خصوصی - تضاد درونی نظام سرمایه داری - عرصه مالی خودنمایی می کند. این همان تضاد هلاکت باری است که در مسیر تکاملی خود موجب ورشکستگی دولت های بورژوازی و در رأس آنها دولت آمریکا و در هم ریختن همه اهرم های مالی خواهد گردید.

راه رهائی از چنگال بحران ساختاری که نظام سرمایه داری تلاش می کند با وجود آن به موجودیت خود ادامه می دهد، نمی تواند هموار و بی درد باشد و یقیناً موجب تقسیم بندی جدید نیروها، تنش ها و تشنج های سیاسی - اجتماعی در عرصه جهانی خواهد گردید و در این مسیر مملو از حوادث، احتمال برافروختن آتش جنگ های محدود، منطقه ای و حتی جنگ های گسترده تر از سوی دولت های امپریالیستی رو به ورشکستگی و زوال، که قصد آن دارند تا مشکلات فزاینده خود را هم چون دوره بحران های منجر به جنگ های جهانی اول و دوم، با شعله ور ساختن آتش جنگ های ویرانگر حل نمایند، بعید نیست.

مناقشات شدید بین نیروهای مولده و مناسبات تولیدی تصویر واقعی خود را در آئینه وخامت فاجعه بار شرایط اقلیمی و زندگی مردم در همه جهان نیز نشان می دهد. حل این معضلات در چهارچوب سرمایه داری که تمام توان نیروهای مولده را در جهت تأمین منافع حداکثری سرمایه داران بکار می گیرد، بهیچ وجه ممکن نیست. در چهره این مشکل می توان یکی از جوانب عام قانون تقسیم سرمایه دارانه، یعنی انباشت نعمت و ثروت در دست گروه بسیار کوچکی از انسان ها و تجمع فقر، گرسنگی و محرومیت در میان اکثریت تقریباً بیش از نود درصدی جامعه را دید. وخامت اوضاع محیط زیست و شرایط زندگی توده های خلق، بویژه زحمتکشان، در واقعیت امر، محصول کاربست بی رویه ابزارها و مناسبات تولیدی سرمایه داری برای تأمین منافع نامشروع سرمایه داری است. درست در این عرصه نیز تشدید تضادها بین جنبه های اجتماعی تولید و تصاحب خصوصی محصولات تولیدی توسط تاراج گران سرمایه داری را بوضوح می توان دید.

البته، بشر هیچ گاه نمی تواند از دستاوردهای تمدن و تولید صنعتی امتناع نموده و در پاسخ به فراخوان برخی طرفداران محیط زیست، به دوره زندگی در غارها روی آورد. بنابراین، اقتصاد سیاسی مارکسیسم معاصر باید سیاست رابطه متقابل اکولوژیکی - طبقاتی پرولتاریا را مورد توجه جدی قرار دهد.

اگر معضلات بزرگی مثل وسعت یابی فقر و گرسنگی، بیکاری و خانه بدوشی، فجایع عظیم انسانی، عدم دسترسی بخش اعظم بشریت به آب سالم و غیره در سطح جهانی را هم به این همه مشکلات اضافه کنیم، آنوقت تصویر نسبتاً کاملی از اوضاع کنونی بدست می آید و معلوم می شود که تصور حل آنها در چهارچوب سامانه سرمایه داری و در شرایط حکمفرمایی قوانین سودجویانه آن دور از واقعیت است.

بالاخره، بحران ساختاری عمومی سرمایه داری، خود را در سقوط اخلاقیات و توسعه جنایتکاری، انحطاط و ابتذال کامل هنر و خلاقیت بورژوازی، حملات گسترده به باورها و نظریه های علمی، ترویج موهومات و خرافه پرستی و همه انواع "غیرعلمی، تلاش های سیستماتیک برای تمهیم اعتیاد به مواد مخدر، فحشاء و تن فروشی و دیگر مفاسد اجتماعی نشان می دهند. بحران آگاهی بورژوازی و دقیقاً بحران آگاهی اجتماعی، دامن زدن به آشفته اندیشی و بحران های ایدئولوژیکی، ویرانی و از هم پاشیدگی شخصیت بورژوازی گواهی از آن می دهند که نظام سرمایه داری به بیماری غیر قابل درمان مبتلا شده است و این بیماری، یک هشدار جدی است به همه آنهائی که در شرایط گسترش و تعمیق همه جانبه بحران سرمایه داری، بیهوده سعی می کنند با تقسیم این سامانه محتضر به خوب و بد، به انسانی و غیرانسانی، به کهنه و مدرن، مواعی در راه تکامل تاریخ ایجاد نمایند.

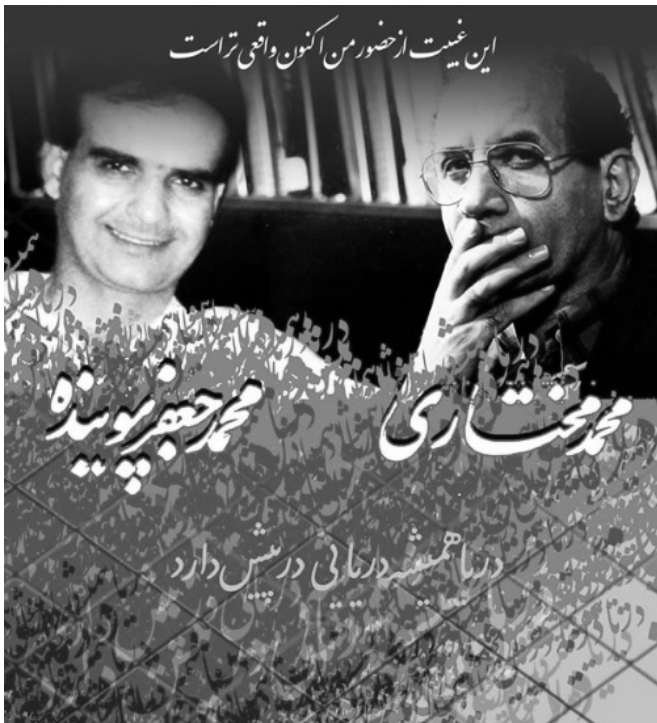
نظام سرمایه داری که در ابتدای پیدایش، مترقی تر از نظام های ماقبل خود بود، در منحنی حرکتی خود، به خشن ترین و بیرحمانه ترین نظام اجتماعی - اقتصادی فرا روئید که امروز در سراسری تند سقوط قرار گرفته و جهان را بر سر یک دو راهی، یک انتخاب جدی قرار : یا آزادی از زیر یوغ سرمایه، یا نابودی و بربریت. بسیار طبیعی که راه حل نجات از بحرانهای ویرانگر سرمایه داری و آینده بشری در گرو حل تضاد طبقاتی، در انتخاب گزینه اول و برقراری نظام سوسیالیستی است.

دریافتی از طریق امیل

آخرین ماه پاییز، یاد آور جنایتی هولناک

به یاد جان های زنجیره

کشته شدند. مختاری و پوینده، شاعر و نویسنده و مترجم عضو کانون نویسندگان بودند و فروهر نیز اولین وزیر کار جمهوری اسلامی. دگراندیشانی که به گونه ای متفاوت از حاکمان ولایت فقیه می اندیشیدند و به تغییر مدنی و مسالمت آمیز باور داشتند. اتهامی که از نظر حکومت ولایت فقیه کم جرمی نیست. فروهر، پوینده، مختاری و صدها هموطن ما، در واقع جان باختگان عقیده ی خویشند. حاکمیت چنان از این انسان ها و افکار و یاران آنها واهمه داشته که در سی و دو سال گذشته از برگزاری مراسم بزرگداشت و عزاداری برای آنها حتی در منازل شخصی و با محدود کسانانی از آشنایان ودوستانشان ممانعت بعمل آورده است. شرایطی که قاتلین جانبختگان، آزادانه در خیابانها می چرخند و برای جنایاتی که مرتکب شده اند، پاداش و دستمزدهای کلان دریافت می کنند. در نقطه ی مقابل اگر کسانانی برای وکالت این افرادی که حق قشان تضییع گردیده قدم پیش می گذارند، خود به عنوان شریک جرم دستگیر و روانه ی زندان می شوند. در حقیقت سنگ را می بندند و سگ را رها می سازند.



تجربه ی تاریخی نشان داده است که شاید با سرکوب و کشتار بتوان اندک زمانی خفقان را بر جامعه مستولی نمود و حکومت کرد، ولی نمی توان برای همیشه، حتی برای مدت زمانی دراز بر اریکه ی قدرت تکیه زد. با خیزش مجدد فرزندان این خاک و این مردم جنبش اجتماعی، جانی دوباره گرفته است. همچنان که باکشته شدن "عشقی"
"فرخی" کارزار مباره تعطیل نگردید، این بار نیز از خاکستر عزیزان جان باخته، ققنوس وار مبارزانی دیگر سر بر می آورند و یاد عزیزانی که جان خویش برای آزادی و بهروزی مردم میهن شان دادند را با کشیدن آمران و عاملان آن جنایت ها به پای میز محاکمه و افشاء و معرفی آنان بعنوان جنایتکار در سطح جامعه، گرامی خواهند داشت.

کشتار مردم و جوانان کشورمان در خیابان ها، درکهریزک و اوین، در کردستان و ... ادامه ی جنایاتی است، که از بدو انقلاب، درده شصت، در فاجعه ی ملی و در قتل های زنجیره ای ادامه داشته و با وجود جمهوری اسلامی امیدی برای خاتمه دادن به این روند غیر انسانی قابل تصور نیست.

قتل های سیاسی پانز 77 رویدادی است متفاوت در تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران، که حساسیت عمومی ابرانگیخت و جامعه را در بهت و حیرت همگانی فرو برد. داشتند و هنوز هم دارند که حکومت پرده ابهام از روی این واقعه ی هولناک و غیرانسانی بردارد، اما باتمام داد و فریادها و حق طلبی هایی که از جانب خانواده های مقتولین، وکلا، دوستانشان، و فعالین سیاسی به عمل آمد، تا کنون هیچ نتیجه ای در بر نداشته است. توییح و زندانی شدن وکیل مقتولین و دستگیری و شکنجه و تعبد یاران و هم زمان آنان. حافظه ی تاریخی مردم کشورمان فراموش نخواهد نمود که آنان جانبختگان راه آزادی و بهروزی خلق خویش بودند و قاتلین دشمنان آزادی و سعادت بشری.

"یادشان گرامی و راه شان پر رهرو باد"

از پس رختی سنگین که در پی اعدام های دهه ی 60 و کشتار زندانیان سیاسی در جریان فاجعه ی ملی 1367 جامعه را احاطه نموده بود، از اوایل دهه ی 70 آرام آرام تحرکی در بین فعالین سیاسی پدیدار گشته بود. حاکمان جنایتکار سرمست از بوی خونی که در جای جای میهن مان ریخته بودند، سکونی دراز مدت را حداقل برای چندین دهه پیش بینی می کردند. 76 تجلی پاسخ مردمی بود که با تمامی وجود فریاد بر آوردند "، آبی بود که بر خوابگاه دژخیمان ریخته شد. چکمه پوشان و قداره بندان ولایت هراسان از برآمد طوفان سهمگین توده ها، مجدداً به تنها شیوه ای که آموخته بودند، دست بردند. بار دیگر سرکوب و اعدام در دستور کار آنها قرار گرفت. سریالی از ترورهای دولتی شروع گردید، دهها مبارز سیاسی و فعال اجتماعی، نویسنده و هنرمند تحت پیگرد و آماج سرکوب و حمله قرار گرفتند. آنها بدنبال کسانانی بودند که وضع موجود را بر نمی تافتند و در پی تغییر آن بودند. کسانانی که نقشی محوری در شکل گیری اعتراضات و ناراضیاتی ها ایفاء کرده و با تیان بالقوه ایفای چنین نقشی را داشتند. فعالین چپ و دمکرات قربانیان مقدم کاربست چنین سیاست جنایت باری شدند. لیستی بالغ بر یکصد نفر از فعالین سیاسی و نویسندگان، توسط دستگاه سرکوب و ترور تهیه گردید. آنکه زنده یادان جعفر پوینده در 15 آذر، داریوش و پروانه فروهر در اول 1377 به قتل برسند، مبارزین و فعالین دیگری نیز بقتل رسیده بودند. 28

مجید شریف، شهریور 1377 پیروز دوانی از آن جمله اند. قبل از آنها نیز قربانیان دیگری توسط تیم های ترور به مسلخ مرگ فرستاده شده بودند. محمدبازنده، ابراهیم زال زاده و کاظم سامی . در همان راستا تلاش وزارت اطلاعات رژیم برای کشتار دسته جمعی مسافران نویسنده ی عازم ارمنستان، که با فرستادن اتوبوس حامل نویسندگان به قمر دره های گردنه ی حیران تدارک دیده شده بود، ناکام ماند.

قرن بیستم شاهد هزاران قتل سیاسی توسط حکومت های مستبد و ضد مردمی و در عین حال مزدور نظام سرمایه داری در جای - جای گیتی است. وجه مشترک این ترورهای جنایت بار انجام آن توسط جوخه های ترور حکومتی است، که حکومت ها از پذیرفتن مسئولیت آن امتناع کرده اند. تمامی این رژیم ها منکر نقش خود در ترور مخالفین سیاسی بوده و معمولاً وقوع این ترورها را معطوف به درگیری بین گروه های سیاسی و گاهاً مسلح می نمودند. طنز تاریخی اینکه کشته شدگان همواره از نیروهای مخالف و بخصوص کمونیست ها بودند و قاتلین از نیروهای دست راستی طرفدار حکومت!!! اما در این مورد بخصوص، در کشور ما حکومت تلاشی جدی برای ارتباط دادن ترورهای صورت گرفته به جای خاصی جدای از حاکمیت بعمل نیآورد. حتی برای زودن نشانه های برجای مانده هم تمهیدات خاصی بکار بستند. ظاهراً حکومت با گذاشتن جای پای عمده سعی می کرد بی هیچ شبه ای تمامی نظرها را به خود نظام معطوف سازد. جمهوری اسلامی از تجربه ی سرکوب آشکار و قتل عام گسترده ی زندانیان سیاسی در سال 67 دریافته بود که خشونت صریح و شدید می تواند موجبات ارباب نیروهای سیاسی و فعالین داخل و خارج کشور را فراهم سازد و سایه ی یأس و ناامیدی را مجدداً بر جامه

استراتژیک حاکمیت از ترورهای عیان و آشکار کاشتن نهال ترس و وحشت در دل فعالین سیاسی و مدنی بود. تا در فضای مشوش اذهان عمومی عنان در رفته را مجدداً به کف آرند. از همین روی این طیف از جامعه، برگزیدگان ارشد برای مذبح فقهای حاکم شدند. قتل هایی که فتوای شرعی آن پیشاپیش توسط روحانیون تراز اول حکومتی و از بیت رهبری صادر گردیده بود. اما اوضاع همانگونه که سرکوبگران پیش بینی نموده بودند و بر وفق مراد آنان پیش نرفت. افکار عمومی و وجدان بیدار جامعه در سربزنگاه مچ جنایتکاران را گرفت و آنها را رسوای جهان مردم کشورمان و جهانیان به عینه دیدند که حکومت برای حذف مخالفین خود چکومه به شیوه های غیرانسانی و جنایتکارانه متمسک می شود. آشکار شدن چنین جنایات هولناکی داغ قتل های زنجیره ای را بر پیشانی حکومت یان حک نمود. حکومت ناگزیر از پذیرش مسئولیت جنایتی شد که بدستور سران نظام صادر گردیده بود. مردم در کوچه و بازار سخن از جنایت هایی می کردند که حکومت یان با کشتن مخالفین خود جنازه های آنان را در بیابان ها

شاید بسیاری از جوانان کشورمان ندانند که جان باخته گان چه کسانانی بودند و به چه جرمی

جمهوری اسلامی و معضلات اجتماعی

آمارهایی که از آسیب های اجتماعی ارایه می گردد، نشان از روند رو به رشد آن نسبت به عوامل ایجاد آسیب ها و ناهنجاری ها بعنوان پدیده ای اجتماعی، تابعی از عملکرد نهادهای اجتماعی و ریشه در نظام اقتصادی و سیاسی دارد. جمهوری اسلامی نظامی است که می خواهد با برخوردها و شیوه های افراط گرایانه و متعصبانه، و بر اساس شریعت دینی و باورهای مذهبی، و استفاده از شیوه های مستبدانه و دیکتاتورمناشانه جامعه را مدیریت و مسایل اجتماعی سیاسی و اقتصادی را پاسخگو باشد. در این بین نقش نهادهای آموزشی و تربیتی و سایر نهادهای حکومتی بیشتر نظارتی و تنبیهی است. نهادهایی که شهروندان را مجبور به خود سانسوری و تخریب خود می کنند. بازتاب بیرونی چنین روندی، طبیعتاً نامیدی، یاس و ناگامی فزاینده ای است که اقتشار مختلف جامعه را در بر گرفته.

جمهوری اسلامی با فرهنگ ریا و دروغ، چالپوسی و تزویر، کینه و نفاق، خشونت مذهبی را نیز بعنوان اهرم فرمانروائی بخدمت گرفته است. حکومت مذهبی در این سی و دو سال تلاش کرده تا افراد جامعه و گروههای مختلف انسانی را در حیطه مسایل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، زبانی، قومی و دینی، نه در کنار هم بلکه در برابر و مقابل هم قرار دهد. عمل کرد حکومت جمهوری اسلامی، طی سالهای حاکمیت اش، سرشار از رفتار تبعیض آمیز و اجرای قوانین ضدانسانی بر علیه زنان، کودکان، اقلیت های دینی و دگراندیشان و احزاب و سازمانهای سیاسی حکومت مذهبی در این مدت توانسته است موجبات فروپاشی نظام اخلاقی جامعه و رواج و تکرار خشونت و ناهنجاری های اجتماعی را فراهم آورد. بیسک جامعه ای ما رو به قهقرآ است و در شرایط انحطاط اخلاقی قرار دارد. برای ترمیم تخریبی که جمهوری اسلامی در حوزه ای اخلاق و فرهنگ پدید آورده زمانی بیش از عمر جمهوری اسلامی نیازمندیم.

رانده شدن زنان از متن جامعه به حاشیه، با استناد به قوانین ارتجاعی دینی، و با نگاه جنسیتی به زنان و نادیده گرفتن حقوق مدنی و انسانی زنان شتاب گرفته دستگیری، بازداشت، شکنجه و کشتار دگراندیشان از جمله اعدام های دهه ای 60 و فاجعه ای ملی در 67، قتل های زنجیره ای، اخراج هزاران کارگر و بی کاری میلیونی نیروی کار، توزیع ناعادلانه ای ثروت، تولید روز افزون فقر و فلاکت، مهاجرت های اجباری، اعتیاد، طلاق و ... دست آوردهای نظامی است که با اتکاء به قوای قهریه و استفاده از دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی، سرکوب مخالفین اش را در دستور کار دارد. نظامی که قوانین ارتجاعی اش مسبب اصلی

رواج خشونت در جامعه می باشد. جمهوری اسلامی تنها در سال گذشته 388 حکم اعدام را به مورد اجرا گذاشت و در اعدام کودکان، مقام اول جهان را بدست آورد. حکومتی که همچنان حکم غیر انسانی سنگسار را به مورد اجراء می گذارد. هدف رژیم از این همه سبعیت و جنایت پیشه گی، مسلط کردن هر چه بیشتر دولتی فاشیستی بر زندگی اقتصادی و اجتماعی و سیاسی مردم است، سیاستی که پیامدهای مهمی را می تواند در برداشته باشد.

مطابق آمار منتشر از بیکاران، تعداد بیکاران زن به عنوان نیمی از جامعه ای انسانی به بیش از 1231000 نفر رسیده است. در واقع نرخ بیکاری زنان که بیش از 30% از نیروی کار فعال کشور را تشکیل میدهند، بیش از 65% . 1387 بیش از 25

دلیل پایین بودن سطح دست مزد، بیش از 15 هزار نفر به علت اخراج از کار، بیش از 12 نفر به دلیل مشکلات خانوادگی، محیط کار خود را ترک کرده اند. تبعیض در محیط کار و سوء استفاده از زنان کارگر، یکی دیگر از عوامل عمده ای ترک کار در میان زنان می باشد.

تعطیلی و ورشکستگی بیش از 70% از صنایع کشور، اعم از واحدهای تولیدی بزرگ و کوچک و آسیب پذیری واحدهای فعال در برابر نوسان های اقتصادی، تأثیر بحران های سرمایه داری بر اقتصاد کشور های کوچک و پیرامونی را می توان در کاهش 45

ساخت و تأسیس واحدهای تولیدی و ورشکستگی آنها مشاهده نمود. اقتصاد مافیایی که سهم عمده ای از اقتصاد کشور را در دست دارد، بزرگ ترین هزینه ها را بر اقتصاد کشور تحمیل می کند و به طور فزاینده ای موجب مشکلات مالی، اخراج از کار و بیکاری خیل عظیمی از

کارگران و اقشار زحمتکش شده است. بیکاری در بیشتر استانهای کشور به رقمی بیشتر از 20% رسیده است. هزینه های بهداشتی، درمانی و تحصیلی، و افزایش بی رویه قیمت کالاهای مصرفی و موادغذایی با حقوق و درآمد کارگران هم خوانی ندارد. دبیر خانه ای کارگر شهر ری 800 هزار تومان را برای یک خانواده 4 نفره ضروری می داند. اگر این مبلغ

را با دستمزد پایه کارگران به مبلغ ماهانه 303 هزار تومان، مقایسه کنیم، مشاهده می شود که تفاوت درآمد کارگران با واقعیت های جامعه چگونه است. عمق فاجعه زمانی مشخص می شود که بدانیم کم نیستند کارگرانی که از یک تا هفت ماه است که حقوق نگرفته اند. کارگرانی که هر روز عرصه بر آنها تنگ تر و تنگ تر می شود. پیامد فرآیندی اینگونه مخرب و ویرانگر در تمامی عرصه های اجتماعی قابل درک است. بطور مثال به چند مورد اشاره می کنیم.

اعتیاد زنان: بیش از 5/2 میلیون معتاد در کشور وجود دارد. رشد اعتیاد در میان زنان، دختران و حتی زنان باردار به حد نگران کننده ای رسیده و سن اعتیاد به سنین پایین تر از 15 کاهش یافته است.

ایذ: 80 هزار نفر در کشور مبتلای به ایذ هستند. بطوریکه وزیر بهداشت هشدار داده که آتش فشان ایذ در راه است. رشد زنان خیابانی زنگ خطر را برای شیوع گسترده تر ایذ به صدا

_____ : پرژه ی تحکیم خانواده، لایحه ی تنظیم خانواده و مواد 23 24

برای مردان، همه و همه از عواملی است که به رشد آمار طلاق منجر گردیده.

رضا قهرمان، معاون پیشگیری اداره ی سلامت شهرداری تهران، "از هر چهار ازدواج یکی و در بعضی موارد به سه طلاق منجر می شود." 30% می شوند و 50% از خانواده ها از آشفتنی ادامه دار رنج می برند.

_____ : پدیده دختران فراری و فرزندان طلاق، در خانواده های نابامان که از اعتیاد،

زندانی بودن سرپرست خانواده و ازدواج مجدد آسیب دیده اند، رشد چشم گیری داشته است.

مهاجرت و رشد حاشیه نشینی در شهرهای بزرگ همراه با دیگر پدیده های اجتماعی نا به هنجار، فضای نامناسب فرهنگی و اجتماعی را در جامعه بار آورده اند، برخی برای تخلیه روحی و کاستن از استرس های عصبی، در نبود راههای به هنجار و یا عدم آگاهی و توانمندی لازم، دست به خشونت و رفتارهای ناهنجار و نامتعارف می زنند، این رویکرد در بین جوانان بیشتر احساس می شود.

افزون این ناهنجاری ها و انحرافات اجتماعی به حدی رسیده است که همه روزه شاهد حوادثی هستیم، که از مصادیق جرم و خشونت بشمار می آیند. روزی نیست که در روزنامه ها و اخبار رسانه ها مطالبی در مورد تجاوز و قتل های ناموسی، آدم ربائی و سرقت مسلحانه، کشته شدن زن خیانتکار توسط مرد معتاد و یا کشته شدن مرد معتاد توسط همسر، عربده کشی و زور گیری، کودک آزاری و برده های جنسی درج نشده باشد.



دیکتاتوری دینی شرایطی را بر جامعه تحمیل می کند که وجدان جمعی خدشه پذیر شده و انسانها از ارزش های اخلاقی و انسانی فاصله می گیرند، نسبت به همدیگر و به مشکلات و مصائب اجتماعی بی اعتناء و بی احساس می شوند، آستانه تحمل شان پایین آمده و تحمل نظر همدیگر و نظر مخالف را ندارند، تندخویی و پرخاشگری و افسردگی بخشی از رفتار اجتماعی را شکل می دهد. در چنین شرایطی شاید برای مقطعی بتوان با سرکوب بر مردم حکمرانی نمود، ولی تا ابد نمی توان به اتکای سرنیزه در برابر خواست های مردم ایستاد. مردمی که خواهان تغییر شرایط و بهتر شدن زندگی شان هستند. عبارتی "با سرنیزه شاید بتوان حکومت کرد، ولی نمی توان به آن تکیه نمود." متأسفانه در طول تاریخ رژیم های دیکتاتوری و نظام های ضدبشری معمولاً سرنوشت یکسانی را تجربه کرده و از پذیرش واقعیت ها فرار می کنند. تأکید بر نقش مردم در جنبش های اجتماعی و ایجاد فضای مناسب سیاسی و اجتماعی، برای ساختن جامعه ای مطلوب و انسانی، و تلاش در راستای آگاهی های اجتماعی و سیاسی، امری است اجتناب ناپذیر که با برنامه ریزی و مدیریت دقیق و هوشمند و با کار پیگیرانه برای توانمندسازی جامعه می توان از معضل بزرگ اجتماعی که گریبانگیر مردم کشورمان شده، رهنی یافت. مبارزه حول محور حقوق بشر را بایستی به عنوان سلاخی علیه دیکتاتوری بکار گرفت که اولین گام در این راستا افزایش سیاست های ضد حقوق بشری نظام اسلامی حاکم

نظریه پایان ایدئولوژی

(بخش یابانی)

اما واقعیت علم و ایدئولوژی و رابطه آنها با یکدیگر چیست؟

انسان در جریان تکامل تاریخی خود، در جریان ایجاد و رشد بخشیدن به فرهنگ و تمدن، برای رسیدن به هدف هائی معین، هم در طبیعت مداخله و آنرا در جهت خواسته های خود تغییر داده است و هم جامعه و سازمان اجتماعی زندگی خود را تغییر داده و باز هم در جهت خواسته های خود می کوشیده است آنرا بهبود بخشد.

نیازها و اهداف انسان فقط در تأمین حوائج طبیعی او خلاصه نمی شود. زیرا همانگونه که مثلاً برای آماده ساختن زمین و تأمین آب لازم برای کشاورزی و تأمین غذای خود تلاش و مبارزه می کرده است، بخاطر برابری و تأمین عدالت اجتماعی یا سایر خواسته ها و اهدافی که به سازمان زندگی او مربوط می شود نیز مبارزه کرده است. اما دلیل این مبارزه دومی هم این است که این سازمان اجتماعی، واسطه برخورداری او از همان مواهب طبیعی و شکل تعیین کننده نوع و میزان این برخورداری بوده است. اگر بردگان عهد باستان علیه نظام برده داری سر به شورش برمی دارند و مبارزه با آن سازمان اجتماعی برای آنان آنقدر حیاتی است که همه هستی خود را در این راه می گذارند، دلیل این امر هم در نهایت این است که این سازمان اجتماعی خاص مانع برابری آنها با برده داران در برخورداری از مواهب طبیعی زندگی است و از اینرو مبارزه در هر دو عرصه مورد بحث به منشاء واحدی برمی گردد. اما بهرحال فعالیت و تلاش او در طول تاریخ در این دو جهت صورت می گیرد.

انسان برای کشاورزی و آبادانی، نیاز به آب دارد و بدنبال تأمین این خواسته خود، آبراهه و آب انبار نیاز می سازد، سد احداث می کند، مسیر رودها را تغییر می دهد و نظائر این ها. اما همانگونه که بدنبال تأمین آب یا خوراکی مورد نیاز خویش است، در جریان تاریخ خود بدنبال عدالت اجتماعی هم بوده است. برگهای پیشمار تاریخ بشر، شرح مبارزات، جنگ ها و تلاش های خستگی ناپذیر انسان برای تأمین عدالت اجتماعی، برابری، رفع ستم و ... هزینه های هنگفتی است که او برای تحقق این خواسته ها پرداخته است.

در این فعالیت تاریخی انسان دو عامل درگیر و دخیل اند: یکی انسان یا عامل کنش گر که برای انجام این تغییرات در جهت رفع نیازها و تأمین خواسته های خود می کوشد و دیگری طبیعت و جامعه که هر دو موضوع فعالیت قرار می گیرند و عنصر کنش پذیر به شمار می آیند. بدیهی است که ماهیت و ویژگی های هر دو عنصر کنش گر و کنش پذیری که در این روند دخالت دارند، در تعیین ماهیت نهائی آنچه از تأثیر این دو عنصر بر یکدیگر پدید می آید، دخالت

اما انسان در انجام این تغییرات کاملاً با این ضرورت روبرو می شود و به آن پی می برد که شرط انجام موفقیت آمیز این تغییرات این است که ماهیت و ویژگی های آنچه را که موضوع فعالیت او قرار می گیرد و قوانین عینی حاکم بر آن را خوب بشناسد، تا بتواند به نحو مؤثر تغییرات مورد نظر خود را عملی سازد. هنگامی که انسان برای محافظت خویش در برابر سرما می خواهد آتشی بیفروزد تا خود و محیط زندگی خود را گرم کند، باید از مواد و مصالحی بهره گیرد که قابلیت مشتعل شدن و گرما بخشیدن به او را داشته باشند، یعنی نیازمند این است که خواص و ویژگی های عینی آنچه موضوع کار او قرار می گیرد را بشناسد. از یک توده سنگ هرگز نمی توان آتش بدست آورد، اما یک توده چوب خشک این هدف را برمی آورد. در این مثال، آنچه تعیین کننده است شناخت ما هست و خواص عنصر کنش پذیر یعنی آگاهی از ویژگی های عینی سنگ و چوب است. سنگ نمی سوزد و به او گرما نمی دهد، اما چوب می سوزد. در این مثال، این که چه کسی می خواهد برای گرم کردن خود

آتش فراهم سازد یا چه کسی با این آتش گرم می شود، تأثیری در ماجرا ندارد، زیرا انسان بطور فردی بر روی موضوع کار خویش عمل کرده است و بطور فردی هم از ثمرات این فعالیت خود بهره مند شده است، بعبارت دیگر عنصر کنش گر یک فرد و فاقد هرگونه سازمان اجتماعی است. پس هیچگونه سازمان و روابط اجتماعی میان او و ثمرات کار او حاصل نیست. در چنین حالتی فقط شناخت ویژگی های عینی طبیعتی که موضوع فعالیت انسان قرار می گیرد کافی است، زیرا بین انسان و طبیعت هیچ سازمان اجتماعی احثل نشده است. اما این مثال مربوط به ما قبل تاریخ جامعه انسانی است. انسان از همان طلوع جامعه یعنی دورانی که رفته رفته از دنیای حیوانات جدا و متمایز شده است. زندگی اجتماعی خود را آغاز کرده و همواره بصورت جمعی و در قالب "هائی مانند طایفه، هم خون، قبایل، ایل، طبقه اجتماعی، ملت و ... همراه دیگر افراد انسان و بطور جمعی و مشترک زندگی و فعالیت کرده است. از اینرو فعالیت های انسانی - چه در برابر طبیعت و در مقام دگرگونی آن در جهت رفع نیازهای خویش و چه در برابر جامعه و در مقام تغییر شکل و شیوه زندگی اجتماعی خود - همواره شکل جمعی داشته و

بناگزیر با یک سازمان اجتماعی معین و در چهارچوب روابط اجتماعی مشخصی صورت گرفته است، و از اینرو پاپیای مداخله در طبیعت و ایجاد تغییرات ضروری در آن، ناگزیر بوده است دانماً در شکل و شیوه زندگی جمعی خود هم تغییرات و اصلاحاتی بعمل آورد و همانطور که اشاره شد، موفقیت این تغییرات مشروط به این بوده است که آنچه را می خواهد تغییر دهد خوب بشناسد و از ماهیت و ویژگی های عینی آن آگاه شود.

اما همانطور که افروختن آتش یا تأمین آب مورد نیاز انسان و موفقیت در اجرای طرح هائی که برای رسیدن به این هدف ها دنبال می شود، مستلزم شناخت خواص و ویژگی های عینی مواد، زمین، مقاومت مصالح و سایر اطلاعات زمین شناسی و مکانیک سیالات است، در مواردی هم که موضوع فعالیت انسان تغییر و اصلاح شکل و شیوه زندگی اجتماعی خود او است، شناخت ماهیت و ویژگی های سازمان و روابط اجتماعی مورد نظر و قوانین عینی حاکم بر آن . در این حالت دوم، انسان بعنوان کنش گر اجتماعی در قالب جامعه، طبقه، گروه اجتماعی و ... می خواهد سازمان و روابط اجتماعی خود را محافظت و تحکیم یا بالعکس آنرا در هم شکسته و تغییر دهد و به همین سبب نیاز به آگاهی از این سازمان و روابط اجتماعی دارد و ضرورت این آگاهی را هم مانند ضرورت آگاهی از خواص مواد طبیعی، همیشه حس می کرده و در پی کسب این آگاهی بوده است.

از اینجا دو گونه آگاهی در جریان فعالیت اجتماعی او برایش حاصل می شود، یکی که جنبه شناختاری دارد و به ماهیت و ویژگی های عینی محیط طبیعی زندگی او مربوط می شود و دیگری که جنبه ایدئولوژیک دارد و به ماهیت و ویژگی های محیط اجتماعی زندگی او، یعنی سازمان و روابط اجتماعی کنش گر و جهت گیری هدف معین و برنامه معین فعالیت او بستگی دارد و به دلیل حضور عنصر انسانی در آن، دارای جنبه ذهنی هم هست و نوع و کم و کیف تأثیری را که انسان بر محیط طبیعی و اجتماعی خود برجا می گذارد، تعیین می کند.

احداث یک سد ساختن یک پالایشگاه، یا یک نیروگاه برق، چه در یک کشور سرمایه داری و چه در یک کشور سوسیالیستی، تابع قوانین عینی واحدی است که آگاهی از آنها برای سازندگان سد یا نیروگاه مورد بحث، در هر دو کشور به یک اندازه ضرورت و اهمیت دارد. این مورد، چون انسان در مقام رویارویی با محیط طبیعی و تغییر در آن است، تنها به آگاهی از ماهیت و ویژگی های عناصر طبیعی که موضوع کار قرار می گیرند -

رابطه او با این محیط طبیعی - نیاز دارد و این عناصر طبیعی و خصوصیات آنها در دو کشور مورد بحث مشابه یکدیگر است. اما مثلاً طراحی و اجرای یک سیاست معین در زمینه توسعه اقتصادی یا کاهش و افزایش جمعیت برای رسیدن به هدفهای اجتماعی و اقتصادی معین، در یک کشور سرمایه داری و یک کشور سوسیالیستی تابع اصول و مبانی متفاوتی است که جنبه ایدئولوژیک دارند و مستلزم آگاهی از نظام اجتماعی و ویژگی ها و قانونمندی های حاکم بر آن

این دو جنبه آگاهی انسان در واقعیت و در حرکت زندگی از یکدیگر جدا نیستند، بلکه توأمان جریان و در یکدیگر تداخل دارند و حتی در مواردی بر یکدیگر منطبق اند بطوری که تفکیک و تمایز آنها از یکدیگر جز با توسل به تحلیل نظری و جز بشکل تجریدی ممکن نیست، یعنی ما در ذهن خود به کمک مشخصاتی آنها را از یکدیگر تفکیک می کنیم، اما در واقعیت زندگی، توأم با یکدیگر جریان دارند. هر دو ضروری و از عناصر اجتناب ناپذیر ساختار زندگی اجتماعی و جریان تمدن آفرینی و فرهنگ سازی انسان هستند و در هم تنیده و همراه یکدیگر رشد و تکامل می یابند. یکی منشاء علم است و دیگر منشاء ایدئولوژی.

جریان پیدایش و رشد و تکامل ایدئولوژی دارای یک عنصر شناختاری هم هست، همانطور که جریان پیدایش و رشد و تکامل شناخت نیز، حامل یک عنصر ایدئولوژیک هم هست، اما نمی توان این دو را یکی تصور کرد و هر یک از این دو بعنوان عناصر شناختاری آگاهی اجتماعی عملکردی خاص خود را دارد که با دیگری متفاوت است.

به کیفیتی که بیان شد آگاهی اجتماعی نمی تواند خارج از بستر و زادگاه مادی خود یعنی در خارج از هستی انسانی وجود داشته باشد یا از آن بوجود آید. بعبارت دیگر در آگاهی اجتماعی هیچ عنصر اساطیری و متافیزیکی که ورای جامعه قرار داشته و آنگونه که مثلاً شلینگ، فیخته، هگل یا سایر ایدالیست ها با عناوینی کلی و مبهمی چون "روح ملی" "خرد عمومی" "فکر" و نظائر آن می گفتند از بیرون و از بالا جامعه را هدایت کند؛ یا آنگونه که فلاسفه و جامعه شناسان دیگری می گفتند منحصراً حاصل فعالیت فکری و ذهنی مستقل ایدئولوگ ها

منشاء این آگاهی نه در عالم ماوراء، و نه در عرصه تجریدی تفکر ناب و در ذهن نظریه پردازان، بلکه در واقعیت مادی جامعه، یعنی در هستی اجتماعی است. "باید که ... این آگاهی را بوسیله تضادهای زندگی مادی توضیح داد، بوسیله تضادی که بین نیروهای مولد اجتماعی و روابط تولید وجود دارد." (1)

اما اگر در فلسفه و جامعه شناسی پیش از مارکس تصورات توهم آلودی مانند آنچه در سطور بالا به آنها اشاره شد، راجع به آگاهی اجتماعی و منشاء و ماهیت آن وجود دارد، این امر تصادفی یا معلول اشتباهات ساده ای نیست که در جریان جستجوی حقیقت ممکن است پیش آید بلکه زمینه و دلائل عینی و مادی کاملاً دقیق و روشنی دارد. همانطور که وقتی در یک

توجهات دیگر را مطرح می‌کنند. اما هیچ یک از اینها توانسته‌اند مسئله را حل کنند تا پذیرش عمومی یابد و ذهنیات گوناگون آنان جز دامن زدن به تئستی که بر آشفته بازار فلسفه و جامعه‌شناسی بورژوازی حاکم است، حاصلی نداشته‌اند.

کلید درک و توضیح ایدئولوژی و ارتباط آن با علم و با حقیقت را هم مارکسیسم در همان روش عینی که برای بررسی جامعه بعنوان یک کل واحد کشف کرد، یعنی با رویکرد مادی به تاریخ، بدست آورد. این کشف، یک کشف اجتماعی، کشف بزرگ و خیره‌کننده‌ای بود که علوم اجتماعی را از اساس زیر و رو کرد، مانند همان کاری که نظریه داروین با علوم طبیعی کرد. همان آغاز هم بورژوازی در جهت مختلفی بورژوازی در جهت مختلفی در برابر ماتریالیسم تاریخی دست به معارضة و مخالفت زد. اگر روایتی که فلسفه و جامعه‌شناسی مسلط غرب از ماهیت جامعه و تحولات آن بدست می‌دهد متشتت و تحریف شده و خیالی است، این امر ناآگاهانه، معلول ارزش داورى‌ها یا نقص روش‌های تحقیق و یا اشتباهات ساده‌ای نیست که در جریان جستجوی حقیقت اتفاق افتاده باشد. این روایات سرپوش‌هایی است سنجیده و آگاهانه بر یک عملکرد دقیق و حساب شده.

بسیار پیش از آن که مارکس و انگلس "موجبت اجتماعی شناخت" و دلائل اجتماعی و اقتصادی نگرش‌های متفاوت طبقات گوناگون را به یک واقعیت اجتماعی واحد تشریح و تحلیل کنند، ماکیاوول، آنچه را که تجربه روزگار به او و اندیشمندیانی مانند او موخته بود در مقدمه کتاب "شهریار" خود که آیین روزگار او است، و در قالب پوزش خواهی از این که جسارت ورزیده و به پادشاه پندآموزی کرده است، خطاب به لورنتسو مدیچی، رندانه گوش زد می‌کند: "همانطور که برای طرح ریزی چشم‌انداز کوهها و بلندی‌ها، می‌باید در پستی‌ها و جلگه‌ها جای داشت، و برای نظر کردن در جلگه‌ها باید بر بلندی کوه‌ها جای گرفت، برای دریافت نهاد مردم نیز باید شهریار بود و برای دریافت نهاد شهریاران، باید از مردم بود."

بیش از سه قرن از آن زمان باید می‌گذشت تا فرزندان بزرگ قرن نوزدهم، این کالبد پیچیده یعنی شکل بندی اجتماعی-اقتصادی را تشریح و به چاقوی قدرت تجرید خارق‌العاده خویش، بند از بند آن جدا کنند و این بار براساس تحلیل اقتصادی-اجتماعی نشان دهند که نحوه تفکر افراد به نحوه زندگی آنان بستگی دارد.

مارکس و انگلس کاشفان نظریه ماتریالیسم تاریخی هستند، نظریه نوغ آمیزی که تفکر اجتماعی را زیر و رو کرد. پیش از ارائه و تشریح این نظریه، حتی در میان فلاسفه ماتریالیست هم، در زمینه جامعه و منشأ تحولات آن دیدگاه ایدئالیستی که جامعه و تحولات آن را بر مبنای تحول اندیشه‌ها توضیح می‌داد حاکم بود. این نگرش، "ایدئولوژی" به همان معنایی است که مارکس و انگلس آنرا آگاهی کاذب و قلب توصیف می‌کنند. امبا در ماتریالیسم تاریخی به عکس، ایدئولوژی بازتاب شرایط مادی زندگی و هستی اجتماعی در ذهن افراد انسان شناخته می‌شود و از این رو، از دیدگاه ماتریالیسم تاریخی، برحسب جایگاه و نقش تاریخی هر طبقه، می‌تواند کاذب و تحریف‌کننده، یا راهگشا و آگاهی‌دهنده باشد و به رشد و ارتقاء شناخت کمک کند. معنای این گفته‌های دایمانگلس که "به برکت تفسیر مادی تاریخ، سوسیالیسم به یک علم تبدیل شده است"، اینجا به خوبی روشن می‌شود. به همین دلیل در آثار مارکس و انگلس اصطلاح ایدئولوژی به هر دو معنای متفاوت آن آمده بی آن که هنگام بحث در باره ایدئولوژی به معنای ایدئالیستی آن ضرورتی وجود داشته باشد که این صفت ایدئالیستی را به دنبال آن بیاورند؛ زیرا کلیت و موضوع بحث، که در باره ایدئولوژی پیش از ماتریالیسم تاریخی و در دوران سلطه ایدئالیسم بر تفکر اجتماعی است، خود حاوی این معنی هست. اما وقتی به تشریح ماتریالیسم تاریخی و رابطه بین زیربنا و روبنا در شکل بندی اجتماعی-اقتصادی می‌پردازند، ایدئولوژی را به معنای ماتریالیستی آن، یعنی وابستگی عمومی و فراگیر زندگی ذهنی و روانی جامعه به هستی اجتماعی و روابط اقتصادی بکار برده‌اند. این معنای دوگانه ایدئولوژی در آثار آنان موجب شده است برخی از جامعه‌شناسان بورژوازی ادعا کنند که مارکس و انگلس هم ایدئولوژی را عموماً آگاهی کاذب و قلب شده می‌دانسته‌اند تا از این طریق از نام و اقتدار علمی مارکس و انگلس علیه مارکسیسم بهره‌بردار می‌کنند. این ادعایی اساسی است.

بنیانگذاران مارکسیسم آنجا که در مقام نقد ایدئولوژی ایدئالیستی بحث کرده‌اند، ایدئولوژی را بمعنای آن درکی که آگاهی را صرفاً نتیجه فعالیت مستقل ذهن ایدئولوگ‌ها و جدا از واقعیت خارجی می‌دانند، آگاهی کاذب و قلب شده معرفی و نقد کرده‌اند. ایدئولوژی آلمانی باره برونو مینویسند: "...بجای طبیعت واقعی و خارجی و روابط اجتماعی عملاً موجود، او جمع بندی فلسفی کلیه مقولات فلسفی یا اسامی آن روابط را در اصطلاح جمع می‌کنند؛ زیرا برونو همراه با فلاسفه و ایدئولوگ‌ها، به اشتباه افکار و پنداشت‌ها را - که در بیان مستقل دنیای موجود در فکر است- اساس خود این دنیای موجود تلقی می‌کنند." (6)

همچنین انگلس در نسخه تدارکاتی اش برای آنتی دورینگ که از آثار متأخر اوست می‌نویسد: "تنها محتوای اندیشیدن، جهان و قوانین تفکر است. نتایج کلی حاصل از بررسی جهان، در پایان این بررسی بدست می‌آیند. از این رو نتایج مورد بحث اصول اولیه یعنی نقاط عزیمت نیستند، بلکه نتایج، نتیجه‌گیری‌ها هستند. وقتی این نتایج در مغز فرد ساخته شوند، و آنها را بعنوان اساسی اتخاذ کنند که کار بررسی را باید از آنها شروع کرد، و آنگاه دوباره با آنها جهان را در مغز فرد بسازند، این ایدئولوژی است، همان ایدئولوژی که همه انواع ماتریالیستی را که تا

به جامعه تحمیل می‌کند و از همه وسائل و امکانات ایدئولوژیک جامعه مانند نظام آموزشی و مدارس، دانشگاهها، مطبوعات، رادیو و تلویزیون و سایر رسانه‌ها و ... که در اختیار خود دارد برای تبلیغ و تحمیل ایدئولوژی خود استفاده می‌کند. بخصوص در زمانه ما که سرمایه داری جهانی از یک طرف دائماً ایدئولوژی‌های گوناگون می‌آفریند و به جامعه‌القاء می‌کند و از طرف دیگر شعار پایان ایدئولوژی می‌دهد و تلاش می‌کند از این طریق ایدئولوژی خود را در "مفاهیم انسانگراییانه عمومی که شامل همگان می‌شود" " " "بیطرفانه" " علمی" این قماش ادعاها نزد ساده‌اندیشانی که آنها را باور کنند

توهم، اما از ناحیه مبلغین آنها و گردانندگان معرکه، ریاکاری است. مارکسیسم نیازی به این ادعای ریاکارانه بیطرفی ندارد و با صراحت و صداقت، ماهیت طبقاتی و روحیه جانبدارانه ایدئولوژی را برسمیت می‌شناسد و واقعیت آن را تحلیل می‌کند.

هدف دانش اجتماعی و جامعه‌شناسی انعکاس واقعیت جامعه است به همانگونه که هست. با این تعریف، شناخت و تشریح خود این واقعیت که پنداشت‌های اجتماعی خصلت طبقاتی " غیر طبقاتی وجود ندارد، بخشی از وظیفه و موضوع دانش اجتماعی است.

آگاهی از این واقعیت‌های جمل، و سرپوش‌گذاران آگاهانه بر آنها جنایت است. بخشی از این واقعیت‌هایی که بررسی، شناخت و توضیح دادن آنها موضوع دانش اجتماعی را تشکیل می‌دهد همین‌ها است. آنان که بجای بررسی و ارائه این واقعیت‌ها را انکار، پنهان یا تحریف می‌کنند و می‌خواهند بجای بیان این واقعیت‌ها دانش اجتماعی باصطلاح غیر طبقاتی و بی‌طرفی را ارائه کنند که وجود خارجی ندارد، در حقیقت از افشای واقعیت اجتماعی بخاطر منافع طبقاتی طرفه می‌روند. توماس هابس، فیلسوف ماتریالیست دوره انقلاب بورژوازی انگلیس نکته ظریفی در این زمینه دارد که لنین نیز آنرا نقل کرده است. هابس می‌نویسد: اگر اصول متعارفی هندسه هم با منافع کسانی تعارض پیدا می‌کرد، آنها احتمالاً این اصول را هم انکار ورد می‌کردند. بدیهی است وقتی طبقه‌ای بخاطر منافع خود ناگزیر به دفاع از یک نظام منسوخ باشد، وقتی بین اقتضائات رشد و تکامل تاریخی جامعه و منافع آن طبقه تضاد پدید آید، چون تعیین‌کننده مواضع هر طبقه اجتماعی منافع آن است، در مقام مقابله با پیشرفت جامعه و تغییر وضع موجود، به توجیه‌گری وضع موجود و رو در روئی با نیازها و اقتضاهای تحول می‌غلطد.

چنین طبقه‌ای دیگر نمی‌تواند توقع بی‌طرفی و روحیه علمی داشته. در بخش‌های پیشین این بحث، بعنوان مثال، تاریخچه نظریه ارزش-کار، و تغییر مواضع سرمایه داری را نسبت به این نظریه که ابتدا خود آن را مطرح کرده بود، پس از آن که به نظام مسلط در عرصه جهانی تبدیل شد و مورد معارضة طبقه کارگر قرار گرفت، دیدیم.

نتیجه منطقی این واقعیت، یعنی ماهیت طبقاتی ایدئولوژی و نگرش‌های متفاوت و غالباً متضاد طبقات مختلف نسبت به نظام اجتماعی یک جامعه همستیز، این است که نمی‌توان در مورد ایدئولوژی‌های گوناگون حکم واحدی صادر کرد و همه آنها را تحریف شده و کاذب ایدئولوژی هم مانند هرگونه آگاهی‌های دیگر ممکن است موثق و منعکس‌کننده واقعیت عینی و خارجی باشد یا تصویری کاذب و تحریف شده از واقعیت ارائه کند و این به نقش تاریخی و جایگاه طبقه‌ای در نظام اجتماعی بستگی دارد که ایدئولوژی آن مد نظر است. اما در هر حال برخلاف مغلطه‌ای که نظریه پردازان لیبرال مطرح می‌سازند این خصوصیت ذاتی ایدئولوژی نیست که واقعیت را متفاوت با آنچه هست منعکس سازد. بلکه به موضع تاریخی و منافع هر طبقه و عملکرد تاریخی بستگی دارد که به تبعیت از آن موضع و منافع بانجام می‌رساند. از زمانی که طبقه‌ای یک جایگاه استعماری و ممتاز را در نظام اقتصادی جامعه اشغال می‌کند، حفظ این نظام به تنها هدف آن طبقه تبدیل می‌شود.

دیگر با منافع اکثریت جامعه انطباق یا همسوتی ندارد. از این رو منافع ویژه خود را بعنوان منفعت همگانی معرفی می‌کند. از این پس نظریه پردازان این طبقه در مسیر توجیه وضع موجود و تحریف واقعیت می‌افتند. این تحریف که بوسیله ایدئولوژی حاکم بعمل می‌آید، نه اشتباه غیر عمدی است و نه پیشرفت و تکامل شناخت است. به عکس، نوعی عملکرد آگاهانه اجتماعی است که ایدئولوژی آن طبقه مشخص در خدمت به منافع طبقه خود به‌عهده گرفته . به همین دلیل، بدون توجه به جایگاه و نقش تاریخی طبقات مختلف، بدون توجه به این که هر طبقه در مقام کنش‌گر تاریخی در هر مرحله معین از رشد جامعه، در رابطه با سرنوشت تاریخی جامعه چه نقشی را ایفا می‌کند، نمی‌تواند ماهیت ایدئولوژی آن طبقه داورى کرد.

فلسفه و جامعه‌شناسی بورژوازی این واقعیت بزرگ و آشکار را نادیده می‌گیرند و مسئله را طوری مطرح می‌کنند که گوئی این تحریف نتیجه این است که در بررسی‌ها و تحقیقات اجتماعی روش‌های تحقیق علمی و دقیق بکار نمی‌رود یا ارزش‌های اجتماعی رایج بطور ناخواسته بر نتایج این تحقیقات اثر می‌گذارد و با این کلی‌گوئی‌ها می‌کوشند همه ایدئولوژی "با یک چوب براند" و همه را کاذب و تحریف آمیز معرفی کنند و بلافاصله از طرف دیگر ایدئولوژی لیبرال را بنام "جامعه‌شناسی شناخت" یا "تحقیقات عاری ارزش" و نظائر این ذهنیات دوباره مطرح کنند. و بر برای رفع کاستی‌ها و اشکالات ایدئولوژی‌ها "گونه‌های مثالی" "تحقیقات عاری از ارزش‌ها" را پیشنهاد می‌کند و مانع‌گیری برای جلوگیری از تحریفات که زیر تأثیر تمایلات اجتماعی و ایدئولوژیک و "علیت طبقاتی" وارد شناخت اجتماعی می‌شود، جامعه‌شناسی شناخت خود را پیشنهاد می‌کند و دیگران نیز به همین ترتیب انواع و اقسام "ایسم"

ماهیت آنها تغییر نکرده و از بیرون از محیط طبیعی هم نازل نشده اند. بنابر این تفکری که طبیعت را قابل شناخت می داند، نمی تواند جامعه را غیر قانونمند و غیر قابل شناخت اعلام کند. اگر این تفکر خود از شناخت علمی جامعه عاجز است، علت این است که انسان و جامعه تکامل یافته ترین و از این رو پیچیده ترین بخش طبیعت را تشکیل می دهند و شناخت آنها و قانونمندی های حاکم بر رفتار آنها، دشوارتر از شناخت طبیعت بی جان یا حیوانی است.

دیگر افشای آنچه در جامعه می گذرد به آسانی افشای آنچه در طبیعت می گذرد نیست. زیرا با منافع برخی نیروهای اجتماعی برخورد پیدا می کند. به همین سبب این نیروها یافته های علوم اجتماعی را به سادگی یافته های علوم طبیعی تحمل نمی کنند و در برابر آن مقاومت می نمایند. اما در هر حال، اگر تفکری از شناخت ماهیت و ویژگی های جامعه عاجز باشد، ناتوانی

اش به او این حق را نمی دهد که جامعه را بر خلاف طبیعت، غیرقابل شناخت اعلام کند. 2- این شناختی که در بالا مورد بحث قرار گرفت از خود جامعه و در نتیجه بررسی و کنکاش در آنچه درون آن جریان دارد بدست می آید و منشاء ماورائی یا ذهنی مستقل از واقعیت ندارد.

3- ایدئولوژی بخشی از این شناخت اجتماعی است و بعنوان حلقه ای اجتناب ناپذیر از جریان تکامل تاریخی آگاهی، دارد واقعیت خارجی است. زندگی اجتماعی انسان و آگاهی اجتماعی او که حاصل این زندگی اجتماعی است هر دو واقعیت خارجی دارند و ایدئولوژی جزء لاینفک ساختار این شناخت اجتماعی است، موجودیت آن قابل انکار نیست. یافته های ذهنی جامعه شناسان بورژوائی در زمینه "پایان ایدئولوژی" "عُروب ایدئولوژی ها" و نظائر آنها که جزئی از جنگ ایدئولوژیک سرمایه داری امروز علیه مارکسیسم است، واقعیت جامعه را تغییر نمی دهد.

4- آگاهی اجتماعی، در جامعه طبقاتی هم ستیز، و از جمله ایدئولوژی، با توجه به آنچه راجع به خاستگاه ایدئولوژی توضیح داده شد، به ناچار خصلت طبقاتی دارد و مستقیماً در انجام وظائف اجتماعی و تاریخی که در برابر جامعه قرار می گیرد، دخالت دارد و شرط ضروری ضروری و عنصر ذهنی لازم برای تحقق و اجرای قوانین عینی تکامل اجتماعی است. از منظری دیگر، تفکر اجتماعی همه طبقات خواه ناخواه ایدئولوژیک است. "پُر" های روشنفکرانه و توخالی که گاه حتی برخی متظاهرين به چپ هم حاکی از اجتناب از ایدئولوژی و برخورد های ایدئولوژیک می گیرند، خالی از واقعیت زندگی، تکرار و تقلید ناآگاهانه از "مُد" های روشنفکری لیبرالی است که زیر تأثیر آن قرار گرفته اند و از بیخ و بن با مارکسیسم بیگانه است. راهی به عمق، به عرصه آگاهی و تفکر نمی برد و از مقوله اداه و تظاهرات لیبرالی است. بقول لنین " ای که تضادهای طبقاتی آنرا پاره پاره کرده است، هرگز یک ایدئولوژی غیر طبقاتی یا یک ایدئولوژی فراطبقاتی نمی تواند وجود داشته باشد." (10)

لیبرالیسم با تبلیغ برضد ایدئولوژی، در عمل و در واقع برضد مارکسیسم تبلیغ می کند و در همان حال می کوشد، ایدئولوژی لیبرالی خود را در پوشش های دیگری و با عناوین دیگری "جامعه شناسی علمی" "جامعه شناسی شناخت" "تحقیقات غیر ارزشی" و عناوینی استتاری دیگر جا بیندازد.

5- راست نمائی، یا قلب ماهیت کردن واقعیت، خصلت ذاتی ایدئولوژی نیست و این ویژگی به جایگاه تاریخی و عملکرد اجتماعی آن طبقه ای بستگی دارد که ایدئولوژی آن مد نظر است.

"پایان"

1- k.Marx et F.Engels, Oeuvres choisies en deux volumes Editions du progres Moscou, t.1, pp.377-378

2- K.Marx and F.Engels The Germann Ideology, Lavrence and wishart, London 1965, p.43

3- سه منبع و سه جزء مارکسیسم - 19 مجموعه آثار لنین

4- K.Marx The Eighteenth Brumaire of Louis Bonaparte

5- K.Marx The Eighteenth Brumaire of Louis Bonaparte

6- k.Marx and F. Engels. The German Ideology, Lavrence and wishart London, 1965, p.102

7- F.Engels, Anti-Durring, Moscow, 1969, p.400

The End of Ideology Theory, Preogress pullishers 1974 p.63

8- L.N.Moskuichov. The End of Ideology Theory, progress pullishers . Moscow 1974. p.64

9- K.marx. A contribution to the critique of political Economy, progress publishers, Moscow, 3rd printing 1978, p.21

10- Lenin, collected works, vol 5, p.384(what is to le done) progress Publishers, Moscow. P.384

دریافتی از طریق امیل

امروز وجود داشته اند، آلوده است؛ زیرا در حالی که در طبیعت، رابطه تفکر با هستی یقیناً تا حدودی برای ماتریالیسم روشن بود، در تاریخ، این رابطه روشن نبود. ماتریالیسم وابستگی هر گونه تفکر به شرایط مادی تاریخی که در یک زمان خاص و مشخص فراهم می شوند را هم در نیافته بود.

از آنجائیکه دورینگ، حرکت خود را بجای واقعیت ها از "اصول"، آغاز می کند، او یک ایدئولوگ است ... (7)

"لودیک فویرباخ و پایان فلسفه کلاسیک آلمان" می نویسد: "اما هر ایدئولوژی وقتی پدید آمد، در ارتباط با عناصر مفهومی معین و مفروضی رشد و تکامل می یابد و آن عناصر را بیشتر رشد و تکامل می بخشد؛ در غیر این صورت ایدئولوژی نخواهد بود؛ یعنی اشتغال به افکار بعنوان گوهرهای مستقل نخواهد بود که بطور مستقل رشد و تکامل می یابند و تنها تابع قوانین خودشان هستند. این که شرایط زندگی مادی اشخاصی که این روند تفکر در مغز آنها جریان دارد، در آخرین تحلیل مسیر و جهت این روند را تعیین می کند، لزوماً برای این اشخاص ناشناخته و مغفول باقی می ماند، زیرا در غیر اینصورت این به معنای پایان هرگونه ایدئولوژی خواهد بود." (8)

اما در مقام تشریح ماتریالیسم تاریخی و توضیح نظرات خود پیرامون وابستگی عمومی و کلی زندگی ذهنی و روانی جامعه به روابط اقتصادی، و در بیان رابطه زیربنا و روبنا نیز همین اصطلاح را در معنائی متفاوت و وسیع تر بکار می برند که به هیچ روی بار منفی و انتقادی ندارد، و این معنای متفاوت و گسترده، ذاتاً با تمام آثار مارکس و انگلس در زمینه ماتریالیسم تاریخی و با تمامیت اندیشه و جهان بینی آنان عجین است. وقتی مارکس در 18 برومر لوئی بناپارت می نویسد: "بر روی شکل های متفاوت مالکیت، بر روی شرایط اجتماعی هستی و بقاء، یک روبنای کامل از انواع احساسات، توهمات، شیوه های تفکر و جهان بینی های متمایز از یکدیگر که به گونه مختص و ویژه خود شکل گرفته اند، پدید می آید. تمامی طبقه بر پایه شالوده های مادی خود و بر پایه روابط اجتماعی متناظر با آن شالوده ها، این روبنا را ایجاد می کنند و به آن شکل می دهند" یا باز وقتی که او در پیشگفتار خود بر نقد اقتصاد سیاسی می نویسد: "مجموعه این روابط تولیدی، ساختار اقتصادی جامعه، یعنی آن شالوده واقعی را تشکیل می دهد که بر روی آن یک روبنای حقوقی و سیاسی پدید می آید و شکل های معین آگاهی اجتماعی با آن شالوده خوانائی و تناسب دارند ... (9) و در ادامه این گفتار شکل های حقوقی، سیاسی، مذهبی، هنری یا فلسفی را که تغییرات شالوده اقتصادی دیر یا زود منجر به تغییر شکل کل آنها می شود، "بطور خلاصه شکل های ایدئولوژیک" می نامد "که افراد انسانی در قالب آنها از این تضاد آگاه می شوند و با آن مبارزه می کنند." یا وقتی انگلس در لودیویک فویرباخ و پایان فلسفه کلاسیک آلمان و در نامه هایش پیرامون ماتریالیسم آلمانی در تاریخ، ایدئولوژی را شامل نظرات سیاسی، حقوقی، فلسفه و مذهب می داند که در آخرین تحلیل منبعث از روابط تولیدی است و یک حلقه ضروری در جریان تکامل تاریخی آگاهی اجتماعی و شناخت انسان را تشکیل می دهد، در همه این موارد از ایدئولوژی همین معنائی را مد نظر دارند که در ماتریالیسم تاریخی مطرح است.

از این رو این ادعا که مارکس و انگلس ایدئولوژی را بطور کلی آگاهی تحریف شده می (که در اغلب متون درسی رسمی جامعه شناسی غربی مطرح می شود) خود تحریف واقعیت است.

برخی دیگر گفته اند مارکس و انگلس فقط در آثار اولیه خود ایدئولوژی را به معنای آگاهی کاذب بکار برده اند. این تصور نیز خطا است. مثلاً آنچه در بالا از نسخه تدارکاتی آنتی دورینگ 1876 1878 . همچنین در لودیویک فویرباخ و پایان

فلسفه کلاسیک آلمان که در سال 1886 نوشته شده است، او هنگامی که از روش فلاسفه ایدئالیست و ماتریالیسم قدیم بحث می کند نظرات آنان را بعنوان "ایدئولوژی فلسفی" به نقد می کشد و محکوم می کند. اما در همین کتاب در مقام توضیح رویکرد مارکسیسم به تاریخ "نیروهای ایده ای محرک تاریخ" را بعنوان نیروهای برخاسته از خود تاریخ و نه از خارج آن، و نه بعنوان محرک های نهائی، بلکه معلول زیربنای مادی جامعه معرفی و از ایدئولوژی در معنای ماتریالیستی آن دفاع می کند.

از این رو، این دو مفهوم متفاوت ایدئولوژی در آثار بنیان گذاران مارکسیسم، به مفهوم ایدئولوژی در دوران پیش از ماتریالیسم تاریخی (چه در تفکر ایدئالیست ها و چه در ماتریالیسم قدیم) و مفهومی که ماتریالیسم تاریخی از ایدئولوژی بدست می دهد مربوط می شود، نه به زمان طرح آنها و آثار اولیه و متأخر آنان.

خلاصه کنیم:

1- ادعاهائی که از ناحیه فلاسفه و جامعه شناسان دوران انحطاط بورژوازی در زمینه غیر قابل شناخت بودن جامعه مطرح می شود عیب است و هیچ یک اساس محکمی که تاب تجزیه و تحلیل علمی داشته باشد، ندارد. انسان و جامعه انسانی هم جزئی از طبیعت هستند که در جریان تاریخ طولانی خود تکامل یافته و از بطن همین طبیعت بیرون عبارات دیگر در مرحله معینی از محیط عمومی طبیعی خود جدا و متمایز شده اند، اما

به مناسبت پنجاه و هفتمین سالگرد

16

آذرماه به دلیل رویدادهای تاریخی بسیار حساسی که در این ماه به وقوع پیوسته و بدلیل مبارزات مردم کشورمان در مبارزه علیه استبداد مزدوران امپریالیستی و سلطه ی نظام سرمایه داری دارای جایگاه و منزلت ویژه ای در نزد مردم کشورمان است.

شصت و پنج سال پیش در 21 1324 در گستره ای از کشورمان توده های مردم قدرت را بدست گرفتند و تلاشی ستودنی برای برقراری عدالت اجتماعی و آزادی های سیاسی و مدنی بنمایش گذاشتند. تلاشی که پس از یک سال با توطئه جهان سرمایه داری و نظام شاهنشاهی به شکست انجامید. تجربه ای که هنوز هم خاطره شیرین آن از اذهان مردم آذربایجان سترده

1332 و در شانزدهم همین ماه سه تن از بهترین فرزندان خلق مان، سه دانشجوی مبارز و دگراندیش کشورمان، زنده یادان بزرگ نیا، قندچی و شریعت رضوی که در اعتراض دانشجویان تهران به سفر نیکسون معاون اول رئیس جمهور آمریکا به ایران شرکت کرده بودند، بدست حکومت کودتا و در صحن دانشگاه تهران بقتل رسیدند. روزی که از آن پس به عنوان "نام گرفت، و الهام بخش هزاران دانشجو و مبارز جوانی شد که در سالهای اختناق و سرکوب و خفقان پس از کودتا پرچم مبارزه را برافراشته نگه داشتند.

دوازده سال قبل نیز شارعان معمم و وارثان دین فرمای نظام شاهنشاهی، در جریان جنایت های بیست ساله و در ادامه ی سرپای قتل های زنجیره ای، در اول آذر 1377 نخست داریوش فروهر و همسرش را به طرز فجیعی بقتل رساندند، و به دنبال آن محمد مختاری و جعفر پوینده را با همان شیوه کشتند.

در شرایطی که اندک مدتی از کودتای خونین 28 1332 و سقوط دولت مردمی دکتر مصدق سپری شده و جو سرکوب و وحشت جامعه را در بر گرفته بود، دانشجویان کشورمان پای در عرصه مبارزه گذاشته و مَهر خود را با فداکاری و نثار جان بر مبارزات مردم کشورمان حک نمودند. آنها در بحبوحه ی جولان چکمه پوشان و قداره کشان و در اعتراض به سفر نیکسون معاون اول رئیس جمهور آمریکا که در تأیید و حمایت از کودتاگران به ایران آمده بود، دانشگاه تهران را به سنگر مبارزه علیه حکومت کودتا و حامیان امپریالیست اش تبدیل نمودند و با شجاعت تمام نشان دادند که مردم ایران معترض دخالت آمریکا در امور کشورشان و حمایت آنها از جنایت کاران دربار هستند. دادند که تلاش مردم کشورمان برای توسعه، دموکراسی و عدالت اجتماعی توسط چه کسانی پامال می گردید. شعله ای که پس از گذشت بیش از نیم قرن هنوز سرخاموشی ندارد. بی دلیل نیست که توده های مردم همه ساله با بزرگداشت این روز تاریخی از رشادت و فداکاری فرزندان خویش تقدیر می نمایند. 16

این نکته مهم و در عین حال بسیار ساده نهفته است، رمزی که مستبدین و خادمان سرمایه از 16 آذر به درازای حیات مردم ایران زنده خواهد ماند.

با سقوط رژیم سلطنتی و پیروزی انقلاب 57 و روی کار آمدن حاکمیت اسلامی، در سال های نخستین انقلاب 16 آذر عموماً خصلتی ضد آمریکایی و ضد امپریالیستی داشت.

تثبیت جمهوری اسلامی به بهای سرکوب و کشتار نیروهای انقلابی و آزادی خواه که در غیاب دانشجویان و تعطیلی چندین ساله ی دانشگاهها به وقوع پیوست، مجدداً دانشجویان، بخش عمده ای از وظایف نیروهای اجتماعی را در مبارزات دمکراتیک بر عهده گرفتند. با بازگشایی دانشگاهها بار دیگر سنگر علم و دانش به جبهه ی مبارزه علیه حکومت استبداد دینی تبدیل . دانشجویان همچون اسلاف خویش پرچم مبارزه علیه استبداد و بیداد را برافراشته و پای ثابت تمامی حرکت های سیاسی و اجتماعی شدند.

دانشجویان از همان روزهای اول انقلاب در افشای ماهیت جنایتکار و ضدانسانی نظام حاکم فعالانه شرکت نمودند. آنها دانشگاه را به سنگر مبارزه علیه خودکامگان تازه به قدرت رسیده ی مذهبی بدل ساختند، بطوریکه ندای آزادی خواهی دانشجویان از تمامی دانشگاههای کشور به گوش می رسید. حکومت در اجرای پروژه سرکوب نیروهای انقلابی چاره ای جز بستن دانشگاه ها و خفه نمودن صدای اعتراض دانشجویان نداشت. بنابراین فرمان تعطیلی دانشگاهها توسط شخص خمینی صادر و با کارگردانی رفسنجانی و بازیگری کسانی چون سرور، شریعتمداری، و تعطیلی دانشگاهها ناقوس مرگ را برای انقلابیون و آزادی خواهان کشورمان به صدا درآورد و دانشجویان خود از اصلی ترین قربانیان سرکوب های دهه ی شصت و فاجعه ی ملی شدند.

تمامی تلاش رژیم برای قطع ارتباط دانشجویان با پیشینه مبارزاتی خویش نقش بر آب شد، دانشجویان به بهانه ی تعطیلی روزنامه ی " " 18 تیر 1376 بار دیگر نشان دادند که شراره های جوان از زیر خاکستر کشتار و سرکوب، تنها با ورزش نسیمی گُر خواهند گرفت و آتش برخمن استبداد دینی خواهند فکند. جمهوری اسلامی همچون سلف خویش، قیام دانشجویان را در 18 تیر با سرکوب و کشتار و با شکنجه و زندان پاسخ داد. علیرغم این سرکوب های ددمشانه، دانشجویان دلیر و مبارز، از پای ننشسته و همه ساله مصمم تر از قبل این روز تاریخی را در زیر باتوم های ماشین سرکوب نظام جمهوری اسلامی و تحت شدیدترین تدابیر امنیتی گرامی داشته و یاد دانشجویان کشته شده در مبارزه علیه استبداد سلطنتی و مذهبی را با برگزاری مراسم 16 آذر و روز دانشجو عزیز می شمارند.

16 آذر و یا پس از آن بازداشت می شوند، تعداد زیادی از دانشجویان از ادامه ی تحصیل باز می مانند، تعلیق می گردند و ستاره دار می شوند. 30 تن از بهترین دانشجویان کشور به حکم کمیته های انضباطی از ادامه ی تحصیل محروم و از دانشگاهها اخراج شدند.

آنچه که در سی و دو سال گذشته نصیب دانشجویان گردیده؛ سرکوب و کشتار، اخراج و محرومیت از تحصیل، و سیاست حاکم بر دانشگاهها هم سیاست مهار و سرکوب بوده است. رژیم در این مدت همراه با سرکوب و ارباب، سیاست ایجاد تفرقه و تشتت در صفوف دانشجویان وابسته به طیف های مختلف و با تعلقات سیاسی متفاوت را پیش برده است. زعم خود نقش جنبش دانشجویی را در جنبش دمکراتیک کشورمان کم رنگ نموده و از بین برد.

برای نقش برآب نمودن این سیاست مزورانه و ارتجاعی حاکمیت اسلامی، فعالین دانشجویی بایستی هوشیارانه رفتار کنند. کارآترین سلاح دانشجویان در این مبارزه اتحاد و همبستگی و پذیرش تنوع فکری موجود در پیکره ی دانشجویی است. با جذب و فعال نمودن هرچه بیشتر طیف های دانشجویی حول خواست های صنفی و سیاسی منطبق بر شرایط و واقعیت های اجتماعی ظرفیت های و توانایی های واقعی، می توان ضریب امنیتی و احتمال موفقیت را افزایش داد.

حضور فعال و گسترده ی دانشجویان در جنبش اعتراضی پس از انتخابات نشان داد که تنها پیوند و ارتباط با توده ها و جنبش دمکراتیک سراسری مردم کشورمان می تواند بار سنگین سرکوب و فشار را از دوش دانشجویان و سایر اقشار برداشته و یا حداقل کاهش دهد.

دانشجویی با حفظ ویژگی های خود نیرویی تاثیرگذار و بخشی از جنبش مردمی است، و اگر این نیرو در چارچوب و در راستای جنبش دمکراتیک مردم کشورمان بکار گرفته شود، کارایی بهتر و بیشتری خواهد داشت.

بدین منظور جنبش دانشجویی بایستی از واکنش های شتابزده و احساسی، و اقدام های زود هنگام پرهیز کرده تا بتواند در راستای اهداف اصلی ایفای نقش نماید. جنبش دانشجویی کشورمان با پند گرفتن از تجربیات گذشته برای تقویت صفوف خود، ضروری است بار دیگر با ظنین افکندن شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی" در دانشگاهها، تمامی پتانسیل خویش را حول اتحاد و یکپارچگی طیف های گوناگون دانشجویی علیه اخراج ها، دستگیری ها، شکنجه ی زندانیان، سرکوب اعتراضات مردمی و علیه اعدام ها سازماندهی نماید.



- کنترل بر توزیع ارزاق عمومی و قیمت کالاها جهت جلوگیری از سودجویی فرصت طلبان،
- ایجاد امنیت در منطقه ی تحت کنترل حکومت ملی،
- کمک به برقراری دموکراسی با مشارکت عملی مردم در اداره ی امور خویش،
- خودمختاری برای آذربایجان بعنوان خواست اساسی مردم، دموکراسی و رهایی برای مردم ایران و
خودمختاری برای آذربایجان از همان ابتدا، از آماج های اصلی آن انسان شرافتمند و وطن دوست

- احترام به میراث فرهنگی و مفاخر ملی آذربایجان، دیده می شد که در هر مراسمی از هنرمندان و
شخصیت های ملی، علمی و فرهنگی استقبال و تقدیر می گردید. بطور مثال در اکثر مراسم ها از
خانواده ی ستارخان سردار ملی دعوت بعمل می آمد.
- ایجاد دانشگاه تبریز با پذیرش دانشجو در رشته های پزشکی، کشاورزی، تربیتی و زبان و ادبیات
آذربایجانی، از این بابت تبریز پس از تهران اولین شهری است که بدست فرقه ی دمکرات صاحب
دانشگاه گردید. بطوریکه پس از شکست حکومت ملی نیز، رژیم شاه نتوانست آنرا تعطیل کند.
- ایجاد رادیوی تبریز بعنوان دومین ایستگاه رادیویی کشور. با پخش برنامه به زبان های ترکی و
فارسی.

- تشویق و جذب مردم برای مشارکت در کارهای سیاسی.
از توانایی های بی بدیل پیشه وری در ایجاد ارتباط سازنده با دوست و دشمن بود. ایجاد رابطه
و گسترش دایره ی نفوذ وی تنها به خودی ها محدود نمی شد. بطور مثال پیشه وری از یک
متمولین تبریز می خواهد که کارخانه ی برقی را در تبریز احداث نماید که این موضوع مورد استقبال
وی قرار می گیرد و به مورد اجراء گذاشته می شود. نفوذ کلام و قدرت بسیج گری در نزد وی نیز
مثال زدنی بود. ارتباطات توده ای و تسلطش بر روانشناسی اجتماعی وی را قادر می ساخت هر
ناممکنی را ممکن سازد.



پیشه وری بر مبنای باورها و آماج هایش، می خواست با طرح این موضوع، ملتی را از هویتی
دیرینه گرا به جامعه ای مدرن رهنمون شود. و این مهم را از قعر به فراز رساند که انصافاً در این
راستا گام های بزرگی نیز برداشته شد. برخلاف کسانی که با کُفرهمی و یا غرض ورزانه از چنین
رویکردی تصویری نادرست ارائه می نمایند، تصویری که بر علیه دموکراسی خواهی است.
تجزیه طلبی و ناسیونالیسم واپس گرا به پیشه وری و فرقه ی دمکرات آذربایجان اتهامی ناروا و

"پیشه وری" مردی خیرخواه و تجددطلب و کمونیستی واقعی بود و اگر تا دیروز وی را به اتهام
کمونیست و انترناسیونالیست بودنش زیر ضرب قرار می دادند، طنز تاریخی آنکه امروز توسط عده
ای مغرض، کج فهم، ضد کمونیست، او را به جایگاهی ناسیونالیستی کوچانده اند. دفاع از حقانیت
حکومت ملی و نقش تاریخی مثبت آن در حرکت های اجتماعی مردم کشورمان و منطقه، همراه با
دفاع از شخصیت ملی و طبقاتی "سید جعفر پیشه وری" بعنوان کمونیستی کهنه کار، وظیفه ی
تمامی نیروهای انقلابی و آزادیخواه کشورمان بشمار می رود.

دریافتی از طریق امیل

هر ملتی در مراحل از تاریخ خویش، رهبران و شخصیت هائی را پرورش و عرضه می
دارد، که فراتر از دغدغه های شخصی و منافع فردی می اندیشند، و برای آمال ها و آرزوهائی
فراتر و والاتر مبارزه می کنند. رهبرانی که در تاریخ سیاسی و اجتماعی ملتی نقشی نازدودنی
ایفاء می نمایند. "سید جعفر پیشه وری" یکی از چنین شخصیت های نادر کشورمان و مردم
آذربایجان بود. روشنفکری کمونیست با دغدغه های زحمتکشان، سیاستمداری متفکر، مبارزی
خستگی ناپذیر و اومانیستی بی بدل، که سراسر عمر خود را برای آزادی و بهروزی خلق
خویش وقف نمود. انترناسیونالیستی که برای زدودن یأس و سرخوردگی از ملتی پیکار می نمود
که نه تنها استثمار می گردید، بلکه به لحاظ فرهنگی و آماج های ملی نیز تحقیر می شد.

راز پیروزی و موفقیت پیشه وری در تکیه ی ایشان به بنیان های رادیکال تفکری قرار
داشت که نفی استثمار و تحقیر ملی را هدف قرار داده بود. از این روی در اندک مدتی چنان
هلهله و هیجانی در جامعه پدیدار گردید که دشمنانش را یارای نگرستن رود رو بر روشنائی
تابناکش نبود. این اندیشمند مدافع دهقانان و زحمتکشان برای تحقق خواسته های دمکراتیک
و فرو خورده ی ملتی شب از روز نمی شناخت و برآن بود که کشتی طوفان زده ی زحمتکشان
را با موفقیت به ساحل نجات رساند. اما ارتجاع حاکم و روزگار سپری شده، بدنبال آن بود که
بال های این همای آزادی را قیچی کند و دیدیم که به قهری خونین چنین کردند.

جریان بدست گرفتن قدرت توسط فرقه ی دمکرات آذربایجان تعداد کشته شدگان از تعداد
انگشتان یک دست کمتر بود، به موقع شکست و به گواهی دوست و دشمن بیش از 25
کشته داد. بطوریکه چندین روز پس از شکست فرقه در 21 1325 کشته شدگان فرقه هنوز
از خیابان ها جمع آوری نگردیده بود. این ددمنشی ارتجاع حاکم، دشمنان طبقاتی و
امپریالیست های جهانی نشان داد که آنها در برخورد با خواست دمکراتیک مردم و بخصوص
زحمتکشان از اعمال هیچ توحشی ابا نخواهند نمود.

در این کوتاه برآن نیستیم که مقاله ای تئوریک در تأیید و نقد آن حرکت مترقی بنویسیم.
تنها به گوشه هایی از خدمات آن جنبش مردمی و دمکراتیک بسنده می کنیم، اقداماتی که
21 آذر بشمار می رود:

- فرقه ی دمکرات با باور بر اینکه رمز پیروزی زحمتکشان
علاوه بر اتحاد و همبستگی در آگاهی و آموزش آنهاست. بر این اساس در طول یکسال حیات
حکومت ملی آذربایجان، مدرسه سازی با سرعتی مثال زدنی بعضاً در سه شیفت کاری ادامه

- اجرای کارهای عمرانی بصورت شبانه روز. حکومت ملی با اندک بودجه ای که در دست
داشت، در مدت یکسال توانست منشاء تحولات عمرانی بیشماری گردد. سالیان سال سرعت
عمل و دقت برنامه ریزی یاران پیشه وری زبانزد مردم آذربایجان بود. و هرجا که کاری به
تأخیر و کندی پیش می رود، مردم تبریز هنوز هم می گویند: "کجاست فرقه که شب بخوابیم
و صبح که بیدار می شویم ببینیم خیابان هایمان آسفالت شده اند."

- دخالت و ایفای نقش کارگران و دهقانان در مدیریت واحدهای تولیدی و روستاها.
- برداشتن گام هایی بلند در محو بی سوادی در بین کودکان و نوجوانان و کارگران و
زحمتکشان شهر و روستا.

- تدریس به زبان ترکی در مدارس، در این مورد چنان سریع و بی وقفه عمل می شد که در
کمتر از یک سال کتابها به زبان محلی تهیه توزیع گردید. معلمینی پرورش یافتند که به زبان
ترکی تدریس می کردند. پرداختن به موضوع زبان نه بعنوان یک ابزار سخن گفتن و رفع
نیازمندیهای روزانه عموم، بلکه بعنوان ابزاری برای اندیشیدن، جهان بینی و عمل اجتماعی
کانون توجه پیشه وری و حکومت ملی قرار داشت. یکی از شاخص های بسیار مهم فرهنگی
که در اندک مدتی به آن جامعه عمل پوشانیده شد.

- ایجاد تشکل های کارگری، دهقانی، زنان و جوانان و متشکل کردن آن ها در تشکل های
دمکراتیک،



در دفاع از سوسیالیسم (25)

هدفمند کردن یارانه‌ها، طرحی برای غارت

جمعی از هواداران سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت (داخل کشور)



ماهیت یارانه

پرداخت یارانه اساساً دلیل ضعف و کاستی در بخشی از اقتصاد و جامعه، برای فراهم آوردن فرصتی جهت بهبود و بازیابی به آن بخش از اقتصاد و جامعه تزریق و یا پرداخت می‌شود. عبارتی دیگر یارانه مُسکنی است برای تقلیل درد بیمار و کمک به بهبود آن. هر چند که نمی‌توان با اتکاء به چنین مُسکنی و بدون استفاده از داروهای اصلی، درمان بیماری را قطعیت بخشید. در عین حال نمی‌توان منکر آن شد که نظام اقتصادی یارانه ای مردم را تبیل، تن ... بار می‌آورد و روحیه تولیدی را از بین می‌برد. اما نباید فراموش کرد که حذف یارانه‌ها به این معنا یک چیز است و اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری نهادهای اقتصادی بین‌المللی چیز دیگر.

از بدو پیدایش سرمایه‌داری در ایران بخصوص پس از کودتای 1332 سرمایه‌داری ایران بدلیل ضعف پایه‌های اجتماعی همواره به حمایت‌های دولتی یا عبارتی به یارانه‌ها تکیه کرده است، این واقعیت پس از انقلاب 57 با شدت بیشتری ادامه یافت. از طرفی دیگر اتکاء به حمایت‌های دولت و بهره‌مندی از کمک‌های مالی آن در درون خود حامل تناقضی بنیادین است. چرا که وجود یارانه البته نه صرفاً برای طبقه‌ی سرمایه‌دار، مانعی جدی بر سر راه رشد بازار بشمار می‌آید. عبارتی دیگر یارانه یعنی قیمت کاذب و غیر رقابتی شدن اقتصاد، چیزی که در تقابل با لیبرالیسم سرمایه‌داری قرار دارد.

دولت مدعی است که سالیانه معادل 100 میلیارد دلار یارانه می‌پردازد و از آنجائیکه پرداخت یارانه‌ها بطور غیرطبیعی قیمت‌ها را پایین نگه داشته و موجب بد مصرف کردن، مصرف‌کننده می‌شود، بایستی آن را اصلاح نمود. از اینرو بجای پرداخت غیر مستقیم یارانه به کالاها، دولت مصمم است کالاها را با قیمت واقعی عرضه کرده و درآمد حاصله را بصورت دولت مدعی است بیش از آنچه خواهد گرفت به مردم بازپس خواهد داد!

از جمله دلایلی که در توجیه اجرای این طرح برشمرده می‌شود می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- کاستن از نقش دولت در عرصه‌های اقتصادی
- اصلاح الگوی مصرف بخصوص عقلانی کردن مصرف انرژی و نان
- عادلانه کردن قیمت کالاها و خدمات اساسی
- عادلانه کردن یارانه‌ها
- کمک به خانواده‌های کم درآمد
- رقابتی کردن اقتصاد

دلیل واقعی اجرای طرح

به رغم ادعاهای اغراق آمیز در خصوص منافع طرح هدفمند کردن یارانه‌ها و ارائه تصاویری غیر واقعی از قبیل مبارزه با قاچاق سوخت، اصلاح الگوی مصرف، افزایش درآمدها و برقراری عدالت اجتماعی، واقعیت چیز دیگری است. مهم‌ترین موضوع و منشاء اصلی این طرح تنگناهای مالی و کسری بودجه‌ی پنهان و آشکار دولت است، و یافتن مفری برای برون رفت از این تنگنا.

با اینکه اکثر کارشناسان اقتصادی و حتی کارشناسان موافق دولت معتقدند اجرای این طرح زمین لرزه‌ی بزرگی در پی خواهد داشت و به نوعی خودکشی است، با این همه دولت احمدی نژاد اجرای آن را در دستور کار خود قرار داده است. هیچ دلیل منطقی برای این کار وجود ندارد مگر آنکه بپذیریم کسری بودجه و تنگنای مالی دولت پرخرج ایران جدی است و درآمد دولت کفاف مخارجش را نمی‌دهد. و تمامی آن حرف‌ها و توجیهات و تصاویر رویایی فریب کاری محض می‌باشد.

برای درک عمق فاجعه لازم نیست راه دوری برویم. هم اینک دولت 20 هزار میلیارد تومان به سازمان تأمین اجتماعی، 5 هزار میلیارد تومان به بانک‌ها بدهکار است. بدهی هنگفت دولت به بانک مرکزی از بابت چاپ بدون پشتوانه‌ی اسکناس هم جزو اسرار است. بطوریکه گفته می‌شود دولت برای پرداخت یارانه‌های نقدی اخیر مجبور گردید معادل 5000 میلیارد تومان اسکناس چاپ کند.

بالاخره طرح هدفمند کردن یارانه‌ها پس از کش و قوس‌های فراوان و در میان ترس و تردید مجربان و حاکمان سیاسی از 28 آذر با افزایش قیمت حامل‌های نفتی به مورد اجراء . هرچند این طرح از قبل هم به انحاء مختلف در حال اجراء بود، چیزی که اتفاق افتاد، نخست؛ اعلام رسمی آغاز اجرائی شدن این طرح و سپس؛ شدت یافتن روند اجرائی آن . برای پرداختن به این موضوع لازم است نگاهی گذرا به قانون "طرح هدفمند کردن یارانه" بیاندازیم. قانونی که این همه سر و صدا براه انداخته است را اساساً می‌توان به سه بخش تفکیک نمود:

- اصلاح قیمت‌ها (بخوان افزایش قیمت‌ها)
- پرداخت نقدی یارانه‌ها به مردم
- نظام مدیریتی اجرائی قانون

اصلاح قیمت‌ها

بموجب این قانون قیمت حامل‌های انرژی شامل مشتقات نفتی، گاز، برق، و قیمت آب و هزینه‌ی جمع‌آوری فاضلاب، و قیمت ارزاق عمومی شامل آرد و گندم، برنج، روغن، شیر و شکر و همچنین هزینه‌ی خدمات پستی، خدمات هواپیمائی و خدمات ریلی مسافری افزایش می‌یابد.

- با اجرای این قانون قیمت بنزین، گازوئیل، نفت کوره، نفت سفید، گاز مایع و سایر مشتقات نفت نبایستی از 90% قیمت محصولات فوق روی کشتی در خلیج فارس کمتر باشد و تا پایان برنامه پنج ساله‌ی پنجم به قیمت تمام شده خواهد رسید. قیمت گاز طبیعی هم حداقل 75% متوسط قیمت گاز طبیعی صادراتی خواهد بود. نکته‌ی مهم دیگر آن که مبنای قیمت حامل‌های نفتی متناسب با افزایش قیمت ارز در بودجه‌ی سال‌های آتی افزایش خواهند یافت.

- آب و هزینه‌ی جمع‌آوری فاضلاب نیز تا پایان برنامه‌ی پنج ساله‌ی پنجم به قیمت تمام شده عرضه می‌گردند.

- قیمت گندم، برنج، روغن، شیر، شکر افزایش می‌یابد. ولی همچنان برای آرد و گندم یارانه

- خدمات پستی، خدمات هواپیمائی و خدمات ریلی در بخش مسافری نیز شامل افزایش قیمت

پرداخت یارانه‌های نقدی

طراحان طرح انتظار دارند، در سال اول از اصلاح قیمت‌ها 10 الی 20 میلیارد دلار درآمد منابع مالی بدست آمده به شرح زیر هزینه خواهند شد:

- حداکثر 50% درصد از درآمد حاصل از اجرای این قانون، قرار است به اشکال مختلف از جمله پرداخت یارانه بصورت نقدی و غیر نقدی، اجرای نظام جامع تأمین اجتماعی و بیمه‌ی خدمات درمانی، کمک به هزینه‌های مسکن و اجرای برنامه‌های حمایت اجتماعی، به مردم بازگردانده

- 30% آن نیز بصورت کمک‌های بلاعوض برای مواردی چون: بهینه‌سازی مصرف انرژی، اصلاح ساختار فن‌آوری تولید و افزایش بهره‌وری، جبران شرکت‌های ارائه‌دهنده‌ی ... ، گسترش و بهبود حمل و نقل عمومی، حمایت از تولید نان صنعتی، حمایت از توسعه‌ی صادرات غیر نفتی، توسعه خدمات الکترونیکی، پرداخت خواهد شد.

- 20% از آن نیز برای جبران آثار ناشی از اجرای این قانون بر اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در اختیار دولت قرار خواهد گرفت.

نظام مدیریتی برای اجرائی کردن قانون

برآوردهای انجام شده نشان می‌دهد دولت در مرحله اول به حدود 61 میلیون ایرانی یارانه نقدی پرداخت خواهد نمود، که این یارانه‌ها به حساب سرپرستان خانوار واریز می‌شود.

بر همین اساس، اگر 50 درصد از عواید 20 هزار میلیارد تومانی هدفمندسازی یارانه‌ها را محاسبه کنیم، رقم 10 هزار میلیارد تومان خواهد شد، که بابت یارانه نقدی به مردم تخصیص و توسط دولت ارائه می‌شود. به عبارتی دیگر مدیریت هزینه‌کردن منابع مالی با دولتی خواهد بود که در تسلط نظامیان است. بنابراین بسیج عامل عمده و صحنه‌گردان اصلی اجرای طرح خواهد

هر چند کسری بودجه عاملی مهمی در حذف یارانه هاست، اما تنها دلیل برای مبادرت به چنین اقدامی حیاتی نیست. جمهوری اسلامی در ادامه ی کاربست سیاست های تعدیل ساختاری و در راستای پیوستن به سازمان تجارت جهانی، از 20 سال گذشته به این طرف بنوعی حذف یارانه ها و یا لاقل برای کاستن از مقدار آنها تلاش کرده است. حتی اگر کسری بودجه و تنگناهای مالی دولت هم نبود، حاکمیت بنا به تعهدی که به سازمان تجارت جهانی داده، ملزم به حذف یارانه هاست. کسری بودجه تنها اجرای آن را سرعت بخشید. طرحی که با تصویب مجلس قرار بود در طی 5 سال به مورد اجراء گذاشته شود، ظاهراً می خواهد با تمسک به سیاست شوک تریبی در عرض چند ماه نهایی کنند.

از دیگر اهداف طرح می توان به:

- ایجاد شکاف و سردرگمی در صفوف مردم، با پرداخت یارانه های نقدی بخصوص در مراحل اولیه ی اجرای آن که حکومت از واکنش مردم در هراس است.
- تسلط نیروهای نظامی بر کلیه ی منابع کشورمان از طریق اجرای سیاست های تعدیل ساختاری از جمله خصوصی سازی، حذف یارانه ها و ایجاد شرکت های بزرگ تحت مدیریت سپاه با اولویت در حوزه های نفت، گاز و مالی،
- کنترل و تسلط بر بخش خصوصی مستقل و غیرحکومتی،
- درگیر کردن مردم با مسایل روزمره اقتصادی و معیشتی با گسترش فقر و تورم و رام کردن آنها با پرداخت یارانه.

شاید هدف اصلی طرح را انتقال بخشی از قدرت خرید مردم به دولت و به میزان 40000 میلیارد تومان در سال قلمداد نمود. دولتی که با بحران مالی بزرگی مواجه است و برای پرداخت یارانه ی نقدی دو ماهی که پرداخت گردیده، سیستم مالی دولت را با مشکل مواجه ساخته، همین 40 44 هزار تومانی هم که یک بار داده شد، احتمال نزدیک به یقین در پرداخت های بعدی متوقف نمایند. چرا که با ادامه ی پرداخت یارانه های نقدی، دلیل وجودی طرح که همانا کسب درآمد اضافی برای دولت است، از بین خواهد رفت.

ماهیت واقعی طرح

در تبیین ماهیت واقعی طرح و تأثیرات آن در جامعه لازم است این موضوع را نه بشکلی مجرد، بلکه در چارچوب سیاست کلی تر، بنام سیاست تعدیل ساختاری جستجو کنیم. سیاستی که حذف یارانه ها تنها یکی از ارکان آن سیاست کلی، شامل موارد زیر به شمار می آید:

- خصوصی سازی با اصلاح اصل 44 قانون اساسی

-

- تغییرات در سیستم مالیاتی

- تغییرات در سیستم پولی

- لیبرالیزه کردن تجارت خارجی

- حذف یارانه ها

برخلاف ادعای دولت حذف یارانه ها برنامه ای برای افزایش قدرت خرید مردم و کاهش شکاف طبقاتی نیست. این طرح راهکاری است برای کسب درآمد بیشتر طبقه ی سرمایه دار بخصوص سردمداران حکومتی و نظامی. چرا که با پرداخت 40500 تومان یارانه ی نقدی به هر 50 درصدی ناشی از اجرای این طرح، بطور مثال خانوارهای 4 نفری که درآمد

ماهانه ی آنها قبل از اجرای طرح بیش از 324000 هوشار بود که طرح هدفمند کردن یارانه ها دارای انگیزه و منافع طبقاتی است و بدون تحلیل طبقاتی نمی توان به این موضوع برخورد کرد و آن را تحلیل نمود.

جمهوری اسلامی با حذف یارانه ها در حقیقت می خواهد قیمت کالاهای اساسی زندگی . چرا که با حذف یارانه ها حجم انبوهی از منابع در اختیار دولت قرار خواهد گرفت و با تمرکز چنین حجم گسترده ای از منابع مالی در دست دولت آنها خواهند توانست به بسیج بعنوان مجری طرح در جامعه اقتدار بخشیده و بیش از 60 میلیون نفر را باج گیر دولت و مطیع حکومت سازند.

آشکار است که با اجرای این طرح هیچ گونه هدفمندسازی در پرداخت یارانه ها بوجود نخواهد آمد، چرا که تنها شکل پرداخت یارانه ها عوض خواهد شد، اگر قبلاً یارانه ها بصورت غیرنقدی و همگانی بود، اکنون بشکل نقدی و همگانی پرداخت می شوند. یعنی برخلاف مدعیان و مدافعان طرح، یارانه ی نقدی هم به خانوارهای واجد شرایط یارانه پرداخت می شود و هم به خانوارهایی که نیازمند نیستند. قبلاً دولت با خوشه بندی تفاوتی متناسب با نیازمندی خانوارها را در پرداخت یارانه وارد کرده بود که نهایتاً کنار گذاشته شد.

یارانه بدهند، معلوم نیست که چرا یارانه ها را حذف می کنند. مگر اینکه بخواهند پرداخت یارانه های نقدی را هم پس از چند ماه مانند سهام عدالت کنار بگذارند. سیاست مبتنی بر دروغ و فریب که اتخاذ آن از جانب دولت احمدی نژاد عادی است.

اگر نظر دولت و طراحان قانون هدفمندسازی یارانه ها اجرای اصلاحات اقتصادی مطابق ایده های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول است، که در واقع هم چنین است و

بایستی بجای هدفمندسازی، حذف یارانه ها در دستورکار دولت قرار می گرفت. که ما معتقدیم نهایتاً و خیلی سریع چنین خواهد شد. پرداخت یارانه های نقدی در واقع فریبی بیش نیست و خیلی سریع تر از آن که فکر می کنیم فکفگیر دولت به ته دیگ خواهد خورد. وظیفه این طرح عادلانه کردن ساختار و ارتقاء سطح درآمد مردم نیست، بلکه دزدین نان مردم از سفره خالی

واضعان قانون هیچ توجهی به معیشت کارگران و زحمتکشانی که در پی اجرای این طرح . اما برای تشویق و حمایت از صادرکنندگان و بنگاههای 20 درصد از درآمد اجرای طرح را تخصیص می دهند. در حالی که اگر شعورمدانه رفتار می شد افزایش قدرت خرید کارگران خود مشوق و کاتالیزور خوبی برای رونق اقتصادی می توانست باشد. این برنامه به لحاظ نظری ورشکسته است، اگر بر اساس استدلال آقایان یارانه ها مضرند و باید حذف شوند، معلوم نیست چرا دولت فخریه به تجار و بازاریان و صادر کنندگان یارانه می پردازد. اما وقتی که نوبت به کارگران و زحمتکشان می رسد، یارانه چیز بد و منحوس می شود. همچنین به لحاظ عملی و محاسباتی نیز این طرح با شکست مواجه خواهد . گزارش ها حاکی از آن است که از هم اکنون پرداخت بعدی با مشکل مواجه گردیده.

تاریخچه طرح

این طرح بخشی از طرح گسترده ای بنام تعدیل ساختاری است که از دهه ی هشتاد میلادی توسط بانک جهانی و صندوق بین المللی پول برای کاربست سیاست های نئولیبرالی به کشورهای پیرامونی و در حال توسعه تحمیل گردیده است. کشور شیلی پس از کودتای پینوشه از جمله تالیاه داران اجرای چنین سیاستی در حوزه ی اقتصادی بود.

در کشور ما نیز چنین سیاستی از قبل از انقلاب دنبال می گردید، سیاستی که با انقلاب 57 برای یک دهه متوقف و با ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی مجدداً و با شدت بیشتری بکار گرفته شد. دولت خاتمی نیز ضمن حمایت از طرح های اقتصادی وی آنها را ادامه . در آن دوران در مجمع تشخیص مصلحت نظام متممی به اصل 44 قانون اساسی اضافه شد که هدف آن کاستن از سهم بخش دولتی در اقتصاد و تقویت بخش خصوصی بود.

با پیروزی احمدی نژاد در نهمین دوره ی ریاست جمهوری ایران، با توجه به شعارهایی انتخاباتی وی انتظار می رفت روند مزبور متوقف یا حداقل کند شود. اما چندی نگذشت که شاهد شتاب گیری روندی مزبور شدیم. عبارتی دیگر احمدی نژاد هم سیاست های اقتصادی رفسنجانی و خاتمی را پی گرفت. شاید بتوان دولت احمدی نژاد را افراطی ترین و راست ترین دولتی در ایران از بدو مشروطیت بحساب آورد. وی نشان داد که سیاست های اقتصادی حاکمیت با جابجائی مهره های آن تغییر چندانی نخواهد یافت. چنین بنظر می رسد که هر یک از آنها که می آمدند مجبور بودند به اجرای چنین سیاستی گردن نهند. همانگونه که دیدیم موسوی نیز به همراه کربوبی ماهیت طرح حذف یارانه ها را تأیید و تنها به ادامه ی کار کارشناسی روی طرح بسنده کردند. سیاستی که نئولیبرال ها برای اجرائیش بشکن می زنند.

این تنها راه برای دولت بود؟

همانگونه که آمد دولت احمدی نژاد سیاست اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی را در ابعاد کلان آن حتی با شدت بیشتری ادامه داد. از این رو زیاد نمی توان به وی خرده گرفت. چرا که هرکس دیگری هم بود، الزاماً به انجام چنین کاری مجبور می گردید. اما کارهای منحصر بفردی هم توسط وی انجام گرفته، که جامعه و مردم را هرچه بیشتر به سوی پرتگاه رانده است. اگر نبود چنین سیاست هایی شاید از درد زایمانی اینچنین درداگین می کاست.

کنار گذاشتن سازمان برنامه و بودجه و قاجاری کردن دخل و خرج مملکت، بی انطباقی بودجه ای و ریخت و پاش ها و گشاده دستی های سلطانی که در سفرهای استانی انجام می گیرد. نهایتاً دولت را به انبساط مالی اجباری سوق داده است. اجرای ضربتی طرح هدفمند کردن یارانه ها و یا عبارتی دیگر اتخاذ سیاست شوک تریبی در راستای ریاضت مالی دولت می باشد. نظام سرمایه داری به سرعت در حال جهانی شدن است، کشورهای کانونی و محوری جهان سرمایه داری، برای تأمین منافع شرکت های فراملیتی و سرمایه داران خود این روند را پروژه جهانی سازی فرا رویانیده اند. در این میان کشورهای پیرامونی که با حلقه های متعددی به نظام حاکم سرمایه داری پیوند خورده اند، برای اینکه از دایره ی خودی های درجه دو بیرون نمانند و شاید هم روزی به حلقه ی اولی ها بپیوندند، شدیداً برای اجرای سیاست اسب های سه گانه جهانی سازی - سازمان تجارت جهانی، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول -

رقابتی شنیع و چندان آبر دست زده اند. ارائه طرح هدفمند کردن یارانه ها را هم باید در این راستا تحلیل نمود و آن را تلاش سرمایه داری ایران برای پیوستن به قافله سرمایه داری جهانی و تکامل نظام سرمایه داری در مناسبات اقتصادی ایران بشمار آورد. در مناسبات جهانی سرمایه داری لاجرم سیاست مبتنی بر دولت گرایی جای خود را به خصوصی سازی، و سیاست کنتترلی جای خود را به آزادسازی قیمت ها خواهد داد.

شب و روز، و بدون وقفه در بوق کرنا می دهند؛ که مصرف انرژی در ایران نادرست و با

هدردهی بالا و بهره وری پایین می باشد. البته شکی نیست که نه تنها مصرف انرژی در ایران در شرایط نامطلوبی قرار دارد بلکه شتاب رشد مصرف حامل های انرژی نیز نگران کننده است. ولی نایبستی فراموش کرد که بدون فراهم سازی زیرساخت ها و بسترهای لازم و اصلاح تولید ناکارآمد حامل های انرژی، دست کاری قیمتی در این زمینه ها بخصوص تمایل و تلاش برای وارد کردن شوک های قیمتی نه تنها دست آوردی نخواهد داشت بلکه هزینه های سنگینی را هم به اقتصاد کشور تحمیل خواهد نمود. اگر بنزین و سوخت گران می شود لازم است جایگزینی برای آن تعریف شود. گران شدن سوخت تمامی عرصه های اقتصادی را تحت تأثیر قبل از اینکه قیمت حامل های انرژی را چندین برابر افزایش دهیم، لازم است چاره ای برای میلیون ها ایرانی اندیشید که زندگی آنها تحت تأثیر سیاست شوک درمانی بشکلی منفی دگرگون می شود.

اگر دولت با این طرح واقعاً می خواهد مصرف را عقلانی و یارانه ها را عادلانه کند، و حتی اگر می خواهد کسری بودجه هنگفتش را جبران کند، بجای دست یازی به چنین سیاست مخربی، لازم است نخست:

- سیاست گذاری های اقتصادی نهادینه شوند.
- نظام برنامه و بودجه و سازمان مدیریت و برنامه ریزی مجدداً احیاء شود.
- هزینه های پرخرج سفرهای استانی متوقف شوند.
- مالیات های مستقیم از جمله مالیات بر ارزش افزود و مالیات بر درآمد، سهم بیشتری در نظام مالیاتی کشور کسب کنند.
- با اتخاذ سیاست های اقتصادی و ایجاد موانع قانونی از فرار سرمایه ها جلوگیری و موجب جذب سرمایه ها شود.
- بجای حذف یارانه ها با افزایش دستمزد کارگران و کارمندان قدرت خرید مردم را افزایش دهند که خود موجب رونق اقتصادی و افزایش درآمدهای مالیاتی دولت خواهد شد.
- مسافرت های شهری با وسایل نقلیه عمومی را برای کارگران، کارمندان، دانش آموزان و دانشجویان، بازنشستگان و سالخوردهگان مجانی و یا کم هزینه کند.
- بجای معافیت کارگاه های زیر ده نفر از پوشش تأمین اجتماعی، سهمی از هزینه ی بیمه ی آنها را برعهده گیرد تا ضمن کمک به چنین صنایعی از اخراج کارگران جلوگیری نماید.
- شیوه شوک تزایی متوقف و اجرای طرح با تمهیدات جبرانی برای دراز مدت برنامه ریزی

شیوه های کاربست دولت برای اجرایی کردن طرح

از موارد جالب توجه، چگونگی اجرای طرح بود. دولت که از دوسال گذشته همواره به اجرای آن تأکید می نمود، در این مدت سعی کرد که باصطلاح چراغ خاموش حرکت کند و ضمن ممانعت از درز هر گونه اطلاعات در مورد زمان، چگونگی و ماهیت طرح، توده های مردم را در نوعی بی خبری و ابهام نگهدارد، تا قبل از آغاز اجرای آن با مخالفت جدی مواجه نشوند.

دولت و عوامل پیرامونی آن پیش تر با مستمسک قرار دادن تفسیر معکوس از اصل 44 قانون اساسی توسط رهبر جمهوری اسلامی، در گام نخستین شرکت های بزرگ دولتی از جمله مؤسسات نفتی و مالی راه، که بر اساس آن تفسیر به بخش خصوصی واگذار می گردیدند، را آنها برای اجرای طرح حذف یارانه ها بعنوان مکمل طرح خصوصی سازی، سیاست اجرای ضربتی و یا شوک درمانی را انتخاب نمودند. حکومت با پرداختن به جوانب مسئله قبلاً مدیران ارزشی و وفادار به نظام را جایگزین مدیران و متخصصان غربگرا، مرعوب و یا اشرافیت زده نمود، تا به هنگام پیشبرد برنامه هایش در درون اردوگاه خود دچار دودستگی و آشفتگی نگردد.

دولت با دادن یارانه ی نقدی برای چند ماه قصد دارد مقاومت مردم را شکسته و در ادامه گروهی رشوه خوار را بوجود می آورد که شمار آنها از عده ای خاص فراتر نخواهند رفت، بعبارتی روشن تر به دو سه میلیون خواهند داد تا بعنوان امت همیشه در صحنه در همایش های حکومتی حضور داشته و در موقع لزوم بقیه را سرکوب کنند. دیری نخواهد کشید که خواهیم دید پرداخت یارانه های نقدی همچون سهام عدالت و وام های کم بهره ی زود بازده به محاق فراموشی سپرده می شوند.

حذف یارانه ها، خصوصی سازی، دولت گریزی و ... راهکارهای ماوراء راست و راست افراطی است، و احمدی نژاد راست ترین دولت تاریخ ایران از صدر مشروطیت تا کنون بوده . بیهوده نیست که اکثر برنامه های وی به شیوه ای فاشیستی اجراء می شوند. این طرح علیرغم آنکه طرحی نئولیبرالی است، ولی با یک طرح نئولیبرالی صرف سرو کار نداریم.

دولتی سروکار داریم که ی کوشد مردم را در بی خبری محض نگهدارد تا سیستم دروغ پردازی های سازمان یافته و ویرانگرش کارگر بیفتند. بدین منظور از شب اجرای طرح و قبل از آنکه بطور رسمی آغاز اجرای آن اعلام شود، با گسیل نیروهای نظامی و امنیتی به خیابانها، قرق کردن مراکز حساس حکومتی، نظامی و انتظامی، و تسخیر پمپ های بنزین و گاز، فضایی امنیتی و نظامی بر کشور حاکم گردانیدند. آنها با دستگیری دکتر رئیس دانا اقتصاددان چپ و

مخالف طرح، پیام روشنی برای مخالفین ارسال کردند، "کوچکترین مخالفت با سرکوب و زندان"

مخالفین و موافقین طرح

اجماع گسترده ای از نئولیبرال ها، لیبرال ها، محافظه کاران، اصول گرایان، اصلاح طلبان و حتی بخشی از چپ های شرمنده در اردوی مدافعین طرح هدفمند کردن یارانه ها و خصوصی . تقریباً تمامی جناح های حکومتی از حاکمان و رانده

شدگان از دایره ی قدرت، مدافع اجرای این طرح می باشند. در این بین تنها نیروهای چپ و آسیب دیدگان از اجرای این طرح نئولیبرالی، یعنی کارگران و زحمتکشان و اقشار پایینی جامعه، در مخالفت با آن داد سخن می رانند. بیهوده نیست که در شب اجرای طرح هدفمند سازی یارانه ها اقتصاددان چپ، دکتر فریبرز رئیس دانا باداشت می شود. و عجیب تر آنکه هیچیک از مدعیان حقوق بشر و برندگان جایزه های صلح نوبل و آزادی قلم و ...

آری در این مورد بخصوص تنها چپ و کارگران و زحمتکشان هزینه خواهند داد، نه لیبرال های آرزوی سرمایه داری نئولیبرال و نومحافظه کار حذف یارانه هاست و حذف سوبسیدها یکی از پیش شرط های اصلی پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی بوده است.

طرفداران نئولیبرالیسم با هر نوع مداخله دولت به نفع زحمتکشان مخالفند، تفکری که پیوند طبقاتی آنها را با سرمایه داران، ثروتمندان و مفت خوران به نمایش می گذارد. حمایت اصولی طرفداران " "، از جمله بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، سازمان تجارت جهانی، اقتصاددانان نئولیبرال از این طرح نشان داد که برخلاف مدعیان عدم برخورد ایدئولوژیک و اندیشه فرمایان ایدئولوژی زدا، اندیشه اقتصادی بورژوازی تا چه حد خصلت ایدئولوژیک دارد. ولی برغم انتظار کسانی که برپایه ی افکار نئولیبرالیستی معتقدند با حذف یارانه ها، آزادسازی اقتصاد و خصوصی سازی ثروت و دارائی های عمومی، دموکراسی برکشور حکمفرما خواهد شد. بزودی درخواهند یافت که از اهداف اصلی این طرح مسلط کردن دولت فاشیستی بر زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم است. متأسفانه آنها با رضایت از کاربست چنین سیاستی سکوت اختیار کرده اند و به انتظار بروز معجزه ی سرمایه و بازار آزاد نشسته اند.

" کور خوانده اند، نظام از هم اکنون در پی تقویت اقتصادی مافیایی حاکم " . با اجرای این طرح قدرت شرکت های وابسته به سپاه و حکومت بخاطر برخورداری از سهم سی درصدی حمایت از صنایع و صادرات از محل اجرای طرح، بیشتر و بیشتر خواهد شد. و آنها چنگال خود را هرچه بیشتر بر گلو ی اقتصادی مردم و به تبع آن زندگی سیاسی شان فرو . حکومت در نظر ندارد سیطره ی خود را بر اقتصاد کشور از دست بدهد. بدین منظور دولت با دخالت در تعیین نرخ ارز، نرخ بهره ی بانکی و خصوصی سازی عملاً به ارتقاء نقش خویش در حوزه ی اقتصادی مبادرت ورزیده نه کاستن از نقش خود.

کردن یارانه ها نیز نقش دولت را در اقتصاد بالا می برد، بطوریکه شنیده می شود یک میلیون نفر برای کنترل و نظارت بر قیمت ها بسیج شده اند.

البته نایبستی اجرای طرح مزبور را صرفاً به خواست و اجبار بانک جهانی و یا صندوق بین المللی پول مربوط دانست. همانطور که گفتیم کاربست چنین سیاست اقتصادی را باید در منافع طبقاتی حاکمیت و الزاماً مناسبات اقتصادی غالب و گرایش سرمایه داری وطنی با سرمایه داری جهانی جستجو کرد. سیاستی که مخالف اقتصاد برنامه ریزی شده و دخالت دولت در اقتصاد

اجرای طرح در دیگر کشورها

این طرح به شیوه هائی عموماً مشابه در اکثر کشورهای جهان سومی بکار گرفته شده و تقریباً در تمامی آنها فاجعه بار آورده است. آرژانتین، مکزیک، شیلی، بنگلادش، مصر، سریلانکا ... نمونه های آزمایشگاهی این طرح بوده اند. حذف یارانه ها در بعضی از این کشورها به . بعد از چند تجربه در کشورهای در حال توسعه که به فاجعه های

بزرگ انسانی منجر گردید، بانک جهانی در توصیه هایش برای حذف سوبسیدها جانب احتیاط را پیشه کرد، و نهایتاً پیش شرط هایی را برای اجرای برنامه ی تعدیل ساختاری وضع نمود. شرطی که عملاً رعایت نمی شوند، چرا که اگر چنین شرطی وجود داشت اصولاً نیازی به اجرای سیاست تعدیل ساختاری نبود. سیاست تعدیل ساختاری اساساً تضمینی برای بازپرداخت بدهی کشورهای پیرامونی به کشورهای کانونی بود. پیش شرط های که بانک جهانی برای اجرای برنامه تعدیل ساختاری وضع کرده بود:

- 1- دولت هایی می تواند برنامه ی تعدیل ساختاری را اجراء نمایند که دارای مقبولیت سیاسی بالایی باشند.
- 2- زمانی را برای انتخاب اجرای طرح انتخاب نمایند که نرخ رشد اقتصادی بالایی را تجربه کنند.
- 3- نرخ تورم در پایین ترین میزان تاریخی باشد.
- 4- نظام تأمین اجتماعی قوی و کارآمدی داشته باشند.

زمانی نامناسب برای اجرای طرح

جمهوری اسلامی دوران رونق مالی خویش را پشت سر گذاشته، و در چهار سال اول دولت احمدی نژاد فرصت‌های طلائی بدست آمده‌ی ناشی از افزایش جهانی قیمت نفت را یکی پس از دیگری از دست داده است. در چنین شرایطی که افکار عمومی با دولت همراهی نمی‌کند و متقابلاً دولت نیز نمی‌تواند افکار عمومی را توجیه نماید، بطوریکه از درون آن و لایه‌های حکومتی نظرات مختلف و بعضاً متضادی ارائه می‌شود، در حالی که وضع اقتصادی خراب و تحریم‌ها هر روز گسترده‌تر از قبل و اختلافات درونی رژیم بیشتر و بیشتر می‌شود، به عبارتی زمانی که دولت در ضعیف‌ترین موقعیت به لحاظ اقتصادی و سیاسی خود قرار دارد، احمدی نژاد و دولت وی بدترین زمان را برای اجرای طرح انتخاب نموده‌اند. دولت بر آن بود که طرح را از اول سال و یا حداقل از خرداد ماه شروع کند، اما فضای سیاسی چنین اجازه‌ای را به آنها نداد. اما زمانی که پولها ته کشید دیگر چاره‌ای جز اجرای آن نداشتند، و لاجرم بدون توجه به تبعات آن طرح به مورد اجراء گذاشته می‌شود.

احتمال دیگری که به نظر می‌رسد، اینکه، اگر دولت احمدی نژاد در اجرای طرح موفق شد، که چه بهتر، مقصود آقایان برآورده شده و موفقیت آن را به پای نظام جمهوری اسلامی دولت احمدی نژاد بهترین گزینه برای اجرای چنین طرحی بود.

نگردید، می‌توان با قربانی کردن احمدی نژاد و دولت وی کل نظام را از پی آمدهای آن رهائی بخشید. موضوعی که با عدم حمایت قاطع و چشم‌گیر خامنه‌ای و بسنده کردن وی به چند عبارت تلویحی، احتمال آن تقویت می‌شود. در نقطه مقابل اگر دولت احمدی نژاد بتواند بر این امر فائق آید سخنرانی‌های تأییدآمیز خامنه‌ای بیشتر خواهد شد.

پی آمدها؟

حذف یارانه‌ها شاید بتواند بحران مالی حکومت را تقلیل دهد، ولی برای مردم موجد بحران‌های مضاعفی خواهد شد. پی آمدهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اجرای طرح چه

تجربه‌ی قبلی در کاربست خصوص سازی نشان داد که در یک دولت فاشیستی چنین روندی لاجرم به مخصوص سازی یا خودمانی سازی منجر می‌شود. در ایران که فاشیسم لباس مذهبی نیز بر تن دارد، نهایتاً برنامه‌ی خصوصی سازی نیز به نفع فرماندهان سپاه، گردانندگان سازمان‌های امنیتی و روحانیت حکومتی تمام می‌شود. بنابر این اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها نیز بیشتر از طرح‌های مکمل عاقبت بخیر نخواهد شد. اجرای این طرح مطمئناً تبعاتی

- گسترش فقر در بین اقشار میانی و سقوط تعداد بیشتری از مردم به زیر خط فقر
- قربانی شدن نظام آموزشی
- کاهش هزینه‌های بهداشتی در سبد هزینه‌های خانوار و واگذاری مراکز درمانی به بخش خصوصی
- کاهش ارزش غذایی، در رژیم غذایی خانواده‌ها و گسترش سوء تغذیه در بین کودکان و

- رشد بیکاری، هم اینک نیز 7/4 میلیون بیکار در کشور وجود دارد

- رشد شدید تورم و گرانی

- افزایش قیمت نان بعنوان اصلی‌ترین مواد غذایی مردم

- هدر رفتن یارانه‌ی نقدی توسط یک میلیون سرپرست خانوار معتاد

- فشار بیشتر بر کارگران، زنان، کودکان و جوانان

- چاق تر شدن سرمایه‌داری تجاری و رانت خوار

- کاهش تولیدات داخلی و ورشکستگی صنایع

- کاهش صادرات و افزایش ویرانگرانه‌ی واردات

- فرار هرچه بیشتر سرمایه‌ها از کشور

- گسترش رکود اقتصادی

- افزایش هزینه‌ی حمل و نقل عمومی

...

با اجرایی شدن این طرح در روزهای آتی به مرور شاهد افزایش هزینه‌های خوراک، پوشاک، مسکن خواهیم بود. با افزایش جهشی قیمت حامل‌های نفتی که رخ داده، تردیدی نباید داشت که دست کارگران و زحمتکشان ما از بهداشت و دست کودکانشان از آموزش بیش از پیش کوتاه‌تر خواهد شد. اجرای این طرح بی‌تردید، بیکاری‌های وسیعی را دامن خواهد زد و واحدهای کوچک تر، مخصوصاً در شاخه‌های انرژی بر تعطیل خواهند شد. تعطیلی واحدهای کوچک اقتصادی که در کشور ما بخش بزرگی از نیروی کار را در استخدام دارند، متقابلاً موجب افزایش شتابان بیکاری خواهد گردید. و بدین طریق آسیب پذیرترین اقشار مردم بخصوص کارگران را به بیکاری‌های مزمن و مصیبت بار گرفتار خواهد نمود.

تأثیر حذف یارانه‌ها بر تولید

از تبعات اجرای طرح صدماتی است که به بخش تولید وارد خواهد شد. واقعیت آن است که بنگاه‌های تولیدی ایران با مشکلات عدیده‌ای روبرو هستند، تولید با ماشین‌آلاتی که به لحاظ تکنولوژی قدیمی و مستهلک شده و انرژی‌برند، تحمیل مدیران ارزشی و نظامی که به لحاظ مدیریتی غیر علمی و بدون کارایی لازم در عرصه‌ی رقابت با محصولات مشابه خارجی و در چنین شرایطی و با واردات گسترده و بی‌رویه کالاهای خارجی و

بخصوص کالاهای ارزان قیمت چینی، و حذف امتیاز ارزان بودن انرژی، عملاً قدرت و توان مقابله از صنایع داخلی سلب خواهد شد. افت تولید و تعطیلی مراکز تولیدی پی‌آمدی اجتناب‌ناپذیر برای صنایع داخلی است. در چنین شرایطی و در حمایت از تولیدات داخلی اگر دولت بخواهد جلوی واردات را بگیرد، مصرف‌کنندگان مجبور خواهند شد هزینه بالای تولید داخلی را

افزایش بهای سوخت، برق، گاز و آب مصرفی در صورت اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها، موجب بالا رفتن هزینه تمام شده‌ی کالاهای تولیدی خواهد شد، امری که موجب رشد واردات و کاهش صادرات خواهد گردید. عبارتی دیگر اجرای این طرح به توان صادرات غیر نفتی کشور به شدت آسیب خواهد زد و واردات را که همین حالا نیز به نحو غیر قابل تحملی سیاسی که تیشه بر ریشه‌ی تولید خواهد زد. این نگرانی

به قدری بالاست که کارشناسان دست راستی اقتصاد که بیشتر نگران ورشکستگی و تعطیلی کارخانه‌ها و بنگاه‌های اقتصادی و ضرر و زیان سرمایه‌داران و کاهش سود و ارزش افزوده‌ی آنان هستند، نیز دچار تردید شده‌اند. هر چند که آنان کمترین نگرانی و دلواپسی‌ای از بابت مشکلاتی که طرح مورد نظر برای زندگی و معیشت کارگران و اقشار فقیر و آسیب‌پذیر جامعه، این طرح بیشتر از آنکه به نفع تولید ملی و سرمایه‌داران وطنی باشد،

بیشتر از همه به نفع سرمایه‌داری چین خواهد بود.

تأثیر حذف یارانه‌ها بر گرانی

پیش‌بینی کارشناسان در خوش‌بینانه‌ترین حالت حاکی از تورم 50

طرح هدفمند کردن یارانه‌ها است. در پیش‌بینی‌های غیر خوش‌بینانه میزان تورم از دو برابر این مقدار هم خواهد گذشت. نکته دیگر آن که اثر تورم روی همه لایه‌های جامعه یکسان نیست. بار اصلی تورم عموماً روی دوش کارگران و زحمتکشان خواهد بود. صاحبان سرمایه و کاسبکاران با انتقال هزینه‌های ناشی از تورم به روی قیمت کالاها و خدماتی که عرضه می‌کنند، تا حدودی از فشار تورم در امان می‌مانند. اما موضوع تورم برای مزد و حقوق‌بگیران بگونه‌ای دیگر خواهد بود. درآمد آنها عموماً متناسب با افزایش قیمت‌ها بالا نمی‌رود.

یارانه‌ها بحران مالی مردم و خصوصاً مزدبگیران افزایش می‌یابد و درصد بیشتری از آنها به زیر خط فقر کشیده می‌شوند.

هرگونه افزایش بهای سوخت عوارض تومری زیادی در پی خواهد داشت.

این امر نه تنها بر رشد قیمت حمل و نقل تأثیر مستقیم دارد بلکه بر روی قیمت سایر کالاها و خدمات نیز تأثیر می‌گذارد. با دروغ و تبلیغات نمی‌توان این امر بدیهی را کتمان نمود، که افزایش جهشی کالاها و خدمات اساسی () نمی‌تواند به بالا

رفتن قیمت‌ها، یعنی افزایش تورم منجر نگردد. فاجعه عمیق‌تر از آن است که ما تصور می‌کنیم، دولت حتی نمی‌تواند پی آمدهای طرح را پیش‌بینی کند. بطوریکه بانک مرکزی چند : "نمی‌دانیم تورم ناشی از اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها چقدر". حقیقت درست عکس آن چیزی است که می‌گویند. گسترش فلاکت و افزایش

نابرابری‌های طبقاتی آنی‌ترین و قطعی‌ترین پی‌آمد اجرای این طرح خواهد بود.

تأثیر حذف یارانه‌ها بر نیروی کار

ماهیت اتفاقی که می‌افتد، ارزان شدن نیروی کار به معنای حقیقی آن است و بار اصلی تورم ناشی از اجرای طرح، بیش از همه بر روی دوش کارگران و زحمتکشان خواهد افتاد. مسلماً با افزایش قیمت‌ها، تغییرات در سبد هزینه‌های خانوار یکسان نخواهد بود.

افزایش هزینه خوراک و پوشاک و مسکن - که با افزایش قیمت حامل‌های انرژی به صورت جهشی افزایش خواهند یافت - تردیدی نباید داشت که سهم هزینه‌های بهداشتی و آموزشی در سبد هزینه‌های خانواده‌های کارگری کاسته می‌شود. پرداخت یارانه‌ی مستقیم نیز با توجه به سابقه‌ی دولت احمدی نژاد در عدم پایبندی به وعده‌های خود، فراین و شواهد اقتصادی، کسری هفت بودجه، نمی‌تواند برای دراز مدت ادامه یابد. چنین ادعایی تنها فریبانه برای ایجاد پراکندگی در میان مردم است، ادعایی که قصد اجرایش را ندارند.

ماهی برای شکستن مقاومت مردم و مخصوصاً زحمتکشان، پولی به حساب آنها ریخته خواهد شد، ولی بعداً با وقاحت تمام زیر همه وعده‌هایشان خواهند زد.

با علم به این واقعیت، تشکل‌ها و فعالین کارگری در شرایط کنونی و در مبارزه علیه اجرای یارانه‌ها می‌توانند برای خواسته‌های زیر مبارزه کنند، مسلماً در این مبارزه هزینه‌هایی را هم

پرداخت خواهد نمودند، ولی گریزی از پرداخت چنین هزینه هایی نیست. با افزایش تشکل های کارگری و اقدام متحدانه و توده ای می توان هزینه ها را کاهش و سرشکن نمود:

1- حق ایجاد تشکل های کارگری،
2-

3- عدم دخالت دولت در تعیین دستمزد،

4- پرداخت بیمه بیکاری تا زمان اشتغال مجدد،

5- حضور نمایندگان تشکل های کارگری در کمیسیون یارانه ها،

6- افزایش دستمزدها به تناسب تورم.

شکل گیری اعتراضات مردمی

سؤالی که برای فعالین سیاسی و مخالفین حکومت و خود حکومت مطرح است، اینکه آیا حذف یارانه ها و بالا رفتن یکباره ی قیمت ها به شکل گیری اعتراضات مردمی و یا شورش گرسنگان منجر می شود؟ شواهد حاکی از آن است که اعتراضات تدریجی شکل خواهند گرفت ولی احتمال شورش گسترده خیلی پایین است. تجربه ی نزدیکی که مردم از اعتراضات سال گذشته دارند، احتمال سوق یافتن مردم به آن جهت را اگر نه غیر ممکن ولی کمتر ساخته است. البته وقوع چنین امری در فقدان رهبری منسجم سیاسی و مورد وثوق مردم، بیشتر به انتحار دسته جمعی می ماند تا یک اقدام برنامه ریزی شده برای هدفی مشخص. از طرفی دیگر مماشات و ناپیگیری رهبران سبز در جریان اعتراضات سال گذشته، موجب سوختن کارت شورش و اعتراضات خیابانی گردیده و بروز احتمال چنین امری را هم به حداقل رسانده است. اینرو کمک به شکل گیری اعتراضات فرسایشی توده ای و نه شورش های موقت، یکی از موضوعاتی است که احزاب و سازمان های اپوزیسیون و خصوصاً فعالین چپ بایستی مورد توجه

فضای امنیتی حاکم بر کشور در آستانه ی آغاز اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها، خود بخوبی حکایت از عمق ترس و واهمی ی رژیم از عکس العمل خشمگینانه ی مردم داشت. این امر بخوبی نشان داد که رهبران حاکمیت خود نیز به لاف و گزاف گوئی های خودشان باور ندارند و نیک می دانند که حکومت شان چقدر شکننده است. امنیتی کردن فضا از جمله دستگیری دکتر رئیس دانا اقتصاددان چپ و مخالف طرح، جای تردیدی باقی نمی گذارد که حکومت بحث جدی در باره مضمون واقعی طرح را هم خطرناک می انگارد. بی دلیل نیست که عزت الله یوسفیان (عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس) حدوداً دو هفته پیش از آغاز

ایف چپ

شاید جریانات سال گذشته برای چپ جذابیت زیادی نداشت. ولی بحثی که امروز مطرح گردیده، موضوعی طبقاتی است. در اجرای این طرح بعنوان بخشی از طرح تعدیل ساختاری نتولیرالی، جدال طبقاتی نهفته است. صف آرای در دو سوی، با تفکیک قابل مشاهده از سرمایه داران و عواملش از یک طرف و کارگران و زحمتکشان، نیروهای دمکراتیک و انقلابی در طرف دیگر. در این مبارزه و ظایف طبقاتی چپ را فرا می خواند.

بودن یا نبودن یارانه ها موضوع دعوی ما نیست. چرا که، نه عدم وجود این طرح موجب خوشبختی و سعادت کارگران خواهد شد و نه وجود آن به تهایی مایه بدبختی آنهاست. از این رو رویکرد چپ در مبارزه نه صرفاً توقف طرح حذف یارانه ها با نام جعلی هدفمند کردن، بلکه مبارزه علیه نتولیرالیسم سرمایه داری و افشاء و طرد سیاست های تحمیلی تعدیل ساختاری

چپ برای هدفی بزرگتر، برای نفی استمرار مبارزه می کند و از هر قدمی که به کاهش آلام ناشی از استمرار و ستم طبقاتی بیانجامد، استقبال خواهد نمود. فراموش ننمائیم که غیر از چپ تقریباً همه جریان های دیگر بطور اصولی با حذف یارانه ها و سیاست های تعدیل ساختاری از جمله خصوصی سازی، کاهش نقش دولت و کنار گذاشتن اقتصاد برنامه ریزی شده و ... چپ از این رویارویی به عنوان فرصتی برای پیوند و ارتباط گیری با توده ها و سازمان یابی مردم و طبقه کارگر و زحمتکشان استفاده خواهد نمود. کمک و مساعدت به گسترش اعتصابات که هم اینک شکل گرفته یا در حال شکل گیری است وظیفه ای انکار ناپذیر برای چپ بشمار می آید.

نیل به موفقیت در این مبارزه فقط از طریق اقدام جمعی توده های زحمتکش امکان پذیر . توده های مردم و خصوصاً کارگران و مزدبگیران تنها از طریق پیشبرد مبارزه ای فرسایشی و شاید هم دراز مدت، با بسیج تمامی نیروهای خود در کوران مبارزه و در بطن مبارزات خواهند توانست دشمن غدار را به عقب نشینی وادار سازند. در چنین فرآیندی است که توده های مردم در مبارزه ای فرسایشی و در مقیاسی گسترده، می توانند انواع نافرمانی های مدنی فرساینده و کم هزینه تر را سازماندهی کنند. امروز شاید برنامه ریزی برای اعتصابات

عمومی و تشویق مردم برای عدم پرداخت قبض های آب، برق، تلفن و گاز، راه کارهای مناسب و کم هزینه می باشد. نباید فراموش کرد که رژیم نمی تواند برای مدت زیادی نیروهای سرکدب را در حالت آماده باش نگهدارد. رویارویی فرسایشی مطمئناً رژیم را از پای خواهد افکند.

گفتیم و به تکرار هم می گوئیم، اقتصاد یارانه ای مردم را تنبل، تن پرور، رانت خوار، دلال ... بار می آورد و روحیه تولیدی را از بین می برد. همچنین پرداخت یارانه ها را به تجویز مسکنی برای بیماری تشبیه نمودیم که از دردی جانکاه به خود می پیچد، هرچند که مسکن دارویی برای درمان بیمار نیست. اما به حال خود گذاشتن بیمار دردمند تا درمان قطعی را هیچ پزشکی توصیه نمی نماید. پرداخت یارانه برای ترمیم بخشی از اقتصاد و جامعه که از ضعف و نقصان موجود در رنج است، راهکاری موضعی و موقتی برای درمان محسوب می گردد، ولی نباید فراموش کنیم که تا ابد نمی توان به چنین راهکاری تن در داد. از این رو حذف یارانه ها به این معنا یک چیز است و اجرای سیاست های تعدیل ساختاری نهادهای اقتصادی بین المللی چیز دیگری.

ما هم معتقدیم و در پی آن هستیم که نظام یارانه ای برچیده شود، یا حداقل نقش تعیین کننده ای در اقتصاد ایفاء ننماید و استفاده از آن تنها موردی و موقتی باشد. اما پرداخت انتزاعی به این موضوع مضحک به نظر می رسد. ما در دل واقعیت ها زندگی می کنیم نه در بطن ایده . حذف یارانه ها ضرورتی انکار ناپذیر است، اما با کدام هدف و کدام راهکار؟ آقایانی که که طرح مزبور را خوشبینانه ارزیابی می کنند، آیا از مدافعان طرح و دولت پرسیده اند که هدف شما از این همه به در و دیوار کوبیدن چیست؟ و با عوایدی که از اجرای آن بدست خواهید آورد چه خواهید نمود؟ آری هر انسان شرافتمندی باید از مجریان و مدافعان طرح و حتی از خودش بپرسد که آیا این طرح اساساً درست است؟ آیا زمان مناسبی برای اجرای طرح انتخاب شده است؟ آیا مدیریت حاضر توان اجرای چنین کاری را دارد؟ دانستن اینکه دولت با این پول چه خواهد کرد و چه سیاست هایی را پیش خواهد برد؟ بدیهی ترین حق مردم است.

شرایطی که کشورما از وجود نهادهای مدنی مستقل، تشکل های صنفی و سیاسی غیر دولتی، رادیو تلویزیون ملی، نهادهای قضائی دارای استقلال، آزادی های سیاسی و مدنی و وجود احزاب سیاسی محروم است، چه کسانی بر اجرای صحیح این طرح که دهها میلیارد دلار عایدی

بحث انتزاعی و بی ارتباط با واقعیت های جامعه، بحثی انحراف است. ما نمی توانیم وارد چنین بحث هایی شویم بی آنکه مواضع خود را در خصوص اصل قضیه که همان اجرای سیاست های نتولیرالی است، مشخص کرده باشیم. آنها بدون توجه به شرایط زمانی و مکانی با کشیدن بحث به موضعی که اقتصاد یارانه ای خوب است یا بد؟ گام به گام ما را به پرتگاه نظری می کشانند. بحث ما روی مجموعه ی مسائل است و هیچ موضوعی را به صورت مجرد و انتزاعی و بدون ارتباط با پارامترهای تأثیرگذار، روی میز نخواهیم گذاشت. آنها بدون دورنمایی مشخص از آینده، از ما می خواهند موافق فرآیندی باشیم که میلیون ها هموطن ما با اجرای آن هرچه بیشتر به زیر خط فقر در خواهند غلطید. آنها نمی اندیشند و نمی خواهند که ما نیز بیاندیشیم، که میلیونها ایرانی و خانواده هایشان همین امشب گرسنه به بستر می روند. در حالی که طرفداران نتولیرالیسم برای آنها چشم اندازی 20-30 ساله را تصویر می کنند. دورنمایی مبهم، تیره و تاریک، که از آن فاصله واقعیت ها محو و کدر می نمایند.

ما معتقدیم حذف یارانه ها تا تأمین شرایط زیر نایستی برچیده شوند:

- فراگیر شدن سیستم تأمین اجتماعی،

- بیمه ی بیکاری تا اشتغال مجدد شامل حال تمامی بیکاران شود،

- کسب حداقل توان لازم برای رقابت تولیدات با کالاهای مشابه خارجی،

- ارتقاء سطح درآمد مردم تا استانداردهای جهانی

- ایجاد شرایط دمکراتیک در کشور

- رسیدن به نرخ رشدی بالا

- کنترل تورم در حد قابل قبول

- ارائه خدمات عمومی مناسب و کم هزینه از جمله حمل و نقل عمومی شهری و بین شهری

...

رسیدن به شرایط یاد شده، می تواند زمینه های لازم را برای حذف تدریجی یارانه ها مهیا و مردم بجای چشم دوختن به کمک های دولتی، از درآمدی کافی و زندگی شاداب و

از میان رویدادهای ایران و جهان

تمهیدات امنیتی در آستانه اجرای طرح هدفمند کردن

طبق دستور عملی محرمانه به برخی ادارات دولتی دستور داده شده بود که در همزمان با اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها موارد زیر بکار گرفته شود:

- شهرداری موظف شده بود مصالح ساختمانی و نخاله را از مکانهایی که در آنها احتمال شورش وجود داشت جمع کند و همچنین در کوتاه ترین زمان ممکن آثار درگیری و تخریب را از خیابانها پاک کند.
- در بانکها و ساختمانهای دولتی دوربین مدار بسته نصب شود.
- صدا و سیما تبلیغات وسیعی را به نفع برنامه دولت درباره حذف یارانه ها انجام دهد.
- سپاه، بسیج و نیروی انتظامی هماهنگ با هم عمل کنند.
- در نقاطی که تظاهرات انجام می شود، رهبران را شناسائی و آنها را از توده مردم جدا و دستگیر نمایند.
- ماشینهای آتش نشانی در نقاط پر خطر شهر مستقر خواهند شد.
- خانواده زندانیان سیاسی، اعدام شدگان و افرادی که سابقه فعالیت سیاسی را دارند کنترل - بسیج در ادارات و محلات وظیفه جاسوسی و شناسائی مخالفان را به عهده می گیرد.

قیمت نان افزایش یافت

طبق اعلام استاندار تهران قیمت‌های انواع نان مصوب این استان بدین شرح است که هر قرص نان سنگک با چانه 700 گرمی به قیمت 400 600 گرمی به قیمت 300 تومان، هر قرص نان تافتون سنتی و خراسانی با چانه 300 گرمی به قیمت 200 170 گرمی به قیمت 100 های استان پایین تر از قیمت شهر تهران خواهد بود که توسط شورای آرد و نان هر شهرستان مصوب و اعلام خواهد شد.

اعدام علی صارمی از هواداران مجاهدین خلق

علی صارمی از هواداران سازمان مجاهدین خلق به اتهام فعالیت های ضد انقلابی و طرفداری از مجاهدین و ارسال اخبار برای این سازمان، به مرگ محکوم و در سحرگاه روز 7 1389 علی اکبر سیادت به دار آویخته شدند.



گفته می شود دلیل اصلی اعدام آقای علی صارمی، که در شهریور ماه 1386 و در گورستان خاوران دستگیر شده بود، حضور و سخنرانی در مراسم سالگرد فاجعه ملی و رفتن به قرارگاه اشرف در عراق، برای دیدن پسرش بوده است.

تمهیدات امنیتی شدید در سندج

در پی توقف حکم اعدام حبیب الله لطیفی، دانشجوی زندانی کرد، که در پی تجمع اعضای خانواده ی حبیب و جمعی از مردم سندج در مقابل زندان این شهر صورت گرفت. وزارت اطلاعات با یورش شبانه به خانه این دانشجوی زندانی، اعضای خانواده ی او را بازداشت کردند، خبرهای رسیده حاکی از آن است که بیش از 20 فعال سیاسی و اجتماعی شهر سندج طی روزهای گذشته بازداشت شده اند، و تمهیدات امنیتی شدیدی در این شهر بکار اجراء می شود، بطوریکه ارتباطات تلفنی و اینترنتی با سندج مختل گردیده و گذرگاه های ورودی و خروجی شهر تحت کنترل امنیتی است. احساس می شود که حاکمیت برای ارعاب مردم زندانیان سیاسی را به گروگان گرفته است.

انفجار تروریستی در چابهار

در اقدامی جنایتکارانه و در نتیجه حمله ی تروریستی روز 24/9/89 36 کشته و 50 نفر زخمی شدند. این انفجار به صورت انتحاری بوده است در این جنایت تروریستی سه نفر دست داشتند که نفر اول با انفجار کشته شد و نفر دوم که بمب همراه وی عمل نکرد، توسط نیروی انتظامی مورد هدف قرار گرفت و زخمی و نفر سوم نیز دستگیر شد.

اعتراضات ژت، به سرکوب کارگران در ایران

سندیکای فرانسوی ژت، با ارسال نامه ی شدیدالحنی به سفیر جمهوری اسلامی در پاریس نسبت به ادامه ی بازداشت رضا شهبابی و سرکوب فعالین کارگری در ایران اعتراض کرد. در این نامه آمده است: "آقای سفیر، ما یکبار دیگر اعتراضمان را بخاطر نقض مکرر آزادیهای کارگری و تلاش مداوم حکومت ایران برای سرکوب اتحادیه های مستقل کارگری اعلام میکنیم. ما خواهان آزادی فوری رضا شهبابی و تمامی فعالین کارگری زندانی و خاتمه تعقیب قضایی آنان هستیم."

هشتاد درصد بازنشستگان تامین اجتماعی، زیر خط فقر قرار دارند

در حال حاضر تامین اجتماعی بیش از یک میلیون و 400 هزار بازنشسته دارد که حداقل 80 353 هزار تومان است و بنابراین با توجه به نرخ تورم در شرایط کنونی جامعه و اعلام شدن حقوق 800 هزارتومان برای خط فقر، باید 80 تامین اجتماعی را زیر خط فقر دانست.

74 ضربه شلاق برای شیوا نظراهری

شیوا نظراهری فعال حقوق زنان که در 29 88 حضور در مراسم تشییع آیت تباری علیه نظام" 36 دادگاه تجدیدنظر تهران، به تحمل 4 سال حبس تعزیری، تبعید به زندان شهر کرج و 74 محکوم شد.



گفتنی است خانم نظراهری پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری نیز دستگیر و پس از 100 88، با قرار وثیقه 200 میلیون تومانی آزاد گردیده

سومین اعتصاب غذای نسرین ستوده

نسرین ستوده وکیل زندانی تا به حال سه بار دست به اعتصاب غذا زده است. پایان آذر ماه و پس از 12 روز اعتصاب غذا و بستری شدن در بهداری زندان اوین به اعتصاب غذای خود پایان داد. شرایط زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران روز به روز وخیم تر می شود. تعدادی از زندانیان سیاسی هم اینک در اعتصاب غذا به سر می برند از جمله رضا شهبابی، آرش صادقی، محمد نوری زاد و غلامحسین عرشی. بی توجهی مقامهای قضایی به ابتدایی ترین حقوق زندانیان سیاسی همچنین دو فعال دیگر حقوق زنان یعنی بهاره هدایت و مهدیه گلرو را که هر دو دارای احکام سنگین زندان هستند نیز به اعتصاب غذا واداشته است.

جان پنج دانشجوی بازداشت شده دانشگاه یاسوج در خطر است

در تاریخ 14 16 آذر، در حرکتی مشکوک تعدادی قرآن سوخته در خوابگاه های دانشجویی این دانشگاه توزیع و موجبات استقرار فضای امنیتی و یادگاری را در دانشگاه یاسوج فراهم آورد. در پی وقوع این اقدام مشکوک چهار تن از دانشجویان این دانشگاه دستگیر شدند که همچنان در بازداشت به سر می برند.

دانشجویان معتقدند که این عمل غیراخلاقی توسط تعدادی غیردانشجو با نیاتی شوم انجام شده است و ریشه اصلی جریان را می بایست در جریان خارج از دانشگاه جست.

این واقعه به جهات بسیاری به سناریو "جعل نشریات دانشجویی پلی تکنیک" واقعه ای که در آن نشریات دانشجویی منتقد توسط عوامل بسیج و با همکاری گروهی محفلی "مرکز اسناد انقلاب اسلامی" جعل شد و مطالبی به ظاهر توهین آمیز به مقدسات در آنان درج گردید. در آن زمان نیز بلافاصله برخی از محفل های نیمه خودسر در بسیج و نهادهای امنیتی اقدام به مکاتبه برای اخذ حکم ارتداد مدیران مسئول نمودند که با هوشیاری مراجع تقلید و بالاخص مرحوم آیت الله منتظری از نیات شوم خود بازماندند.

هجوم مامورین وزارت اطلاعات شیراز به منزل مجید توکلی

در ادامه فشارها بر مجید توکلی به منظور موضع گیری بر علیه جنبش سبز و رهبران، صبح امروز تعدادی از مامورین وزارت اطلاعات شیراز به صورت وحشیانه ای به منزل پدری وی یورش بردند و ضمن تخریب وسایل منزل تمامی کتب، جزوات، کامپیوتر و سی دی های . همچنین علی توکلی، برادر مجید توکلی، به دفتر پی گیری وزارت اطلاعات احضار و پس از مراجعه وی به این دفتر تاکنون خبری از وضعیت وی در دست نیست.

نگرانی های هاشمی رفسنجانی در مورد آینده ی نظام اسلامی

به گزارش منابع خبری، اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس خبرگان، در دیدار با جمعی از فضلا و طلاب حوزه علمیه قم که قبل از ماه محرم با ایشان صورت گرفته است، در سخنانش به سه نکته مهم با صراحت اشاره کرده است، نکاتی که قبلا با این وضوح به آن نمی

اول، قانون اساسی جمهوری اسلامی که بخش قابل توجهی از آن متاسفانه به طاق نسیان سپرده شده است، اشکالات جدی دارد و می باید در زمان مقتضی اصلاح شود. مهمترین اشکال: اختیارات متعدد و فراوان نمی تواند در دست یک نفر متمرکز باشد، چنین تمرکزی غالبا به فساد منجر می شود.

دوم، شواهد امر حکایت از آن دارد که آیت الله خامنه ای نسبت به آینده نظام و رهبری پس از خود در حال برنامه ریزی و تمهید مقدمات هستند. به نظر می رسد معظم له پسرشان "آقا سید مجتبی خامنه ای" را برای این مهم صالح تشخیص داده اند.

سوم، با این شیوه غیرمدرانه و ضد کارشناسی که کشور اداره می شود، نتیجه ای جز سقوط در طالع آن متصور نیست. مسئولان نظام بنام دین آنقدر بد عمل کرده اند که اگر گفته شود در آینده شاهد "نظام سکولار" خواهیم بود، دور از انتظار نخواهد بود.

160 نفر را خفه می کنند.

آلودگی هوای تهران در روزهای گذشته به حد خفه کنندگی رسیده است.

های محرمانه ای که به نمایندگان مجلس و شورای شهر تهران ارائه شده، روزانه تقریباً 160 نفر در تهران بر اثر مسمومیت ناشی از گازهایی که در هوای تهران پخش است، خفه می شوند و یا قلبشان از حرکت باز ایستاده و می میرند. در روزهای اخیر بحث دیگر نه بر سر آلودگی، بلکه مسمومیت ناشی از گازهای خفه کننده در هوای تهران است. این گازها ناشی از تولید بنزین داخلی است که دولت می خواهد با آن جبران تحریم فروش بنزین به ایران را بکند.

بدست آوردن بنزین با کیفیت خوب (اکتان بالا) به کاتالیزورهای مخصوصی نیاز است که این کاتالیزورها تنها توسط چند شرکت آلمانی، آمریکایی و هلندی تولید میشوند. با وجود تحریم ها، این کاتالیزورها به ایران وارد نمی شود و بدستور دولت بنزین بی کیفیت (اکتان پائین) تولید شده و پس از مخلوط کردن با مقداری از بنزین وارداتی بین پمپ بنزین ها تقسیم می شود.

265 هزار نفر در جاده های ایران

پزشکی قانونی اعلام کرده است که آمار کشته شدگان جاده های ایران در نیمه اول 12 812 1389 نیز چهار هزار و 659

موتور سوار در تصادفات رانندگی در ایران کشته شده اند.

بنابر گزارش پلیس ایران، در ده سال گذشته یعنی از سال 1377 1388 بیشتر از 265 هزار نفر در حوادث رانندگی در جاده های این کشور کشته شده و بیشتر از دو میلیون نفر 800 هزار تصادف در ایران روی می دهد و این کشور در ردیف

برآورد خسارات تصادفات در جاده های ایران چندان آسان نیست اما برخی میزان آن را سالانه بیش از پنج هزار میلیارد تومان (بیش از 5 میلیارد دلار) برآورد می کنند.

هیلاری کلینتون: طالبان ساخته دست آمریکاست!

وزیر خارجه آمریکا به پایگاه خبری "ای بی سی نیوز" گفته است که پاکستان در گذشته از گروه های تروریستی به عنوان مانعی علیه هند و رژیم سابق افغانستان (دکتر نجیب الله)

می کرد تا این دو همسایه، دولت پاکستان را تضعیف نکنند. وی اضافه نمود، نمی تواند تأیید کند که آیا پاکستان استفاده از گروه های تروریستی علیه این دو کشور را متوقف کرده است یا خیر. وی همچنین اعتراف کرد که واشنگتن گروه های رادیکالی را ایجاد کرد و از تروریست هایی مانند " " رهبر سازمان تروریستی القاعده در زمان مبارزه با اتحاد جماهیر شوروی سابق حمایت کرد اما نتایج معکوسی کسب کرد. وی ادامه داد که بخشی از آنچه که امروز در حال مبارزه با آن هستیم، ساخته دست خودمان است.

ایرلند به شرایط اتحادیه اروپا گردن نهاد

علیرغم اعتراضات عمومی و شعارهای - استعفا علیه برابان کوئن، قرار بر این شده که ایرلند بمنظور نجات سیستم بانکی و کسری بودجه خود، 85 میلیارد دلار از صندوق بین المللی پول، وام بگیرد، امتیازاتی مالیاتی را حذف و مالیاتها را افزایش دهد. هزینه های اجتماعی

(بودجه بهداشت و درمان و مؤسسات تحصیلی)

کاهش داده، از شمار کارکنان دولتی 22 هزار نفر بکاهد تا بدین طریق، با پرداخت اصل وام و نزول های هنگفت وام دریافتی خود اقتصاد منطقه یورو را نجات دهد.

بیانیه مشترک 38 حزب کمونیست و کارگری اروپا

ضد کمونیسم در اروپا پا نمی گیرد!

احزاب کمونیستی و کارگری اروپا اقدام تحریک آمیز و تنفرانگیز وزرای خارجه بلغارستان، لیتونی، لیتوانی، مجارستان، رومانی و چک، دایر بر تقاضا از کمیسیون اروپا برای پیگرد قضائی مخالفان تحرف تاریخ و همچنین، محاکمه کمونیستها و کمونیسم در سراسر اتحادیه اروپا را محکوم کردند.

ما همه نیروهای دمکرات، مترقی و ضدامپریالیست را در مبارزه بر علیه ضد کمونیسم به اتحاد با ما فرامی خوانیم. این مبارزه مستقیماً با مبارزه برای احقاق حقوق کارگران و خلق و همچنین، با مبارزه در راه عدالت اجتماعی و ساختن دنیای عاری از استثمار انسان از انسان پیوند خورده

تظاهرات دانشجویی در انگلستان

از اوایل آذر ماه هزاران دانشجوی بریتانیایی در اعتراض به افزایش شهریه ها (

) و قطع بودجه دانشگاه ها در اکثر شهرهای انگلستان دست به تظاهرات زده اند. چندین دانشگاه بدست دانشجویان افتاده و تلاش پلیس که همراه با خشونت بوده پس چند هفته برای تحت کنترل درآوردن اوضاع هنوز ناموفق بوده و دانشجویان اعلام نموده اند "

تا رسیدن به اهداف خود که همانا حذف شهریه دانشجویی و نیز عدم قطع بودجه دانشگاه "

" از طرفی دیگر با پیوستن دانش آموزان دبیرستانی که این قانون بیشتر آنها را هدف قرار داده به دانشجویان معترض، تظاهرات دانشجویان وسعت بی سابقه ای بخود گرفته بطوریکه حضور والدین دانشجویان، کارگران، اساتید و دبیران در تظاهرات

در میدان ترافالگار لندن که هزاران دانشجوی معترض به دولت تجمع کرده بودند و در شرایطی که پلیس ضد شورش و سواره نظام و ... دانشجویان را محاصره کرده بود، دانشجویان با سر دادن شعارها، و بیان خواسته هایشان در برابر دستگاه سرکوب سرمایه داری مقاومت کرده "

در مقابل دولت گوردن براون در تهدید دانشجویان اعلام نموده "دانشجویان بایستی طعم "

**اعتراضات مردمی در جهان علیه گرانی و حذف سوبسیدها**

* در بولیوی، به دنبال اعتراضات گسترده مردمی و تظاهرات خیابانی رئیس جمهور این کشور طرح حذف یارانه

* در پاکستان بدنیال کنار کشیدن یکی از احزاب ائتلافی دولت حاکم و اعتراضات مردمی، بخاطر حذف یارانه های سوخت، نخست وزیر این کشور مجبور به اصلاح طرح پیشنهادی گردید.

* در الجزایر تظاهرات مردم بخاطر افزایش قیمت کالاهای اساسی پایتخت و هشت ایالت این کشور را فرا گرفته است. هایی که از واپسین روزهای هفته گذشته مناطق یاد شده را در

برگرفته، علیرغم وعده های دولت الجزایر برای بازنگری در قیمت کالاهای اصلی هنوز نتوانسته است آتش افروخته شده در خیابان های این کشور را خاموش کند. ت تاکنون به کشته شدن یک و زخمی شدن ده ها نفر از نیروهای پلیس و معترضان و همچنین بازداشت بیش از دویست نفر انجامید.

نامه ای از یک رفیق

رفقای گرمای من آخرین شماره کار داخل را هم مثل شماره های پیشین با علاقه و این احساس که هر کلام آن بوی رفیقان را دارد خواندم. سخنی دارم که سر فرصت با شما در میان خواهم گذاشت و از جمله نظر شما را برای ادامه کار [جویا خواهم شد]. اما پیش از آن می خواهم اطمینان حاصل کنم که طرف گفتگوی من چه شناختی از من دارد، و من با کدام نشانه باید بدانم که چرا فقط ...

رفیق شما علی -

توضیح نشریه "کار داخل کشور"

رفیق گرمای! بخشی از نامه ی شما را در اینجا آورده ایم. بخشی از نامه ی شخصی داشت که حذف شده و بخش دیگری هم بخاطر نگارش آن با حروف لاتین برای ما نامفهوم بود. متأسفانه دلیل پاک شدن امیل شما از آرشیو نامه های دریافتی نتوانستیم با شما مکاتبه کنیم، خوشحال خواهیم شد که این نامه و نکته نظرات تکمیلی تان را با الفبای فارسی مجدداً برایمان ارسال نمایید. مسلماً از این طریق بیشتر می توانیم با نکته نظرات همدیگر آشنا شویم. اختصار می توانیم بگوئیم:

- هر سخن شما در نقد کار ما و پیشنهادتان برای بهبود کیفیت نشریه و ادامه

- شناخت ما به نوشته های شما در اینترنت و مسئولیتی که در سازمان دارید محدود می البته اگر تشابه اسمی نبوده باشد.

- برخلاف نظر شما اعتماد ما صرفاً به رفیق خاصی محدود نمی شود، امتنان ما از رفیق مورد نظر، سایت اخبار روز، سایت آرشیو اسناد اپوزیسیون و سایت های دیگر، صرفاً بخاطر مساعدت- شان در انتشار نشریه کار داخل کشور است و بس. ضمن آنکه ما هیچ شناخت مستقیمی نه از شما و نه از آن رفیق نداریم.

- ما ادعایی در رادیکال بود آن رفیق و رفیق دیگری که نام برده اید نداریم و غیرطبیعی هم نیست که برای شما و یا هر کس دیگری رادیکال بودن آنها جای سؤال داشته باشد. شاید مطلبی که مورد استناد شماست، بیانیه "در دفاع از سوسیالیسم" است، که مربوط به جمعی از هواداران سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت (داخل کشور) می باشد، و ما صرفاً بیانیه در نشریه درج کرده بودیم.

سرانجام، همه دیکتاتورها سرنگونی است

26 دی، روز فرار دیکتاتور

تمامی دیکتاتورها به رغم اینکه فکر می کنند دارای دارای نبوغ ذاتی هستند، از درک یک اصل ساده و درعین حال اساسی حاکم بر جوامع بشری عاجزند. و آن اینکه "انسان نمی تواند "و هیچکس مجاز نیست توده های انسانی را به غل و زنجیر کشد، بجای آنان فکر کند، برای آنها تصمیم بگیرد و سرنوشت شان را بازیچه دست خویش قرار دهد. تاریخی حاکی از آن است که سرانجامی جز شکست و سرنگونی برای چنین ره پیشه گانی قابل تصور نیست.

براستی دیکتاتورها کیانند؟

و بر چه بستری شکل می گیرند، رشد می کنند و به حکومت می رسند؟ بعضی از مورخین بر این باورند که دیکتاتورهای شهابی نورانی و نافذ اند که در مقطعی خاص در آسمان می درخشند، به اتکای قدرت ذهنی و انرژی بی کران شان، توده های انسانی را



فریفته و در راستای تحقق اهداف و خواست های خودخواهانه ی خویش به جنبش درمی آورند. از این چهره ها در تاریخ بسیاریند. امپراطوران زیادی با این مشخصات در اقصی نقاط جهان بوده . فرعون، اسکندر، نرون، چنگیزخان، آتیلا، تیمور لنگ، ناپلئون، تزار، هیتلر، رضاخان، پل پوت ... که بخش هایی از جهان و یا کشوری را به آتش کشیده و زندگی میلیون ها انسان را تیره . برای هیچیک از اینان انسان و نوع بشری پیشیزی ارزش نداشته است.

رسیدن به اهداف غیرانسانی خود از دست زدن به هر جنایتی و هر اقدام ددمنشانه ای ابا . میلیونها انسان قربانی منافع حامیان و طمع سیری ناپذیر آنان شدند.

های بیمارگونه و جنون قدرت طلبی آنان به تلی از خاکستر تبدیل شدند.

از نکات جالب و شاید هم مضحک این قدامت جنایت بار اینکه این حضرات تمامی اقدامات و اعمال غیر انسانی را تحت عنوانی چون میهن پرستی، اجرای عدالت اجتماعی، حمایت از محرومین و زحمتکشان انجام داده و می دهند. بسیار دیده شده است که کشتارهای دسته جمعی، پاکسازی های قومی و نژادی و پایمال کردن ابتدایی ترین حقوق انسانها را بطور سیستماتیک و برنامه ریزی شده انجام می دهند. اکثر آنان حتی کوچکترین شرمی از کرده و اعمال خویش ندارند، بطوریکه تلاشی هم برای استتار و سرپوش نهادن بر اعمال غیرانسانی و جنایت های خویش به عمل نمی آورند.

دیکتاتورها و مطلق گراها معمولاً برای عملی ساختن خواست ها و امیال بیمارگونه ی خویش از هر اهرمی و ابزاری استفاده می کنند. مطالعه و کنکاش در زندگی و خواست گاه این اشخاص، نیاز مبرم مبارزه با چنین افکاری بشمار می آید. اگر نسلی نخواهد از این لغزش ها پند بگیرد، مجبور به تحمل نظام هایی خواهد شد که دیکتاتور پرورند.

محمدرضا پهلوی یکی از نیمچه دیکتاتورهایی بود که پای در جای پای پدر دیکتاتورش هزاران کشته و اعدای و دهها هزار زندانی، سرکوب و اختناق و تحقیر ملتی، حاصل 37 سال حکومت کسی بود که توسط امپریالیست های جهانی به کشورمان تحمیل گردیده بود. نهایتاً 57 سال حکومت دیکتاتورهای پهلوی، با فرار پهلوی دوم در کشورمان خاتمه یافت.

با فوران خشم فروخورده ی ملتی تحقیر شده، مردم ایران در 26 1357

را به بغلش داده و از کشور اخراج نمودند. بدین ترتیب یکی دیگر از دیکتاتورها از دور خارج شد. و سرنوشتی غم انگیز برای دیکتاتور رقم خورد. وقتی هیتلر سقوط کرد لاقابل شهامت آن را داشت که با خودکشی زنده بدست مردم و دشمنانش نیافتد. اما شاه ایران زبون تر از آن بود که چنین کند. در پی سرنگونی و رسوایی، آوارگی و دربه دری در چهارگوشه ی جهان سرنوشت دیکتاتوری بود که تمامی قدرتش بدست مردم در آنی دود شد به هوا رفت. اربابان هم که سقوط او را باور کرده بودند، با سزارینی زود هنگام نگذاشتند فرزند راستین انقلاب ایران متولد . کنفرانس گوادلوپ سرنوشت مردم ایران را از توسعه و مدرنیته شدن و از سمت گیری دمکراتیک به سوی تحجر و و واپسگرایی و تعمیق شکاف های طبقاتی و استبداد تغییر داد، اما همین کنفرانس نقطه ی پایانی بود بر حکومت پهلوی و آغاز سلطنت مشروعه ی فقها. دیکتاتورهای با پوشش مذهبی که سرنوشتی بهتر از شاهان پهلوی و قاجار نخواهند داشت.

اعتراض کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری به بازداشت

دکتر فریرز فریرز رئیس دانا

شران بورو، دبیر کل کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری، در نامه ای به آیت الله علی خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی از وی خواست، فریرز رئیس دانا اقتصاددان منتقد دولت، فوری و بدون هیچ قید و شرطی آزاد شود. آقای رئیس دانا، چند ساعت پس از اجرای قانون هدفمند شدن یارانه ها، در روز 28

ماموران امنیتی در تهران بازداشت شد و در حال حاضر، در زندان اوین به سر می برد.

خانم بورو با اشاره به اینکه آقای رئیس دانا از حقوق کارگران ایران دفاع می کرد،

بازداشت وی راه آخرین نمونه از بازداشت فعالان کارگری، فعالان حقوق معلمان،

دانشجویان و وکلای مدافع در ایران توصیف کرد. دبیر کل کنفدراسیون بین المللی

اتحادیه های کارگری در این نامه نوشت که ایران به دلیل امضای مقاله نامه های

سازمان بین المللی کار، موظف به پایان دادن به نقض حقوق بنیادین تشکل ها است.

پیش از این، اعتراض هایی در ایران و خارج از ایران نسبت به بازداشت فریرز

رئیس دانا صورت گرفته بود و معترضان خواستار آزادی فوری این اقتصاددان منتقد

است که تاکنون بیش از 350 تن از شخصیت های دانشگاهی، فعالان سیاسی،

اقتصاددانان و فعالان جنبش مدنی در داخل و خارج از ایران، طومار تهیه شده از سوی

این کمپین را امضا کرده اند.

به رغم این انتقادات و درخواست برای آزادی فریرز رئیس دانا، عباس جعفری دولت

آبادی، دادستان عمومی و انقلاب تهران، گفته است که او به دلیل مصاحبه با رسانه های

بیگانه و به گفته او، اخلال در هدفمند کردن یارانه ها بازداشت شده است.

آغاز سال نو میلادی 2011



2011 میلادی با جشن و سرور جهانیان آغاز شد. سالی پر از بیم و امید، خاطره‌هایی تلخ و شیرین، دهها هزار کشته از جنگ و بلایای طبیعی، و دهها پیروزی برای کارگران و زحمتکشان، و آزادی و سالی با هزاران امید در پیش.

نشریه کار داخل کشور، آغاز سال نو میلادی را به هموطنان مسیحی و تمامی کارگران و زحمتکشان جهان شادباش می‌گوید و سالی پر بار و سرشار از صلح و آزادی و عدالت اجتماعی برای آنان آرزومند است.

انفجار شب کریسمس در مصر



چهار سال نو میلادی را با آرزوی صلح، ولی با واقعه ای مرگبار آغاز کرد. انفجار کلیسای متعلق به مسیحیان قبطی در دقایق آغازین سال 2011، در شهر اسکندریه 21 کشته و 79 انفجار زمانی رخ داد که مسیحیان قبطی شهر اسکندریه مصر پس از مراسم عشا ربانی در حال خروج از کلیسا بودند.

گفته می‌شود که خود را "دولت اسلامی عراق"، معرفی می‌کند، مسئولیت این عملیات تروریستی را که بوسیله یک سوء قصد کننده انتحاری صورت پذیرفت بر عهده گرفته است. قبطی‌ها این کشور که مخالف جانشینی " هستند، دولت مصر را مسئول این ماجرا می‌دانند. فارغ از دست داشتن دولت مبارک در این ماجرای تروریستی، دولت مبارک نهایت استفاده را از این چرخه با بروز اختلاف و درگیری توجه‌ها از اعتراض به دولت، معطوف اختلافات دینی و انتقام‌گیری خواهد شد از طرف دیگر دولت با استفاده از فضای به وجود آمده اوضاع را امنیتی تر می‌کند و بیشتر از قبل می‌تواند معترضین را تحت نظر قرار دهد. گروه‌های بنیادگرای مذهبی دست‌ساز سیا و سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای منطقه، به ایجاد رعب و وحشت بدنبال یونیزه کردن منطقه از دید مذهبی هستند. انفجار مکان‌های مذهبی در عراق، پاکستان و مصر نیز دقیقاً در راستای تأمین چنین هدفی قرار دارد. روندی که متضمن و توجیه‌گر حضور نیروهای آمریکایی و ناتو در منطقه خاورمیانه و خاور نزدیک است.

سایت کار داخل کشور

اخیراً به همت دوستداران نشریه "کار داخل کشور" سایتی به این نام راه‌اندازی شده که همراه با این نشریه، مجموعه مطالب منتشره توسط جمعی از هواداران سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت (داخل کشور) "در دفاع از سوسیالیسم" را نیز از طریق این سایت منتشر می‌نماید.

ما ضمن ارج نهادن به تلاش این رفقا، که امکان ارتباط راحت خوانندگان نشریه را فراهم ساخته‌اند، امیدواریم این اقدام آنان پلی باشد برای ارتباط هرچه بهتر ما با خوانندگان نشریه در داخل و خارج از کشور. همچنین امیدواریم در آینده از استفاده از نظرات خوانندگان تغییراتی در طراحی سایت اعمال شود، بنحوی که امکان ارتباط با آن راحت‌تر و زیباتر شود.

ضمناً، هر چند که درج نظرات دوستانی که تحت عنوان "جمعی از هواداران سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت (داخل کشور)" فعالیت می‌کنند، در این سایت اقدامی منطقی است، ولی بنظر می‌رسد، طراحی سایت بگونه‌ای است که منظور اصلی تحت

www.kardakhel.com

آدرس سایت:

| نشریه کار داخل کشور | |
|---|--|
| سوره کار داخل کشور شماره 17 مخزن: کاخ ستاره در اوهام | در دفاع از سوسیالیسم 24 مخزن: کاخ ستاره، سازمانه خانه ماس |
| سوره کار داخل کشور شماره 18 توسعه: کورس‌ها و بی‌آموزی‌ها | در دفاع از سوسیالیسم 21 مخزن: کورس، سازمانه، کورس |
| سوره کار داخل کشور شماره 19 مخزن: کورس، کورس، کورس | در دفاع از سوسیالیسم 22 مخزن: کورس، کورس، کورس |
| سوره کار داخل کشور شماره 20 مخزن: کورس، کورس، کورس | در دفاع از سوسیالیسم 23 مخزن: کورس، کورس، کورس |
| سوره کار داخل کشور شماره 21 مخزن: کورس، کورس، کورس | در دفاع از سوسیالیسم 24 مخزن: کورس، کورس، کورس |

چهار سال از تولد جنبش فدائی گذشت. چهل سال آینده از رنج و شادی. در این ها بیش از آنکه بخندیم، گریسته‌ایم. در فراق یارانی که از دست دادیم و فرصت‌هایی که سوزاندیم. هر چند که تلخی‌ها تمامی لحظات

کامیابی‌ها و پیروزی‌هایی هم داشتیم که همراه با خلق خویش خندیدیم. با آزادی مان، در بدرقه نظام شاهنشاهی، در دفاع جانانه فدائیان از آرمان کارگران و زحمتکشان در بیدادگاه‌های دو رژیم شاه و شیخ. ولی انکار نمی‌کنیم که تلخی‌ها بر شیرینی‌ها چربیده است. با این همه خللی در باورمان، به راهی که انتخاب ایم وارد نگردیده است. از واقعیت‌ها متأثر بودیم و بی آنکه عناد ورزیم متحول ایم، ولی جوهره اصلی باورهایمان همچنان راهنمای عمل ما است.

بالنده کارگران و زحمتکشان و به جامعه کشی انسان از انسان، تلاش برای رسیدن به چنین خواستی ممکن و در دسترس، هدف اصلی و در دستور کار ماست.

در آستانه چهل سالگی سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران، شما دوستان و یاران جنبش فدائی را فراموش نمی‌کنیم، ما را در تهیه ویژه ای به این مناسبت با یاری نمایید. تا در انعکاس گوشه‌هایی از

بزرگی‌های جنبش فدائی بمناسبت چهار دهه مبارزه و از خود گذشتگی کم‌نظیر فدائیان که از میان برف و سرمای جنگ‌های سیاه‌کل راهی به فراخانی جهان و به روشنی آفتاب به جای جای ایران گشودند، به کارخانه

12 بهمن از طریق ایمیل نشریه برایمان ارسال فرمائید.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد